سخنرانیش شکوه میکنند که "همه دردهای ما از دانشگاه است" و در روزی نامه‌ها دائما تاکید میکنند که نباید از خطر دانشگاه غافل ماند. آنها با وحشت و هراس بی پایان از اینکه اگر امروز در سرکوب هر چه خونبارتر دانشگاهها غفلت کنند فردا با سلسل، دانشجویان که بروی آنان نشانه خواهد رفت، از این خطر هشدار میدهند. و آشکارا مینویسند: " ما آدمهای ساده داریم مسلسلهایی را که در جریان انقلاب فرهنگی سال ۵۹ از دانشگاهها بیرون ریختیم، بردوش خودمان دوباره به حیاط دانشگاه برمیگردانیم. این مسلسلها لازم نیست همین فردا به دست همان گروهکهای صهیونیستی بکار بیفتد و بچه‌های انقلاب را درخون بغلطانند، سال دیگر هم که فرصت برای گلنگدن کشیدن پیدا شود، همان دم غنیمت است. دانشگاهها برای تصفیه شدن خون بهترین بچه‌هایش را داده است. داریم چه میکنیم روشنفکر میشدیم همه زحماتمان را دور میریزیم؟ به سالهایی بیاندیشیم که درد غرب‌شست امت به گروههای صهیونیستی فروکش کند و ورمش بخوابد و ..." (کیهان ۶۳/۵/۲)

آری مزدوران این چنینی با یادآوری روزیکه مبارزه در دانشگاه اوج بگیرد و در پیوند با توده‌های زحمتکش به حیات ننگین آنان خاتمه دهد بر خود میلرزند و مذبوحانه بر لزوم سرکوب بازهم بیشتر دانشگاه تاکید میورزند. زمانیکه سردمداران رژیم اعتراف میکنند که " وقتی بعنوان تحقیقات و آزمون از دیپلمه پرسیده میشود که مثلا کفن میت چندتکه است، ما تقریبا با یک حالت تلخ و احساس یک غبن بیصدا پیش بینی میکردیم که این افراط غیرلازم و بی احتیاط که ابدا رعایت مقتضی احوال را نمیکند به یک برگشت خطرناک خواهد انجامید و گویا درست حدس زدیم" (کیهان ۶۳/۵/۲) درحقیقت به رشد مبارزات دانشجویان علیرغم تمام تمهیداتشان صحه میگذارند.

باشد که مبارزه در دانشگاه این سنگر آزادی هر چه بیشتر اوج گیرد و دانشجویان مبارز هر چه فعالتر نقش انقلابی خود را در مبارزات ضد امپریالیستی خلقمان ایفاء کنند.

جاودان باد خاطره شهدای
دانشگاه دراردیبهشت ۵۹
گرامی باد خاطره همه
شهدای بخون خفته خلق



# دربارهٔ درگیریهای حقیرفیمابین حزب دمکرات وکومه‌له

حدود پنج ماه است که کردستان قهرمان شاهد جنگی خونین و غیرانقلابی بین حزب دمکرات و کومه‌له میباشد بخصوص از ۶ بهمن ۶۲ که نائره جنگ برادرکشی با حمله کومه‌له به مقرهای حزب دمکرات در اورامان مجددا برافروخته شد، جنگ سقرها درتمام مناطق کردستان بصورت روزمره درآمده و همچنان ادامه دارد. و امروز دیگر نه ابراز نفرت توده‌ای از این جنگ، نه احساس مسئولیت در قبال خون پیشمرگانی که در این مسیر بر زمین ریخته و پایمال میشود، نه لکه‌دار شدن حیثیت و اعتبار جنبش خلق کرد و نه هزار و یک فرو زیانی که در همین مدت به جنبش وارد آمده، از جمله شهادت جمع کثیری از پیشمرگان خلق کرد، اسلحه بر زمین گذاشتن عده‌ای از آنان، کاهش عملیات مسلحانه برعلیه رژیم و... هیچیک باعث آن نشده است که دو نیروی درگیر از ادامه سیاستهای خویش که جنگ نفرت انگیز کنونی ادامه منطقی آنها است دست بردارند.

حزب دمکرات که میبایست پس از پایان کار هیئت تحقیق در رابطه با درگیری ۲۵ آبانماه در مقابل جنبش جوابگوی بسیاری از مسائل از جمله اعدام فجیع پیشمرگان اسیر کومه‌له باشد و میبایست یا آشکارا در

بویژه به شکست کشاندن یورش سراسری ۲۸ مرداد ۵۸ نقش مهمی بازی کرد.

همه اینها موجب آن بود که رژیم به شیوه‌های مختلفی دست به مقابله بزند. مزدوران در هر فرصتی پیرامون مسئله دانشگاه سخنها گفته بودند. از بسیج و سازماندهی اوباشان و حزب‌اللهی‌ها غافل نمانده بودند. از زهرا خانم معروف گرفته تا "طومارزاده" و باندهای فالانژ و چاقوکش، از ارگانهای مسلح گرفته تا نخست وزیر وقت و رئیس جمهور "منتخب مردم" و "شورای انقلاب" ضدانقلاب و بالاخره شخص خمینی، همه و همه در کار بودند تا این بمب را "خنثی" سازند، تا دانشگاهی را که بنا به گفته خمینی در آذر ۵۹ :" درچنگال کمونیستها و چریکها و سایر ارگان منافق بود" تحت حاکمیت دولت درآورند. درنتیجه تعطیل" دانشگاهها"، "تغییر" نظام آموزشی، "غرب زدایی"، "اسلامی" شدن و بالاخره "انقلاب فرهنگی" کذایی بمیان کشیده شد تا زمینه سرکوب فراهم گردد، چریکهای فدائی خلق "آمریکائی"، مجاهدین "منافق"، و دانشجویان و آزادیخواهان "ضد اسلام" خوانده شدند تا حاملین مبارزات ضدامپریالیستی و انقلابی مورد یورش قرار گیرند. ولی هیچیک از این اقدامات باعث آن نشدند که کمترین خللی در اراده دانشجویان مبارز بوجود آید و آنها همچنان مبارزات پرشور خود را پیگیرانه دنبال میکردند.

درنوروز سال ۵۹ سران جمهوری اسلامی برنامه سال را اعلام داشتند. در پیام نوروزی آنان، سال ۵۹ "سال امنیت" و "سال قانون" نامیده شد. (انگار که سال ۵۸ با آنهمه جنایات و کشتار در جهت اعمال قانون بورژوازی وابسته و امنیت برای امپریالیستها و وابستگانشان نبود!؟)

یورش به دانشگاهها پیش درآمد برنامه اعلام شده سال بود و پس از آن بنی‌صدر شخصاً "پیروزمندانه" "دانشگاه" را استقرار مجدد حاکمیت جمهوری اسلامی نامید و خمینی در آذر ماه ۵۹ گفت: "خطر دانشگاهها از بمب خوشه‌ای هم بالاتر بود و بحمدالله شیطنتها خاتمه یافت".

خلاصه کنیم، شرکت فعال در تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک توده‌ها، آن نقش شایسته و بحق جنبش



دانشجویی و عملکرد آن بود. طبیعی بود که ادامه چنین نقش و عملکردی را رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نمیتوانست و نمیبایست تحمل کند و نکرد. تهی ساختن مبارزات توده‌ها از محتوای راستین، به کجراه و انحراف کشاندن و سرکوب آن مبارزات، سمت و عملکرد آشکار حاکمین کنونی بوده وهست. در مقابل، غنی ساختن محتوای مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها، تعمیق و گسترش و رادیکالیزه کردن آن، سمت و عملکرد جنبش دانشجویی در متن جنبش توده‌ها بود و این دو نمیتوانستند سرانجامی جز تصادم داشته باشند و نداشتند. یورش و مقاومت در بطن چنین شرایطی بوجود آمد و اینچنین بود که در دفاع از منافع و خواستهای برحق توده‌ها، از گلوی خونین و سینه دریده دانشجویان یک کلام برخاست، کلام پرشکوه مقاومت که سراسر دانشگاهها را فراگرفت و در فراتر از دانشگاهها، توده‌ها را بخشاً بطور عملی و کلاً بطور ذهنی بخود جلب کرد، تا آنجا که تاثیرات و نتایج خاص خود را هم بر جنبش دانشجویی و مبارزات توده‌ها و هم بر رژیم ضد خلقی برجای نهاد.

اکنون در اردیبهشت سال ۶۲، در پنجمین سالگرد مقاومت خونین دانشگاههای ایران، در مقابل یورش رژیم جمهوری اسلامی قرار داریم. و بحق خاطره قهرمانیها و حماسه‌های دانشجویان مبارز هنوز هم زنده است. اکنون دیگر ماهیت و وظایف اساسی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در سطح بسیار وسیعی بر توده‌ها و منجمله بر جنبش دانشجوئی عیان است، اکنون دیگر روشن است که نحوه بازگشائی دانشگاهها و کیفیت سازماندهی آن، تا چه حد به کنترل و سرکوب مبارزات توده‌ها و جنبش دانشجوئی بستگی دارد و از زاویه اجتماعی هنوز این معضل رژیم حل نگشته است و مسئله "انقلاب فرهنگی" در همه جا، در نماز جمعه‌ها، در مجلس شورای اسلامی مورد بحث سران جنایتکار جمهوری اسلامی است و صفحات زیادی از روزنامه‌های رژیم را بحث دانشگاه پرکرده است. علیرغم مقررات کثیفی که برای ورود به دانشگاه گذاشته‌اند، علیرغم تحقیقات محلی، امتحانات سیاسی ـ ایدئولوژیک، تهدید و ارعاب هنوز از دانشگاه واهمه دارند و هنوز خمینی مزدور در هر

ادامه صفحه ۲۴

## حماسه خون و ....

برای سرکوب خونین دانشگاهها کشته و با آن عجین شده بود، داد سخن دادند. در فضای سرکوب شده با لاف و گزاف از "مکتب" و "تخصص" دم زدند. سازشکاران دنباله‌روی "تاکتیکی" بنی صدر شرمگینانه برخورد انفعالی خود را با تثبیت به موقع سازمانشان و "فاز همکاری" توجیه میکردند. اکثریتی ها و توده‌ای های "خط امامی" با دم تکان دادنهای آنچنانی اظهار پشتیبانی کردند. برای سرکوبگران کف زدند و با پارس کردن به سازمانهای انقلابی، دانشجویان مبارز و توده‌ها، به عبث انتظار بخشش نواله‌ای را داشتند. کارگران و زحمتکشان سراسر ایران نیز دانستند که دانشگاهها شهید داده‌اند و با استقامت از منافع و آرمان آنان بدفاع برخاسته‌اند. توده‌ها با اندوه و شگفتی اعمال سرکوبگرانه رژیم را دیدند، خشم خود را فروخوردند تا به آگاهی مبدل سازند و سرانجام به ریش دژخیمان بخندند، زیرا تجربه کرده بودند که شاه مزدور نیز درهای دانشگاهها را با گلوله بست اما خلق با دستهای پرتوان آنها را گشود. خلق قهرمان کرد و پیشمرگان رزمنده‌اش نیز تعطیل و اشغال کانونهایی را که با حمایت از مبارزات انقلابی و حق‌طلبانه آنان، فریادشان را تا حد وسیعی به گوش سایر خلقهای ایران میرساندند، نظاره کردند و با عزمی راسخ تر و قلبی پرکینه‌تر دستها را به تفنگهایشان فشردند.

بی شک مسئله سرکوبی دانشگاهها امری جدا از سرکوب مبارزات تمام اقشار و طبقات خلق نیست؛ واگر رژیم درچنان وسعت و با چنان وحشی گری ای قبل از هر چیز کوشش کرد "خطر" دانشگاهها را از سر راه خود بردارد، اینرا باید در اهمیت دانشگاه بعنوان کانون آگاهگرانه، افشاگرانه و تا حدودی متشکل کننده جستجو نمود. دانشگاه بعلت سابقه مبارزاتی خود و نقشی که در سالهای سیاه و اختناق قبل از قیام در پشتیبانی از جنبش مسلحانه و پرورش بسیاری از انقلابیون



مسلح (چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق) داشت، شدیدا مورد علاقه و احترام توده‌های مردم بود. تا آنجاکه رژیم با آگاهی از این علاقه و احترام، خیمه‌شب‌بازی سفارت آمریکا را برای فریب توده‌ها، بنام "دانشجو" انجام داد و به اینصورت کوشید از اعتماد مردم به دانشجو و دانشگاه سوءاستفاده نماید.

نقش دانشگاه در جریان قیام و پس از آن بنحو بارزی نشان داده شد. دانشگاه به یکی از عرصه‌های پرشور مبارزه در اشکال گوناگون تبدیل شد. ستادهای اولیه چریکها و مجاهدین در صحن دانشگاه قرار داشت، اجتماعات بزرگ و کوچک در دانشگاه برگزار میشد. (تجمع هواداران "چریکها" در روز ۲۱ بهمن ۵۷ و شرکت فعالانه در قیام یکی از نمونه‌های آن است). برخورد آزاد اندیشه‌ها و تفکرات، با حراست خود دانشجویان نه‌تنها ممکن و میسر بود بلکه امکان وسعت‌یابی بیشتری داشت. برگزاری صدها نمایشگاه عکس و پوستر، نمایش فیلمهای مترقی، توزیع و پخش نشریات و جرایدگوناگون موارد گویایی از کار آگاهگرانه ای بود که وسیعا انجام میشد. تشکیل شوراهای دانشجویان، استادان و کارکنان و کنترل و هدایت امور صنفی و سیاسی بوسیله این ارگان میتوانست سرمشق "خطرناکی" باشد. جریانات دانشجویی روشنی و وسعت بیشتری مییافتند دفاع از آرمان و خواست توده‌ها وکارگران، پیوند یافتن هر چه بیشتر با آنان و افشاء بیرحمانه اعمال ضد خلقی نوکران جدید امپریالیسم (مثلا افشاء جنایات و کشتار رژیم درمورد کارگران اصفهان، خلق ترکمن و فاجعه قارنا و قه‌لاتان کردستان) نیز با عمق و گسترش بیشتری روبرو بود؛ و بالاخره دانشگاهها بصورت کانونهائی باجذابیت خاص برای کارگران و توده‌های شهری درآمده بودند. کسب اخبار درست و واقعی جنبش، امکان برقراری تماس و پیوند با بخشهای گوناگون نیروهای جنبش، تسهیل کانالهای کمک رسانی مادی و معنوی به نیروهای انقلابی، فضای ابراز همدردی و امکان جلب حمایت و غیره، آن جنبه‌های جاذب دانشگاه و دانشجویان برای توده‌ها بود. علاوه بر همه اینها جنبش دانشجویی در دفاع از جنبش خلق کرد در اشکال گوناگون و

دانشجویان در تالار شهرداری بیش از ۵ تن ( دکتر نریمیسا و دیگران ) را بسرعت اعدام کردند و ۲ جنازه از کارون پیدا شد. بعد از آن نیز گروههای دیگری از دانشجویان را به جوخه اعدام سپردند.

بالاخره، دانشگاههای تبریز، شیراز، زاهدان و مشهد هم با هجوم فالانژهاو قداره‌بندان حاکمین کنونی، بهمراهی کمیته‌چیها و پاسداران و تاییدات عریض و طویل و "اسلامی" امام‌جمعه‌ها، استاندارها و "صدای" جمهوری اسلامی مورد یورش قرار گرفتند. دانشجویان نیز با حرکات اعتراضی و کشاندن تظاهرات بمیان توده‌ها وبرجای‌نهادن چندین شهید و دهها زخمی مقاومت خود را آشکار ساختند. سرانجام آزادیهای نیم بند و ناشی از هرج و مرج این دانشگاهها نیز لگدمال مزدوران رژیم گشت و دانشگاهها به جولانگاه ساکت و خلوت مزدوران امپریالیسم تبدیل شدند. حتی دانشکده تربیت معلم و مدرسه علوم اراک و غیره نیز ازاین "نعمات و خیرات" بی‌نصیب نماندند. ابعاد مسئله بحدی بود که در اکثر موارد دانش‌آموزان انقلابی از هیچ کوششی دردفاع ازدانشجویان وآرمانهای مشترکشان کوتاهی نکردند وفعالترین نمونه‌ها را در رشت و اهواز بنمایش گذاشتند، وهمچنین درهمه‌جا، حزب‌الهی‌ها وچماقداران بسیج شده رژیم‌برای ادامه کشت و کشتار "زخمی"ها به بیمارستانها یورش بردند که اکثرا با مشتهای‌گره کرده مردم مبارز روبرو شدند که از گویاترین موارد آن میتوان زاهدان و تهران را نام برد.

از بنی صدر مزدور گرفته تا امام جمعه‌ها و استاندارها در دانشگاههای "فتح" شده حضور یافتند و با سر و روی شنگ زده از خون گرم و پاک دانشجویان شهید، در فضایی آکنده از بوی سرب مذاب و بخار خون و درحالی که کینه و خشم انقلابیون وزحمتکشان از یکسوورقص وپایکوبی وعربده کشیهای چماقداران و سردمداران رژیم ازسوی دیگر فضا را پر کرده بود، "تولد دوباره جمهوری اسلامی" و "استقرار حاکمیت دولت" را به همدیگر تبریک گفتند. آنها از این باصطلاح پیروزی در پوست نمی‌گنجیدند!! و در مدح و ثنای "انقلاب فرهنگی" کذایی که‌لفافه‌ای

بقیه در صفحه ۵۲



ادامه پشت جلد

## تعرض قهرمانانهٔ پیشمرگان

......

آتش همه جانبه و سنگین خود گرفتند. "درحالیکه مزدوران مستقردرپایگاههای اطراف و از جمله پایگاه "اشکان" نیز برای کمک به همپالکیهایشان منطقه را زیر رگبار انواع سلاحها گرفته بودند، وسرانجام پیشمرگان قهرمان درساعت ۱۱/۱۰ بدون اینکه کوچکترین آسیبی ببینند در میان آتش سنگین دشمن عقب‌نشینی نموده و همگی به محلهای ازقبل تعیین شده‌بازگشتند. پیشمرگان در سر راه خود مورد استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند. ازتلفات و خسارات وارده بدشمن زبون در این عملیات اطلاع دقیقی در دست نیست.

خبر تعرض قهرمانانهٔ پیشمرگان چریکهای فدائی خلق به این پایگاه که بدلیل زورگوئی و اجحافات شدید در حق روستائیان منطقه مورد تنفر شدید آنان بود، به سرعت در تمام منطقه پیچید و موجی از خوشحالی وشادی را در میان روستائیان برانگیخت.

مــردم مبــارز ایــران!

بیش ازشش سال است که‌رژیم جمهوری اسلامی این سگ زنجیری امپریالیسم غرقه در بحران و ناتوان از حل کوچکترین مسئله توده‌ها، با توسل‌به سرکوب عریان به حیات ننگین خویش ادامه میدهد، رشد مبارزات توده‌ها بعد از شکست قیام بهمن ماه ۵۷ - که نه تنها به اهداف خود نائل نیامده بودند، بلکه پس از آن دستاوردهای مبارزاتیشان نیزموردیورش سردمداران جدید قرار گرفت - و بویژه مبارزه مسلحانه‌ای که خلق قهرمان کرد از همان آغاز برعلیه این رژیم‌دست نشانده آغاز کرد، باعث افشای ماهیت رژیم وابسته به امپریالیسم گردید و رژیم ناتوان از پاسخ به مسائل توده‌ها برای حفظ سلطه امپریالیسم در میهنمان چنان سرکوب وحشتناک و خشونت وکشتار بیسابقه‌ای را در جامعه براه انداخته که در تاریخ معاصر ایران نظیر آن دیده نشده است.

و سازمانیافته‌ای را در اوج خود در
پوشش "انقلاب فرهنگی" درعرصه دانشگاهها
و علیه آنان پیاده میکرد. بدین ترتیب
دانشگاهها جلوه‌گاهی از مصاف بین
نیروهای انقلاب و ضدانقلاب گشت.

در سی ام فروردین فالانژها و
چماقداران به دانشکده ادبیات ،
هنرهای زیبا و فنی یورش بردندکه با
مقاومت دانشجویان روبروگشتند، دولت
با انتشار بیانیه‌ای سه روزمهلت برای
تخلیه دفاتر دانشجویی تعیین کرده
در اول اردیبهشت مجددا دانشگاه تهران
مرکز درگیریهای خونین و حمله‌های
اوباشان رژیم بود که ابتدا درخیابان
۱۶ آذر و بتدریج تمامی خیابانهای
اطراف و خود دانشگاه را دربرگرفت.
مبارزات دانشجویان و شعارهای
آتشین آنان درزیر رگبار گلوله‌ها و
گاز اشک‌آور و... تمامی صحن دانشگاه
و اطراف را فرا گرفته بود. مقاومت
تا صبح روز دوم ادامه یافت که نهایتا
با حمله نهایی ووحشیانه پاسداران
و کمیته‌چیهای رژیم در خون نشست و
بیش از ۲۸ شهید و دهها زخمی از جانب
دانشجویان انقلابی تقدیم پیشگاه
خلقهای تحت ستم ما گردید . در این
میان ، سازشکاری و خیانت آشکار
رهبران غاصب نام " سازمان چریکها "
علیرغم مقاومت توده‌های دانشجویان تحت
رهبری آنان، جای ویژه‌ای درکمک به
سرکوب رژیم داشت . مردم مبارز و آگاهی
که علیرغم شلیک هوایی !! و پرتاب گاز
اشک‌آور پاسداران و ممانعت های
چندگانه ، به حمایت از دانشجویان در
خیابانهای اطراف گرد آمده بودند ،
در اشکال گوناگون حمایتهای مادی و
معنوی خود را با رساندن غذا و نان،
دارو و وسائل پزشکی ، تکرار شعارهای
دانشجویان و سرانجام پناه دادن در
خانه‌های خود ابراز داشتند. کارگران
و بویژه کارگران بیکار با شرکت عملی
خود و بخشا رهبری مبارزات دانشجویان
جلوه‌ای دیگر از همبستگی مبارزاتی
اقشار مختلف خلق و حقانیت این مقاومت
را عیان ساختند. در یک کلام جوش و
خروشهای دانشگاه تهران وخیابانهای
اطراف آن، تا حدودی روزهای قیام را
در اذهان زنده کردندو آ ژیر آمبولانسها

**مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی**



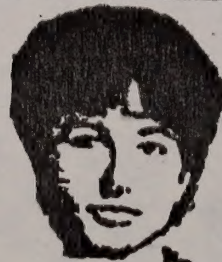
بر شهدا و زخمیها گواهی دادند.
درورشت، مقاومت حماسی دانشجویان،
اقبال حمایت فعالتر توده‌ها را با خود
داشت. آنها دسیسه و عمل ضدخلقی نوکران
امپریالیسم ( هادی غفاری ودیگران )
را که با آتش‌زدن مغازه‌ها و نسبت
دادن آن به دانشجویان، سعی درجدائی
حرکات حماسی خود در جریان قیام را
تداعی کردند.
در اهواز سینه دانشجویان مقاوم و
مدافع زحمتکشان با گلوله‌های آمریکائی
سپاه پاسداران و کمیته‌چیها و دشنه
اوباشان و چماقداران شکافته شد و
گرمی خون حداقل ۱۵ شهیددربیشه‌زارهای



انداختن بین دانشجویان وتوده‌ها را
داشتند، افشاء کردند و دربعدی وسیعتر
برخی از توده‌های زحمتکش و کارگر
دوش بدوش دانشجویان به مقابله با
سرکوبگران رژیم مزدور خمینی و
پاسداران ضدخلقی پرداختند و با ۴
شهید و چندین زخمی بار دیگر خاطره
پشت دانشگاه ( جنتی امام جمعه وقت
و یکی از فقهای شورای نگهبان‌ریختن
خون دانشجویان را " حلال " کرده‌بود
و دهها زخمی ما به مقاومت هر چه
بیشتر دانشجویان وهارترشدن مزدوران
رنگارنگ رژیم گردید. بنحوی که بعد
از به بند کشیدن تعداد زیادی ا

عات کار بود . بهرحال ارتباطی
ی چون وچرا مابین این خواستها و
واست مشروطیت وجود دارد ، و اگر ما
توانیم کاری کنیم که توده‌ها این
رتباط را درک نمایند (و ما بدون
ک خواهیم توانست ) ، آنموقع فریاد
" مشروطیت " فریادی تک نخواهد بود ،
بلکه از گلوی هزاران و صدها هزار
نفر بیرون خواهد آمد ، زمانیکه دیگر
خنده‌دار نبوده بلکه تهدیدکننده خواهد
بود . گزارش شده است شخص موثقی درطول
جشنهای اول ماه مه در حین عبور از
خیابانهای خارکف از درشکه‌چی پرسید
کارگران خواستار چه چیزی هستند و او
جواب میدهد : آنها خواستار هشت ساعت
کار در روز و روزنامه‌ای برای خودشان
هستند " . درشکه‌چی مذکور درک میکرد
که کارگران دیگر به صدقه خشک و خالی
راضی نبوده بلکه خواستار آنند که
انسانهایی آزاد باشند ، آنها میخواهند
قادر باشند آزادانه و آشکارا نیازهای
خود را بیان نموده و برای تحصیلشان
مبارزه کنند . ولی جواب درشکه‌چی
هنوز این آگاهی را ابراز نمیداشت
که کارگران برای آزادی تمام مردم و
برای حق شرکت در اداره دولت مبارزه
میکنند . زمانیکه این خواست که تزار
مجلسی از نمایندگان مردم تشکیل دهد
با آگاهی کامل و عزم راسخ توسط
توده‌های زحمتکش در کلیه شهرهای
صنعتی و نواحی کارخانه‌ها در روسیه
تکرار گردد ، آنگاه که کارگران به
مرحله‌ای رسیده باشند که در آن تمام
جمعیت شهرها ، و همه آن روستائیانی
که به شهرها میآیند درک نمایند
سوسیالیستها خواهان چه چیزی هستند و
کارگران برای چه چیزی مبارزه میکنند ،
آنزمان ، روز بزرگ رهایی مردم از استبداد
پلیسی چندان دور نخواهد بود .
نوشته شده در اوایل نوامبر ۱۹۰۰
در ژانویه ۱۹۰۱ در جزوه‌ای که توسط
ایسکرا انتشار یافت بچاپ رسید .

* * * * * * *



چریک فدائی خلق رفیق شهید
شیرین ( فضیلت کلام ) معاضد



ویژه اول ماه مه ( ۱۱ اردیبهشت ) ۶۴
از انتشارات : چریکهای فدائی خلق ایران
تکثیر از : سازمان سراسری دانشجویان ایرانی در آمریکا ( هوادار چریکهای فدائی خلق ایران )
۸۴ ص

# حماسه خون و مقاومت در دانشگاه



در روزهای اول ودوم اردیبهشت ۵۹ یک کلام فضای دانشگاههای ایران را پر کرده بود ; مقاومت . کوچکترین دانشکده‌ها تا بزرگترین دانشگاهها را این کلام در سیطره نیرومندخود گرفت .

در همه جا از تبریز تا بلوچستان ، از اهواز تا مشهد ، از شیراز تا رشت و در مرکز آن دانشگاه تهران ، دانشجویان انقلابی و مبارز دست به مقاومت زدند ، زیرا رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی یورش مسلحانه سراسری

دامنه‌ی سرکوب اعتراضات زحمتکشان و کارگران را درنظر داشت.

با این همه، گویا سرکوب نظامی دانشگاه ها و کشتن و زخمی کردن صدها دانشجوی مبارز کافی نبود که حمله‌ی تبلیغاتی و موج عوامفریبی برای توجیه اشغال دانشگاه ها وبه تعطیل کشاندن دائمی آن در ابعادی وسیع آغاز شد. آیت الله خمینی افاضات معروف خود "تمام گرفتاریها از دانشگاه است"، "خطر دانشگاه از بمب خوشه ای هم بیشتر است" را تاکنون بارها تکرار کرده است. او و مقلدینش بدرستی از "گرفتاریهائی" که دانشگاه بوجود می آورد نگران هستند، چرا که:

- دانشگاه برای حفظ نظام سرکوب و استثمار گرفتاری ببار می آورد،
- دانشگاه برعلیه خفقان و دیکتاتوری به پا میخیزد،
- دانشگاه سرکوب خلقهای تحت ستم ومبارزات بحق کارگران وزحمتکشان را محکوم وافشاء میکند،

و اینها البته گرفتاریهای بسیار بزرگی برای سرکوبگران بوجود میآورد. از همین رو، هیئت حاکمه مصمم است که علیرغم تمام اعتراضات دانشگاهها را تا آن زمان که قادر باشد در تعطیل نگهدارد. در ابتدا برای واقعی نشان دادن "انقلاب فرهنگی" شورایی بنام "شورای انقلاب فرهنگی" تشکیل گردید ولی بعد از چند ماهی اکثریت این شورا (۴ نفر از ۷ نفر) از کار کناره گیری کردند، ولی با این وجود این شورا با اقلیت اعضای شورا "بکار" خود ادامه داد. زیرا آنچه هیئت حاکمه می خواست به آن دست یابد، انجام گرفته بود و اقدامات بعدی یعنی تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی و ... نیز در حقیقت شگردهائی برای پوشیده نگهداشتن نیت واقعی رژیم از "انقلاب" کذایی بود. آنچه ارگانهای فوق تاکنون انجام داده اند، چیزی جز تسریع در تخریب و نابودی همان موسسات "فرهنگی و آموزشی" و از بین بردن صدها میلیون تومان تاسیسات این مراکز نبوده است.

## کارگران وزحمتکشان!

هدف از به تعطیل کشاندن دانشگاه ها و سرکوب مبارزات مترقی دانشگاهیان، در حقیقت کوشش برای خفه کردن فریادهای حق طلبی این بخش از جامعه در حمایت از مبارزات برحق کارگران مبارز و زحمتکشان محروم جامعه است. مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها نیز بدون حمایت بیدریغ و گسترده‌ی توده های مردم امکان پذیر نیست. به صفوف دانشجویان بپیوندید و در مبارزات آنان فعالانه شرکت جویید.

## دانشجویان ودانشگاهیان مبارز!

امروز مسئله‌ی دانشگاهها به گرهی ناگشودنی برای ارتجاع تبدیل شده و از حل این مشکل عاجز مانده است. تعداد بیکاران هرروز روبه افزایش است و تعطیلی دانشگاهها نیز این مشکل را چند برابر کرده است. باید در برابر صف متحد ارتجاع، با حفظ و گسترش تشکلهای مترقی دانشجویی و استادان، با اتحاد عمل و همکاری نزدیک تمام آنان و پشتیبانی نیروهای انقلابی متحد و یکپارچه مبارزه در جهت افشاء رژیم جمهوری اسلامی و انقلاب قلابی فرهنگیش، افشاء هر دو جناح هیئت حاکمه و برخورد آنان به مسئله دانشگاهها را سازمان داد باید مبارزه برای بازگشائی فوری:

- دانشگاهی که مستقل بوده و در خدمت زحمتکشان باشد،
- دانشگاهی که توسط شوراهای انتخابی اداره شود،
- دانشگاهی که در آن تصفیه عقیدتی انجام نگیرد،
- دانشگاهی که درآن عناصروابسته به ارتجاع و امپریالیسم حق فعالیت نداشته باشند،

بقیه در صفحه ۱۲

سال دوم - شماره ۷۱
۲۷ فروردین ۱۳۶۰

# اول اردیبهشت

## روزی که دانشگاه درخون نشست...!

سال گذشته در چنین روزهایی لشکر اوباش و قداره بندان رژیم جمهوری اسلامی تحت لوای شوم " انقلاب فرهنگی " دانشگاه ها و مراکز علمی سراسر کشور را بخون کشیدند. سنگرهای آزادی یک سال پیش در چنین روزهایی عرصه‌ی مبارزه قهرمانانه دانشجویانی بود که با تمام توا در مقابل لشکر جهل و عقب ماندگی مقاومت کردند تا بدانجا که " رئیس جمهور منتخب "در پیشاپیش اوباش مرتجع گام آخر را برای فتح نهائی دانشگاه ها برداشت و این " افتخار تاریخی " را نصیب خود ساخت و نیز ننگ ابدی را!

اول اردیبهشت ۵۹ ، " تیرهای هوائی " پاسداران سرمایه همگی کمانه کردند!! و ده ها دانشجوی قهرمان را در تهران ، اهواز ، رشت ، تبریز ، شیراز و ... در خاک و خون غلطاندند. هیئت حاکمه در این خیال بود که با کشتار دانشجویان و تخته کردن درهای دانشگاه ها ، آگاهی را به بند کشد تا بدینوسیله بر عمر حکومت ننگین خود بیافزاید. اما به شهادت تاریخ ، مبارزات دانشجویان در هیچ زمان تنها محدود به پشت میله های دانشگاه نبوده و نخواهد بود و به همانگونه که رژیم جنایتکار پهلوی علیرغم جوخه های تیر باران و گارد دانشگاه و ساواک هیچگاه نتوانست از " شر " دانشجویان آگاه و مبارز خلاصی یابد، رژیم جمهوری اسلامی نیز همواره با وحشت از آگاهی توده ها صحبت از نفوذ دانشجویان کمونیست و انقلابی در کارخانه ها ، محله های فقیر نشین ، اعتصابات کارگران و ... میکند و همه‌ی بیکفایتی ها و ندانم کاریهای ماهوی اش را بگردن آن ها می اندازد. آری دانشجویانی که در زمان اختناق و سرکوب شاه ، ۱۶ آذرها را آفریدند ، دانشجویانی که از زندان و شکنجه های قرون وسطائی ساواک نهراسیدند و فریاد اعتراضشان را بگوش جهانیان رساندند، دانشجویانی که زندگی اشان را چون ، احمدزاده ها ، مفتاحی ها ، رضائی ها و ... در راه رهائی زحمتکشان نهادند و بالاخره دانشجویانی که در ماه های قیام ( هنگامیکه بسیاری از سران فعلی حکومت یا در فرنگ بودند و یا در کنج خانه اشان مردم را به سکوت دعوت می کردند ) یکی از عوامل مهم سقوط رژیم شاه گشتند ، آری چنین دانشجویانی هیچگاه و در هیچ زمان نیز تسلیم شیوه های سرکوب و اختناق رژیم جمهوری اسلامی نخواهند شد و همچنان به مبارزه‌ی خویش ، بهر طریق که بتوانند، ادامه خواهند داد.

بنی صدر که سال پیش میکفت در پیشاپیش توده ها برای انقلاب فرهنگی به سمت دانشگاهها می آید ، امسال مزورانه میگوید که من غلط کردم دستور بستن دانشگاهها را دادم .ولی مردمی که سال پیش سنگفرش خونین تمامی دانشگاهها را بیاد داشته باشند هرگز توطئه های کثیف بنی صدر و سایر سردمداران " انقلاب فرهنگی " را از یاد نخواهند برد.

یورش وحشیانه اول اردیبهشت به دانشگاه ها تنها کوششی برای سرکوب مبارزات دانشجویی نبوده ، بلکه بیش از این گامی برای نفی آزادیهای دمکراتیک و آغازی برای گسترده کردن

پیکار

سال دوم – شماره ۸۸
دوشنبه ۱۵ دیماه ۵۹

بقیه از صفحه ۲۹ **مصاحبه...**

بسته شدن دانشگاه و همچنین عامل خنثی‌کننده "کلیه تلاشهای گذشته نیروهای مردمی و انقلابی در جهت حل انقلابی مساله دانشگاه" دانسته است.

البته اگر این موضعگیری را بحساب موضع دوستان مجاهد نگذاریم (که باید بگذاریم) باید گفت این اولین بار نیست که از سوی آنها، نیروهای راستین کمونیستی و از جمله سازمان ما متهم به چپ روی، سکتاریسم و آنارشیسم میشوند. آنها همواره در برخوردشان با اساسی‌ترین مسائل جامعه و جنبش، بدلیل ماهیت طبقاتی و درک خرده بورژوائیشان از این مسائل، دچار ناپیگیری بسیار زیاد بوده‌اند که از آنجمله‌اند برخورد به هیات حاکمه و قدرت سیاسی، برخورد با لیبرالها، برخورد با آیت الله خمینی و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی، موضعگیری در قبال واقعه سفارت، انتخابات مجلس شورا، مساله شوراها، جنبش مقاومت خلق کرد، جنگ ایران و عراق و همکاری با نیروهای کمونیستی و دفاع از آنها... نحوه برخورد دوستان مجاهد و تاکتیک آنها در قبال بازگشائی دانشگاه، نیز بهیچوجه نمیتواند از مساله فوق جدا باشد. تاکتیک آنها هرچه باشد، یک مشخصه برجسته دارد و آن قرار گرفتن این تاکتیک در چارچوب "مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی" است و تا زمانی که مجاهدین خود را از زندان این چارچوب خلاص نکنند، برخلاف آنچه که مدعی هستند قادر به "حل انقلابی مساله دانشگاه" نبوده و نخواهند بود. از همین رو تصادفی نیست که مجاهدین این تاکتیک کمونیستها و اقدام آنها به راهپیمائی ۲۲ دی را اقدامی مغایر با بازگشائی دانشگاه و خنثی‌کننده تلاشهای گذشته نیروهای مردمی و انقلابی بدانند و من بنوبه خود از دوستان مجاهد سوال میکنم که برای توده‌های هوادار دمکرات و انقلابی خود و دیگر نیروهای انقلابی توضیح دهند که منظور از "تلاشهای گذشته نیروهای مردمی و انقلابی" که در اطلاعیه فوق آمده چیست؟ اگر منظور مقاومت در قبال تعطیلی دانشگاه و توطئه "انقلاب فرهنگی" است، که این مساله‌ای است مربوط به نیروهای کمونیستی که چندروز متوالی در برابر یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی مقاومت کردند و شما دفاتر دانشجوئیتان را بسته و برای مطمئن ساختن هیات حاکمه اعلام کردید که بیایند و ببینند که شما دست از پا خطا نکرده‌اید! و اگر منظورتان از این تلاش چیز دیگری است که باید گفت ما از آن بی اطلاع هستیم و باید از دوستان مجاهد خواست که منظور خود را از این تلاش برای ما و دیگر نیروهای انقلابی و توده‌های مردم بازگو کنند.

نکته آخری که باید اضافه کنم این است که دوستان مجاهد، برای حفظ موضع انقلابی و دمکراتیک خود، چاره‌ای جز مرزبندی با گرایشات عمیق لیبرالی خود در اساسی‌ترین مسائل جامعه و جنبش ندارند. نشستن میان دو صندلی نمیتواند دوام یابد و ما بنوبه خود خواستاریم که دوستان مجاهد را در کنار نیروهای راستین جنبش کمونیستی و در مقابل لیبرالها و کل هیات حاکمه ببینیم. امیدواریم که این خواست تحقق یابد.

بقیه از صفحه ۵ **حماسه...**

حزب دمکرات نیز بیاری اهالی روستا و پیشمرگان ماشتافتند. حدود ساعت ده و نیم صبح پاسداران و جاشها پیشروی بطرف روستا را آغاز کرده و در ابتدای ده چند خانه را که نزدیک به تپه محل استقرار خودشان بود بازرسی کردند. در این هنگام ناگهان مورد حمله وسیع و همه جانبه مردم و پیشمرگان قرار گرفته و باران از آتش و گلوله بر سر آنها باریدن گرفت. دشمن سراسیمه و وحشتزده که انتظار چنین مقاومت جانانه‌ای را نداشت عقب نشینی نمود و دهها کشته و زخمی از خود بجای گذاشت. خبر آغاز درگیری در ایندرقاش بسرعت در تمام منطقه پیچید و اطلاعیه‌های مکرر رادیوها نیز باعث پخش هرچه بیشتر آن گردید. صدها نفر از زحمتکشان مسلح از روستاهای مناطق محال "شاویران" (شهرویران)، "شامات" "سلدوز" بسوی ایندرقاش بحرکت درآمدند. تا بار دیگر اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان را در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم نشان دهند. این مقاومت کم‌نظیر توده‌ای تا ساعت ۳/۵ بعدازظهر ادامه یافت. همزمان با این درگیریها یکستون ارتشی شامل ۳ فروند تانک و چند زره‌پوش و ۴۲ خودرو از ارومیه به مهاباد اعزام شد، ۳ فروند هلیکوپتر جمهوری اسلامی برفراز روستای ایندرقاش در پرواز بودند و منطقه را با راکت میکوبیدند.

دشمن سرانجام در مقابل مقاومت متحد و یکپارچه مردم و پیشمرگان قبل از تاریک شدن هوا مجبور به عقب نشینی گردید. مقاومت قهرمانانه روستائیان ایندرقاش دوش به دوش پیشمرگان و شرکت وسیع زحمتکشان چندین منطقه در آن روحیه مبارزاتی مردم را بسیار بالا برده است و همه جا مردم با شور و هیجان از آن یاد میکنند.

(ضمیمه خبرنامه ۱۰۲ کومله)

## توضیح وتصحیح:

در پیکار شماره ۸۹، صفحه ۲۲، عکسهای دو رفیق شهید تفکری و فتحی اشتباها جابجا چاپ شده است.

همچنین سال شهادت رفیق صدیقه رضائی دیماه سال ۵۴ بوده که بدینوسیله تصحیح میگردد.

بقیه از صفحه ۱۶ **مسکن...**

هیچ قدمی برنداشت بلکه آنجا نیز که توده‌ها بدرستی دست به مصادره ساختمانهای خالی زده بودند آنها را برای تخلیه این اماکن تحت فشار قرار داد. رژیم با قطع آب و برق بروی آوارگان، باز کردن شیر گاز خوابگاه محل سکونت آنها، باز کردن آب زیر آنها، قطع جیره غذا و سوخت، انداختن اوباشان به جانشان و وارد آوردن انواع و اقسام فشار به آنها سعی کرد زحمتکشان جنگزده را از آن حداقل سرپناهی که برای خود دست و پا کرده بودند، محروم سازند ولی مقاومت سرسختانه آوارگان و افشای این اعمال جنایتکارانه در نزد سایر توده‌ها رژیم را بیش از پیش رسوا ساخته و مجبور به عقب نشینی کرده ولی ارتجاع از در دیگری درآمده و سعی کرد با تبلیغات مزورانه در وصف محاسن اردوگاههای جیرفت و ... توده‌های جنگزده را به تبعیدگاههای دسته‌جمعی بیابانی بکشاند و در آنجا به خیال خام خود دور از چشم مردم هر بلائی خواست بر سر آنها بیاورد.

آری دیگر جنایات رژیم برای آوارگان رنگی ندارد. آنان میدانند که ماهیت رژیم در بروجرد ماهشهر، رامهرمز، بهبهان، اصفهان، شیراز یا جیرفت و جهرم و نجف آباد و... هیچ فرقی نمیکند رژیمی که دهها و صدها هتل و ساختمانهای بزرگ را (که در شهرهای مختلف در حال خاک خوردن هستند)، حاضر نیست در اختیار آوارگان قرار دهد رژیمی که در مقابل پیشنهاد آوارگان در تهران که در هتل رویال زندگی کنند، مطرح میکند شما هتل را کثیف میکنید! مسلما در بیابانهای جیرفت و... نیز مسکن و امکانات مناسبی برای آوارگان تدارک نخواهد دید.

و به همین دلیل استکه توده‌های جنگزده دیگر گول فریبکاریهای رژیم را نخورده و هیچگونه اعتمادی به وعده و وعیدهای توخالی او ندارند و متحدانه شعار میدهند:

"ما به جیرفت نمی رویم"

بسیاری از آوارگان در مقابل فشار و تهدیدات پاسداران و ماموران رنگ وارنگ رژیم متحدانه دست به مقاومت زده و در مقابل هیچ فشاری حاضر به تخلیه اماکن مصادره شده نگردیدند.

آوارگان برای احقاق حقوق خویش و برای تحت فشار گذاردن رژیم برای قطع فوری جنگ و تامین زندگی و از جمله تامین مسکن مناسب لازم است و بایستی شوراهای واقعی خویش را در هر محل تشکیل داده و با تماس با سایر شوراها، شوراهای هماهنگی (سراسری) آوارگان جنگ را تشکیل دهند تا از این طریق بتوانند حقوق مسلم خود را از حلقوم ارتجاع درآورند.

**زحمتکشان آواره!**

درحالیکه شما از داشتن حداقل سرپناهی در عذابید و رژیم ضدخلقی با وجود اینهمه هتل خوابگاه، باشگاه و ساختمانهای بزرگ سرمایه‌داران وابسته و دولتی، حاضر نیست به شما خانه بدهد تنها راه، اقدام مستقیم خود شما برای تصرف و مصادره این اماکن میباشد. شما بایستی با یک شناسایی حساب شده متحدانه و هماهنگ دست به اشغال ساختمانهای بزرگ سرمایه‌داران و دولت و باشگاهها، هتلها و... بزنید تا از این دربدری در زیر برف و باران و سرمای طاقت‌فرسای زمستان نجات پیدا کنید.

نقل با اختصار از "فریاد آوارگان" ۹ (کمیته خوزستان)

←

اشتغال دارند. این اتهامات و این لجن‌پراکنی‌ها هیچگاه دامن نیروهای رزمنده و انقلابیون جان برکفی را که هیچگاه اندیشه جدا شدن از توده‌ها و منافع آنها را در سر نپروراندند، آلوده نخواهد ساخت. و این اتهامات دشمن، خود دلیل و سند قاطعی است بر حقانیت راه و آرمان والای آنها. بدون تردید توده‌ها این اباطیل را بی پاسخ نخواهند گذاشت و در جریان یک مبارزه قطعی و سرنوشت‌ساز رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم حافظ و مدافع سیستم سرمایه‌داری وابسته را به زباله‌دانی تاریخ خواهند انداخت.

**پیکار:** رفیق روحانی، بنظر شما دلایل تکیه اصلی رژیم جمهوری اسلامی و تمامی ارگانهای ارتجاع روی سازمان پیکار و لجن‌پراکنی علیه آن چیست؟

**رفیق روحانی:** از آنجا که کمونیستها مدافع واقعی منافع طبقه کارگر و زحمتکشان و سرسخت‌ترین دشمنان بورژوازی و طبقات ارتجاعی هستند، همواره مورد تهاجم رژیمهای سرمایه‌داری قرار دارند. رژیم جمهوری اسلامی نیز بعنوان دشمن کارگران و زحمتکشان و توده‌های تحت ستم و بعنوان رژیم حامی سرمایه‌داران، همواره کینه و دشمنی آشکار خود را نسبت به کمونیستها ابراز داشته و از همان ابتدا یکدم از سرکوب و کشتار آنان غافل نمانده است. دشمنی و حملات پیاپی رژیم جمهوری اسلامی به سازمان ما نیز در همین رابطه قابل توضیح است.

این واقعیتی است که سازمان با پشتوانه ارزشمند مبارزات ۱۵ ساله خود و با توجه به پتانسیل و ظرفیت انقلابی و مواضع پیشرو خود تاکنون بیش از هر نیروی کمونیستی دیگر توانسته است به افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و مبارزه علیه آن بپردازد و با توجه به امکانات و ظرفیت خود، بمیان توده‌ها رفته و به آگاهی انقلابی آنان بیفزاید و مبارزات آنان را در عرصه‌های مختلف در اینجا و آنجا هدایت نماید. این نقش بویژه پس از شروع جنگ ایران و عراق و اتخاذ مواضع اصولی و پرولتری سازمان در این زمینه و بردن آنها بمیان زحمتکشان و مبارزه با نظرات و مشی‌های انحرافی و رویزیونیستی در اینمورد، تبارز بیشتری داشته است. افزایش نارضایی و فقر و فلاکت توده‌ها و در همین رابطه اوجگیری جنبش توده‌ای و اتخاذ تاکتیکهای انقلابی و شعارهای مناسبی که منافع زحمتکشان را منعکس میکرد و بویژه خصلت تعرضی و تهاجمی این تاکتیکها و استقبال سازمان، با تمامی ضعفها و کمبودها پیش از رشد و گسترش جنبش توده‌ای، تماما عواملی بودند که سازمان را بیش از هر موقع دیگر برای توده‌ها مطرح ساخت و این خود کافی بود که رژیم را در موضع تدافعی قرار داده و وحشت‌زده و نگران به لجن‌پراکنی علیه سازمان ما بپردازد.

**۱۳ آبان:** ارزیابی شما از برگزاری این راهپیمائی و میزان موفقیت آن با توجه به هدفهای مورد انتظار چیست؟

**رفیق روحانی:** ارگانهای تبلیغاتی رژیم، سپاه پاسداران و کمیته مرکزی کوشیدند تا برای توده‌ها اینطور وانمود سازند که گروههای مسلح درنظر دارند به دانشگاهها حمله کنند. رژیم جمهوری اسلامی با وارونه جلوه دادن اهداف برنامه راهپیمائی ۲۳ دی، زمینه را برای تجمع پاسداران و فالانژهای حزب اللهی برای جلوگیری از اجرای راهپیمائی و سرکوب تظاهرات فراهم ساخت و همانطور که شاهد بودید از ابتدای روز ۲۳ دی، دسته دسته پاسداران همراه با لباس شخصی و دیگر مزدوران و عمال جمهوری اسلامی همراه با وسائل و اسلحه سرد و گرم جلو دانشگاه جمع شدند و با فحاشی به کمونیستها و سازمان ما و دادن شعارهائی بنفع آیت الله خمینی و دیگر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، زمینه را از هر جهت برای جلوگیری از برگزاری مراسم راهپیمائی فراهم ساختند. و واقعا هم ارتجاع انتظار داشت که با چنین تمهیداتی بتواند ما را وادار به عقب نشینی نماید. اما در ساعت مقرر برخلاف انتظار دشمن دهها هزار نفر از دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی و زحمتکشان آگاه و رزمنده در اطراف دانشگاه گرد آمدند و بدون کوچکترین توجهی به اعلامیه منع تظاهرات و تحصن وزارت کشور و حملات حزب اللهی ها، آماده برگزاری راهپیمائی بودند. اما علیرغم تغییر برنامه که طبعا مشکلاتی را بدنبال داشت و علیرغم تمامی تهدیدات دستگیری و سرکوب و ضرب و شتم تمام عیار پاسداران و عمال ارتجاع، راهپیمائی با شرکت بیش از ۵ هزار تن از هموطنان رزمنده و انقلابی ما صورت گرفت و این خود با توجه به تمامی کوشش ها، تهدیدات، تمهیدات و سرکوب دشمن در نوع خود موفقیت بزرگی را برای نیروهای شرکت کننده و از جمله سازمان دانشجوئی و دانش‌آموزی ما بود و این یکبار دیگر درستی تاکتیک ما را در برگزاری این تظاهرات و نمونه‌های مشابه آن و جنبه تعرضی و تهاجمی آنها و تحقیر هرگونه تهدید و سرکوب دشمن به اثبات رساند، امری که باید با جمع‌بست نقاط قوت و ضعف این راهپیمائی و تجربیات حاصله از آن در سایر موارد نیز از آن سود جست.

**۱۳ آبان:** رژیم جمهوری اسلامی و رویزیونیستها ما را متهم به همکاری با لیبرالها و دانشجویان مسلمان هوادار مجاهدین، ما را آنارشیست و سکتاریست نامیدند. نظر شما در این مورد چیست؟

**رفیق روحانی:** همانطور که قبلا گفتم رژیم جمهوری اسلامی بلافاصله پس از اعلام راهپیمائی روز ۲۳ دی از سوی سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار و سایر تشکیلات دانشجوئی کمونیستی کوشید تا با تبلیغات سراپا دروغین و اتهامات وقیحانه و از آنجمله متهم کردن ما به همکاری و پشتیبانی از لیبرالهای خائن مضمون و اهداف این راهپیمائی را در نزد توده‌ها وارونه جلوه داده و باصطلاح ما را منزوی سازد. در این مورد مانند بسیاری از موارد دیگر، رویزیونیستها نیز با هیات حاکمه همصدا شدند و اظهار داشته که این نیروها یعنی کمونیستها از جانب محافل لیبرال حمایت میشوند. حال آنکه مساله همانند روز روشن است و توده‌ها خود بدرستی میدانند که ما لیبرالهای خائن را بخشی از هیات حاکمه ارتجاعی دانسته و آنها را در تمامی جنایات رژیم جمهوری اسلامی و از آنجمله سرکوب خونین جنبش انقلابی خلق کرد، کشتار کارگران بیکار در دورود و اندیمشک، اعدام کمونیستها و انقلابیون، سرکوب و بخون کشیدن دانشگاه در اردیبهشت ۵۹ و بستن آن شریک میدانیم و از همین رو شعار ما نه مبارزه بر علیه یک جناح، بلکه مبارزه علیه هر دو جناح حکومت و از آنجمله لیبرالها است. و شعار "علیه حزب جمهوری علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها" که بر در و دیوار شهر و در صفحات نشریات ما بطور برجسته‌ای بچشم میخورد جلوه‌ای از این واقعیت میباشد و باز هم همانطور که در پاسخ به سوالات قبلی شما اشاره کردم، موضع ما در قبال بازگشائی دانشگاه نیز در اساس با آنچه که مورد نظر لیبرالها در این باره است تفاوت دارد. گواه بارز این مساله، موضع گیری لیبرالها در قبال این راهپیمائی است. روزنامه میزان، ارگان لیبرالهای مرتجع روز بعد از راهپیمائی به نقل از خبرگزاری پارس، طرح بازگشائی دانشگاه را از سوی گروههای کمونیستی یک توطئه خوانده و از همین گروهها بعنوان گروه‌های "چپ آمریکائی" نام میبرد.

اما درباره رویزیونیستها باید اضافه کنم که مساله اینبار فقط به لجن‌پراکنی و اتهامات دروغین و تحریم و محکوم ساختن این تظاهرات از سوی آنها محدود نشد. همانطور که خودشما نیز شاهد بودید، رویزیونیستهای "توده‌ای" و "اکثریتی" بطور فعال چه در تبلیغات علیه ما و چه با همکاری با پاسداران و عمال ارتجاع و رخنه میان صفوف و برهم زدن آن و حمله به شرکت کنندگان در تظاهرات، نقش خود را بعنوان نوکران بیمقدار بورژوازی حاکم نشان دادند و این یکبار دیگر نشان دهنده این است که رویزیونیستها و دشمنان قسم خورده مارکسیسم - لنینیسم، پرولتاریا و همدستان صمیمی بورژوازی هستند.

درباره موضع سازمان مجاهدین، آنچه من تا این لحظه از آن اطلاع دارم متن اطلاعیه‌ای است که از سوی "اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی" وابسته به مجاهدین روز قبل از راهپیمائی منتشر گردیده. در این اطلاعیه اقدام نیروهای شرکت کننده در این تظاهرات، بعنوان یک "حرکت چپ روانه، سکتاریستی و آنارشیستی" تلقی شده و نه تنها آن را گامی در جهت بازگشائی دانشگاهها ندانسته بلکه این حرکت را بهانه‌ای برای ارتجاع جهت

بقیه در صفحه ۲۶

←

همان فردای قیام به‌این طرف، جنبش توده‌ای در متنی از اعتلای انقلابی قرار داشته است و هر روز که از عمر جمهوری اسلامی میگذرد و با فروریختن توهم هرچه بیشتر توده‌ها، جنبش توده‌ای اوج بیشتری میگیرد و چشم‌انداز جنگ داخلی را که البته هم‌اکنون در گوشه‌ای از ایران یعنی در کردستان قهرمان نیز جریان دارد، برای ما تصویر میکند.

درچنین شرایطی از وضعیت سیاسی و درچنین متنی از اعتلاء انقلابی است که باید تاکتیک ما در قبال دشمن، خصلت تعرضی داشته باشد نه تدافعی. ما هم‌اکنون، بویژه پس از شروع جنگ ایران و عراق در شرایطی بسر میبریم که بیش از هر موقع دیگر رژیم را بحران سیاسی و اقتصادی فرا گرفته و فقر و فلاکت توده‌ها و نارضایی آنها درحال افزایش است و به‌سرعت آنان را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار میدهد. درچنین شرایطی از رشد و گسترش جنبش توده‌ای و عجز رژیم از تامین خواستهای اساسی توده‌ها و ناتوانی وی در تثبیت قدرت سیاسی خود و سرکوب متمرکز جنبش توده‌ای، ایجاب میکند که توده‌ها و بویژه پرولتاریا را هرچه وسیعتر و گسترده‌تر آگاهی انقلابی داده و جنبش مبارزاتی ـ اشان را از نظر شکل و مضمون ارتقاء داد. باید آلترناتیو کمونیستی را وسیعا بمیان توده‌ها برد و نه تنها آلترناتیوهای ارتجاعی حاکم، یعنی حزب جمهوری و لیبرالها و همدستان رویزیونیست آنها، یعنی توده‌ایها و اکثریتی‌ها را برای توده‌ها افشا و طرد کرد، بلکه حتی ضروری است تا با جریانات دمکرات ناپیگیری چون مجاهدین که با درک التقاطی و دوآلیستی خود، میکوشند با اصطلاح راه‌حل سومی را میان سرمایه‌داری و سوسیالیسم عرضه کنند، مبارزه ایدئولوژیک نمود. درچنین شرایطی، کمونیستها وظیفه دارند، تعرض و کوشش خود را برای ایجاد حزب طبقه کارگر و کسب قدرت سیاسی در این مرحله صدچندان کنند و برخلاف دوران رکود که دوران عقب نشینی منظم است، پیشروی خود را شروع کرده و حملات و سرکوب دشمن را تحقیر و جو خفقان کنونی را بشکنند. راهپیمائی و تظاهرات ۲۲ دی، نمونه‌ای از این قبیل است و باید این تاکتیک را در سایر عرصه‌ها و بویژه در عرصه جنبش کارگری بکار گرفت. ضرورت رهبری جنبش توده‌ای توسط کمونیستها، چنین مساله‌ای را بشدت از کمونیستها طلب میکند و هرگونه برخورد انفعالی با آن، عقب ماندگی ما را در مقابل جنبش توده‌ای افزایش خواهد داد.

و اما در مورد ایجاد آشوب و تشنج و ایجاد جنگ داخلی که رژیم و رویزیونیستها ما را بدان متهم میکنند باید گفت که در این باره نیز رژیم این حربه را از تمامی مرتجعین تاریخ و رژیم شاه به ارث برده است. رژیم شاه نیز کمونیستها ـ

نداشتند "خرابکار" میخواندند. کمونیستها هیچگاه طرفدار جنگ نبوده و آشوب طلب نیستند. این نیروهای ارتجاعی و رژیمهای سرمایه‌داری هستند که با استثمار شدید کارگران و زحمتکشان و غارت هستی آنها، جنگ را بر آنها تحمیل می‌کنند. پرولتاریا و توده‌های تحت ستم در برابر دشمنان تا دندان مسلح خود هیچ چاره‌ای جز دست بردن به سلاح و جنگ با آنها را ندارند. این کارگران بیکار درود و اندیمشک نیستند که آشوب طلب و جنگ طلبند، این رژیم جمهوری اسلامی است که با "عدل" سرمایه‌داری خود سبب بیکاری کارگران و خانه‌خرابی و دست آخر کشتار آنان میشود. این خلق رزمنده کرد نیست که خواهان جنگ داخلی است، بلکه این رژیم جمهوری اسلامی است که میخواهد تمامی دستاوردهائی را که این خلق قهرمان در طول قیام بدست آورده بزور سرنیزه پس بگیرد و با کشتار و سرکوب خلق کرد، جنگ مقاومت را بر آنها تحمیل میکند. دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی آشوب طلب و خواهان جنگ داخلی نیستند، آنها خواستار بازگشائی دانشگاه و آزادی فعالیت سیاسی این حق مسلم خود هستند. این رژیم جمهوری اسلامی است که با ممنوعیت هرگونه تحصن و تظاهرات و با بخون کشیدن تظاهرات آرام دانشجویان و دانش‌آموزان، جنگ را بر آنها تحمیل میکند و این درست در شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی در هر هفته و یا هر روز راه‌پیمائی‌ها و تظاهرات زیادی را با شرکت دادن توده‌های ناآگاه و یا عمال و مزدورش براه میاندازد. منطق رژیم جمهوری اسلامی در واقع چنین است: راهپیمائی و تظاهرات برای طرفداران من آزاد و برای مخالفین من ممنوع و اگر مخالفین دست به اینکار بزنند، آشوب‌طلب و جنگ طلب هستند! اما مرتجعین این نکته اساسی را نمیتوانند درک کنند که توده‌ها مهره شطرنج نیستند و حاضر نیستند برای همیشه تن به بردگی و استثمار بدهند و از همین رو آنها به مساله جنگ داخلی یعنی جنگ سرنوشت با دشمنان طبقاتی شان، بعنوان یک مساله اجتناب ناپذیر که از سوی دشمن به آنها تحمیل شده نگاه میکنند و از اینرو ناگزیرند که خود را برای آن آماده کنند، آماده برای نابودی بورژوازی بصورت قهرآمیز و استقرار حاکمیت خودشان.

بعنوان آخرین نمونه همین راهپیمائی ۲۳ دی را در نظر بگیرید، رژیم کوشید از همان ابتدا با تبلیغات دروغین و عوامفریبانه خود زمینه سرکوب خونین این تظاهرات را تحت عنوان اینکه کمونیستها میخواهند مسلحانه به دانشگاه حمله کنند و... فراهم سازد و همانطور که دیدید با به میدان آوردن پاسداران و عمال مزدور خود و با حمله وحشیانه به راهپیمایان، این تظاهرات را بخون کشید و تعداد بسیار زیادی را دستگیر و روانه زندان ساخت. آری این است مفهوم آزادی و دمکراسی جمهوری اسلامی، و این است مفهوم

کمونیستها درباره آشوب طلبی و براه انداختن جنگ داخلی!

**پیکار:** رفیق روحانی، همانطور که اطلاع دارید رژیم وقیحانه کوشید با "آمریکائی" خواندن سازمان پیکار و با طرح این مساله که سازمان ما و دیگر نیروهای کمونیستی میخواهند در شرایط جنگ ایران و عراق، جو آشوب و تشنج بوجود آورده و جنگ داخلی را دامن بزنند، کوشید تا جو تبلیغاتی وسیعی را بر علیه کمونیستها و بویژه سازمان ما دامن بزند. میخواهم نظر شما را راجع به این تبلیغات، دلایل و تاثیر عملی آن بدانم.

**رفیق روحانی:** ترس و وحشت رژیم از این راه‌پیمائی، مساله قابل پیش بینی‌ای بود. اتفاقا خود این ترس و وحشت رژیم جمهوری اسلامی و بدست و پا افتادن ارگانهای تبلیغاتی و سرکوب آن و لجن پراکنی‌ها و اتهامات وقیحانه و سراپا دروغینی که به سازمان ما و دیگر گروه‌های کمونیستی نسبت داد، بیانگر این است که تیر ما کاملا به هدف اصابت کرده است. رژیم کوشید با متهم کردن سازمان ما و دیگر نیروهای کمونیستی به وابستگی به "شرق و غرب" و "آمریکائی" خواندن ما اولا از تاثیر تبلیغات و نفوذ انکارناپذیر ما در میان توده‌ها بکاهد و ثانیا با وارد ساختن چنین اتهاماتی به ما زمینه را برای سرکوب و بخون کشاندن این راهپیمائی و موجه جلوه دادن آن در نزد توده‌ها فراهم سازد و شاید هم از این طریق ما را از انجام چنین راه‌پیمائی و تظاهراتی با اصطلاح بترساند!

در مورد با اصطلاح آمریکائی خواندن سازمان ما باید گفت این اولین بار نیست که کمونیستها متهم به چنین چیزهائی میشوند. کمونیستها و تمامی نیروهای انقلابی در تاریخ، مورد اتهام سرمایه‌داری و نظامهای ارتجاعی بوده‌اند. چرا راه دور برویم، مگر همین رژیم شاه در طی سالهای اخیر، ما و دیگر نیروهای انقلابی را که هدفی جز مبارزه با امپریالیسم و سیستم سرمایه‌داری وابسته و دفاع از منافع زحمتکشان نداشتیم، "خرابکار" و "وابسته به بیگانگان" نمیخواندند. ما همانطور که از رژیم شاه انتظاری جز این یاوه‌گوئیها نداشتیم، از رژیم جمهوری اسلامی نیز که سردمداران آن از لیبرالها و مرتجعینی چون بازرگان، بنی‌صدر و بهشتی و رفسنجانی و رجائی تشکیل میدهند، نباید انتظار بر زبان راندن اباطیلی جز اینها را داشت. این اباطیل شایسته خود آنها و شایسته کسانی است که در زمان رژیم شاه یا کارخانه‌دار بودند و در اوج مبارزات توده‌ها، سعی داشتند لاشه پوسیده سلطنت را همچنان حفظ کنند و یا در داخل و خارج از کشور سر در آخور خود داشتند و یا در ارگانهای آموزشی و سرکوب رژیم آریامهری کمر به خدمت بسته بودند و هم‌اکنون تمامی آنها به استثمار کارگران و زحمتکشان و بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم

مصاحبه پیکار و ۱۳ آبان با رفیق حسین روحانی،

عضو کادر رهبری سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، درباره:

# بازگشائی دانشگاه و راهپیمائی ۲۳ دی

هموطنان مبارز!

همانطورکه اطلاع دارید روز ۲۲ دی سالروز بازگشائی دانشگاه توسط دانشجویان و استادان رزمنده و توده‌های انقلابی خلق، راهپیمائی ای از سوی سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار و دیگر تشکلات دانشجوئی کمونیستی (دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان رزمندگان - دانشجویان پیشگام) تدارک و برگزار گردید. با توجه به اهمیت سیاسی این راهپیمائی و نتایجی که دربرداشت، ما برآن شدیم که با یکی از رفقای کادر رهبری سازمان رفیق حسن روحانی که برای جنبش کمونیستی و انقلابی ما چهره برجسته و شناخته شده‌ای است، در این زمینه مصاحبه‌ای بعمل آوریم. آنچه در زیر میآید متن مصاحبه‌ای است که خبرنگاران ما با رفیق روحانی بعمل آورده‌اند.

تحریریه "پیکار" و "۱۳ آبان"

**۱۳ آبان:** رفیق روحانی، اولین سوال من درباره مساله بازگشائی دانشگاه و رابطه آن با جنبش انقلابی دانشجوئی بطور خاص و با جنبش توده‌ای بطور عام است. در این مورد اگر توضیحی دارید به ما بدهید.

**رفیق روحانی:** جنبش انقلابی دانشجوئی در میهن ما سابقه‌ای بس طولانی و پرافتخار دارد، این مبارزه قبل و بیش از آنکه جنبه صنفی داشته باشد جنبه سیاسی داشته و همواره از همان ابتدا تا بحال، بعنوان بخشی از جنبش دمکراتیک و ضدامپریالیستی توده‌های تحت ستم ما و در پیوند دائمی و همبستگی با آن بوده است. متقابلا این جنبش بدلیل خصلت انقلابی و دمکراتیک خود، همواره از حمایت و پشتیبانی وسیع زحمتکشان و خلقهای تحت ستم برخوردار بوده است. خود شما و رفقایتان بیش از من شاهد بوده و هستید که چه در دوران حکومت رژیم منفور پهلوی و چه در مقطع قیام و دوره حاکمیت جمهوری اسلامی، چگونه دانشجویان انقلابی، مبارزات پرشور و گسترده‌ای را چه در عرصه جنبش دانشجوئی و چه در پیوند آن با جنبش توده‌ای دامن زده و میزنند و باز همه ما شاهد بودیم که چگونه این مبارزات، از سوی زحمتکشان آگاه و انقلابی مورد حمایت و پشتیبانی قرار میگرفت.

و اما جنبش انقلابی دانشجوئی، میبایست از تمامی امکانات و وسایلی که در اختیار دارد و از آن جمله دانشگاه بعنوان سنگری در برابر دشمن استفاده کند و تا آنجا که در توان دارد مانع از افتادن این سنگر آزادی و کانون آگاهی انقلابی بدست ارتجاع و دارودسته دانشجویان وابسته به آن گردد. طبیعی است که ارتجاع و در اینجا رژیم جمهوری اسلامی نیز بطور متقابل، بعنوان جزئی از برنامه سرکوب خودسعی دارد، بهر ترتیب که شده این سنگر را که به قیمت خون تمامی شهدای خلق و شکنجه و زندانی شدن هزاران دانشجو و کارگر و زحمتکش مبارز و آگاه باز گشوده شده، از دست انقلابیون و کمونیستها باز پس گیرد، همانطور که کوشیده و میکوشد از ایجاد و رشد سازمانهای توده‌ای نظیر شوراهای واقعی کارگری و دانش‌آموزی و ..... نیز شدت جلوگیری نماید. خود شما و دانشجویان رزمنده و قهرمان ما حملات مکرر رژیم جمهوری و ارگانهای سرکوب آنرا به دانشگاه و دفاتر سیاسی دانشجویان کمونیست و انقلابی و بویژه در اول اردیبهشت امسال را بخاطر دارید و طبیعتا این وظیفه شما و دیگر همرزمان شما و تمامی توده‌های تحت ستم بود که از این سنگر آزادی دفاع کنند که قهرمانانه نیز دفاع کردید.

نکته‌ای که باید در اینجا روی آن تاکید کنم، این است که بازگشائی دانشگاه از دیدگاه ما برخلاف آنچه که لیبرالها و رویزیونیستها بر اساس آن حرکت میکنند، نه بخاطر تربیت بوروکراتها و تکنوکراتهای آماده به خدمت برای بورژوازی، بلکه همانطور که گفتم، بعنوان مرکز فعالیت علمی، سیاسی و آگاهگرانه و سنگر مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاع کنونی دانشجویان انقلابی و یاری دهنده مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی کارگران، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم میباشد. این نکته‌ای است که شما باید چه در نشریه و چه در شعارها، آنرا برجسته نموده و برای توده‌های دانشجو و زحمتکشان، آنرا توضیح دهید.

**پیکار:** همانطورکه اطلاع دارید، رژیم جمهوری اسلامی و تمامی جناحهای حاکم اعم از حزب جمهوری و لیبرالها، و همچنین رویزیونیست - های خائن "توده‌ای" و "اکثریتی"، اقدام سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار و دیگر تشکلات دانشجوئی کمونیستی را در مورد راهپیمائی و تظاهرات ۲۳ دی، اقدامی در جهت ایجاد آشوب و تشنج و برای براه انداختن جنگ داخلی قلمداد نمودند. سوال من از شما این است که این اقدام در رابطه با چه تحلیلی از شرایط و وضعیت سیاسی صورت گرفته و در این مورد در قبال اتهامات ارتجاع و همدستان آن چه توضیحی برای خوانندگان نشریه ما دارید؟

**رفیق روحانی:** سوال شما را باید به چند بخش نموده و به هر یک جداگانه پاسخ داد، در مورد اینکه برگزاری راهپیمائی روز ۲۲ دی، در ارتباط با چه تحلیلی از شرایط و وضعیت سیاسی کنونی است، قبلا باید بگویم که کمونیستها از حرکت تاریخ و تحولات جامعه و سطح مبارزه طبقاتی توده‌ها، درک مادی داشته و نه تنها تئوری، برنامه و استراتژی خود را مبتنی بر جنبه علمی این حرکت و تحولات، تعیین میکنند، بلکه در تعیین تاکتیک، شیوه مبارزه و اشکال مختلف سازماندهی جنبش نیز، حرکت خود را مکی بر سیر عینی وقایع قرار میدهند و با هرگونه حرکات چپ روانه و آنارشیستی از یکسو و با حرکات عقب مانده و دنباله روانه از سوی دیگر مرزبندی می نمایند. بعنوان مثال، با کمک کمونیستها در بکارگیری اشکال مختلف مبارزه استفاده از شیوه‌ها و اشکال مختلف سازماندهی جنبش توده‌ای، نحوه و میزان استفاده از شرایط و امکانات علنی، میزان عقب نشینی و یا تعرض و تهاجم در قبال سرکوب جنبش توده‌ای توسط دشمن و چگونگی استفاده از شعارهای ترویجی و یا تبلیغی و ..... در شرایط رکود و یا شروع سودن سطح جنبش توده‌ای، با شرایط اعتلای انقلابی و رشد و گسترش جنبش توده‌ای و این هردو با شرایط موقعیت انقلابی تفاوت میکند.

حال باید به این سوال پاسخ دهیم که ما در چه شرایطی از وضعیت سه‌گانه فوق هستیم و واقعیت این است که جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران، علیرغم تمامی قهرمانیها و جانفشانیهای خود بدلیل نبود صف مستقل پرولتاریا و ضعف جنبش کارگری و کمونیستی نتوانست منجر به حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان گردد و بورژوازی لیبرال و خرده‌بورژوازی مرفه سنتی توانستند با لگام زدن بر امواج جنبش توده‌ای، آنرا از حرکت پیشرونده و توفنده خود باز داشته و آنرا به کجراه بکشانند و از این طریق سیستم سرمایه‌داری وابسته را از ضربات کاری توده‌ها محفوظ بدارند. با این همه جنبش انقلابی ما برخلاف آنچه که بعد از ۲۸ مرداد ایران و یا پس از ضد انقلاب استولیپینی در ۱۹۰۷ در روسیه اتفاق افتاد، دچار رکود و توقف نگردید و علیرغم تمامی توهماتی که برای توده‌ها نسبت به حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بوجود آمد، از

←

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

# در حمله به 'انجمن کارکنان مسلمان' وقایع دانشگاه تکرار شد

در هفته گذشته، "انجمن کارکنان مسلمان" در تهران مورد حمله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و در طول چندین روز زد و خورد میان کمیته‌چی ها و پاسداران با مردم و نیروهای انقلابی حداقل یک نفر به شهادت رسید و دهها نفر دیگر مجروح شدند. حرکتهای سرکوبگرانه و ضد مردمی حکومت آنچنان ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده است که مشکل میتوان گوشه‌ای از ایران را یافت که توده‌ها از چماق مزدوران رژیم و گلوله‌های پاسداران در امان مانده باشند.

حمله مسلحانه به "انجمن کارکنان مسلمان" در تهران یکی از آخرین اقدامات جنایتکارانه حکومت است. در هفته‌های گذشته چندین بار مزدوران رژیم به محل ساختمان این انجمن حمله کرده و قصد اشغال آنرا داشته اند اما هر بار با مقاومت دلاورانه مردم و نیروهای انقلابی یورش آنها به شکست انجامیده است. در هفته گذشته این حملات شدت بیشتری یافته است.

صبح روز جمعه ۲۸ آذر مزدوران رژیم با انواع سلاحهای سرد و گرم از چوب و چماق گرفته تا نارنجک جنگی و گاز اشک آور به محل "انجمن کارکنان مسلمان" حمله میکنند. اما با مقاومت دلاورانه انقلابیون مجاهد مستقر در ساختمان و مردم روبرو میشوند. تعدادی از مهاجمین بوسیله مردم دستگیر و خلع سلاح میشوند و فریادهای "استبداد نابود است، آزادی پیروز است" بهوا بلند میشود. بر اثر این حمله مزدوران رژیم حدود ۲۰ نفر مجروح میشوند و درگیری موقتا پایان میگیرد. اما رژیم دست از توطئه برنمیدارد و حمله به ساختمان انجمن در روزهای بعد نیز ادامه می یابد.

درروز چهارشنبه ۳ آذر مزدوران با ساز وبرگ بیشتری مجدداً حمله میکنند واین بار هنگامیکه با مقاومت ونفرت مردم روبرو میشوند بروی آنها آتش میگشایند. انقلابی مجاهد حمیدرضا رضائی بضرب گلوله مزدوران رژیم به خون درمی غلطد وشهیدی دیگر بر کاروان طولانی شهدای انقلاب افزوده میشود. حمله پاسداران ومزدوران مسلح لباس شخصی رژیم تا روز بعد نیز ادامه می یابد ودهها نفر از مردم ونیروهای انقلابی وکمونیستها بوسیله انواع سلاحهای سرد وگرم عوامل رژیم مجروح میشوند تا اینکه دادستانی ضد انقلاب حکم تخلیه ساختمان وتحویل آن به پاسداران را صادر میکند.



مجاهد شهید
حمیدرضا رضائی
که به ضرب گلوله مزدوران رژیم
درخون غلطید

مزدوران رژیم در حمله به انجمن کارکنان مسلمان به همان شیوه ای عمل میکنند که هنگام حمله به دانشگاهها عمل کرده بودند. آنها در هنگام حمله به دانشگاهها توانسته بودند عده ای از مردم ناآگاه را بفریبند وبدنبال خود روان سازند این بار آنقدر چهره شان عیان شده است که با مقاومت دلیرانه همه مردم روبرو بودند. توده های آگاه، مجاهدین خلق وکمونیستها با مقاومت متحدانه خود در مقابل مزدوران رژیم مشت محکمی بردهان آنها کوبیدند وبیش از پیش رسوایشان ساختند.

## کارگران وزحمتکشان انقلابی!

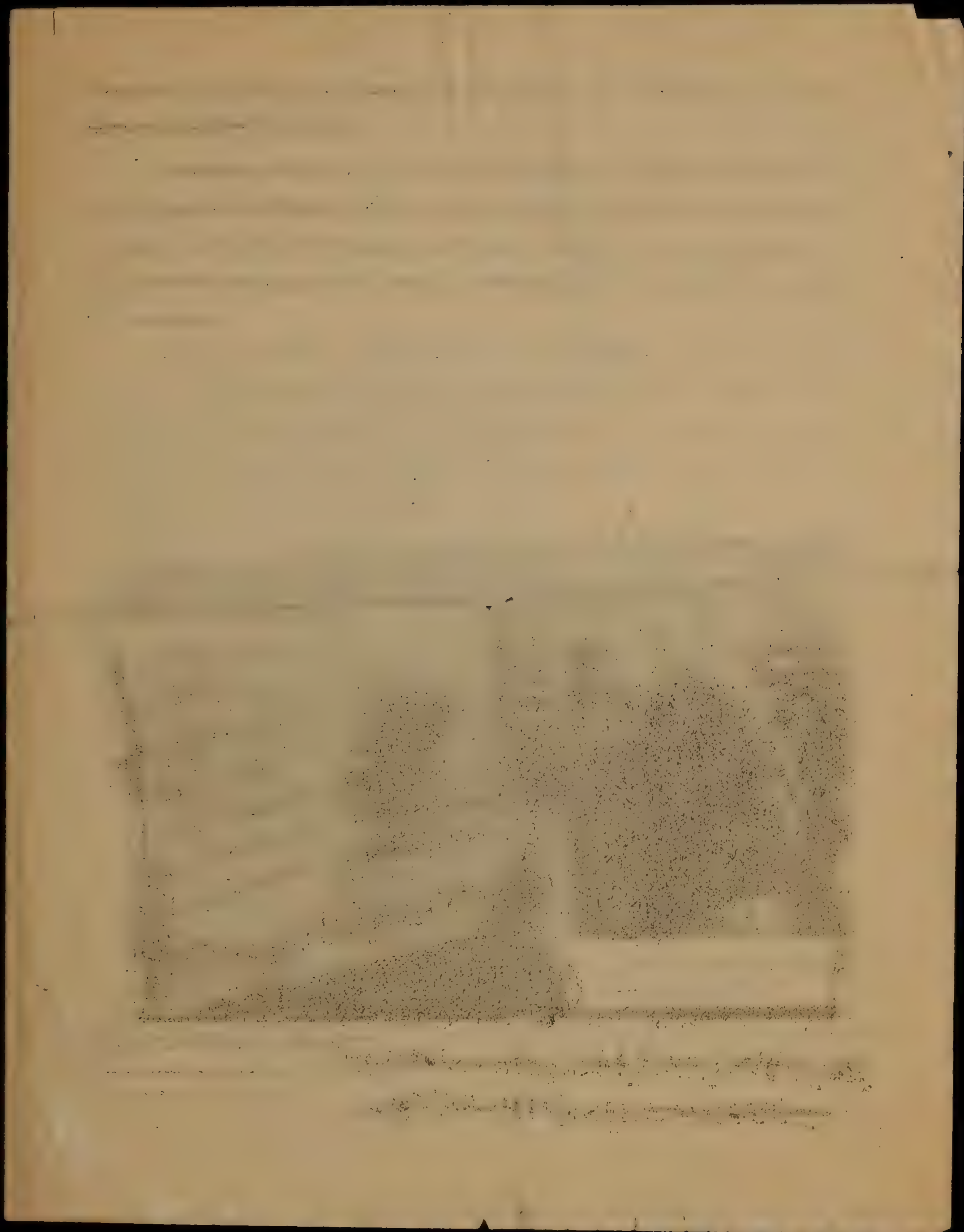
این اولین باری نیست که یکی از کانونهای دمکراتیک مورد حمله رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرد. رژیم با وجود هر گونه تشکل وتشکیلاتی که رهبری آن دردست خودش نباشد مخالف است. شوراها واتحادیه های کارگری که حاضر نبوده اند یوغ مزدوری رژیم را بپذیرند، تاکنون بارها مورد حمله قرار گرفته

انده‌ومنحل شده‌اند ،مراکزدانشجویی ودفاترسازمانهای کمونیستی وانقلابی بوسیله‌رژیم‌اشغال شده‌است ...

علت حمله‌به‌کانونهای دمکراتیک هم‌ازجانب رژیم‌روشن است .چراکه این کانونهادربالارفتن آگاهی توده‌هاوارتقاء سطح مبارزه‌آنها نقش موثری دارند .حمله‌به‌کانونهای دمکراتیک حمله‌به‌آزادی است وما نیزپا به پای توده‌ها وسایرنیروهای انقلابی ازفعالیت آزادانه‌این گونه‌کانونها دفاع میکنیم.

حزب رسوای جمهوری اسلامی‌سازمان ما را متهم‌به‌کرده است که مقابله با مزدوران حکومت که‌برای اشغال "انجمن کارکنان مسلمان" حمله‌کرده بودند ،برخاسته‌ایم .اما چه‌باک ! که‌ما خودباصدای رسا اعلام‌میداریم‌که چنین کرده‌ایم‌وهرکجای دیگری نیزکه‌رژیم‌به‌آزادی توده‌ها تجاوزکندبا آن به‌مقابله‌برخواهیم خاست .


روزنامه جمهوری اسلامی
شنبه ۶دیماه ۱۳۵۹





# استالین
## تجسم ارادهٔ آهنین پرولتاریا

یکصدویکمین سالگرد تولد رفیق استالین، یکی از رهبران کبیر پرولتاریای جهانی و انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، فرصتی است تا یاد این کمونیست رزمنده، مبارز سرسخت و آشتی‌ناپذیر را که در کوره مبارزات بلشویکی آبدیده شد، و خدمات بسیار برجسته به جنبش کمونیستی جهانی نمود گرامی داریم.

زندگی استالین سرشار از مبارزه، ایمان به طبقه کارگر و تلاش خستگی ناپذیر در راه پیروزی سوسیالیسم بود. استالین در ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ در تفلیس متولد شد. در پانزده سالگی به مارکسیسم روی آورد و در هیجده سالگی یکی از فعالین محافل سوسیال ـ دمکراتیک تفلیس بود. او در ماوراء قفقاز فعالانه در مبارزات توده ای شرکت کرد و اداره چندین روزنامه محلی را بعهده داشت. استالین در سال ۱۹۱۲ به ریاست دفتر کمیته مرکزی حزب انتخاب شد و مدیریت روزنامه «پراودا» را بعهده گرفت. از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۷ بصورت مخفی زندگی میکرد و طی این مدت ۷ بار بازداشت شد و شش بار به سیبری تبعید گردید و پنج بار از زندان فرار کرد.

استالین همواره از خط و مشی لنین و حزب بلشویک پیروی نمود و دفاع کرد و در زمان حیات لنین به دبیرکلی حزب انتخاب گردید. پس از مرگ لنین ۲۹ سال رهبری حزب و دولت شوروی را بعهده داشت و در این مدت که سخت ترین و حساس ترین مرحله مبارزه در راه استقرار سوسیالیسم و پیروزی آن بود، حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را رهبری کرد. استالین پیگیرانه علیه بورژوازی مبارزه کرد و با نابود کردن تولید خصوصی و صنعتی کردن کشور اقتصاد را بکلی از دست بورژوازی خارج کرد و در زمان او و با ایجاد کلخوزها و سوخوزها تولید مستقل از بین رفت و کولاکها نابود گردیدند.

خلق قهرمان شوروی تحت رهبری استالین در جنگ کبیر میهنی پیروزه، فاشیسم را بخاک مالید و امپریالیسم آلمان را که برای محو دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی اکتبر و نابودی نظام شوروی به میهن سوسیالیستی لشکر کشی کرده بود، شکست داد.

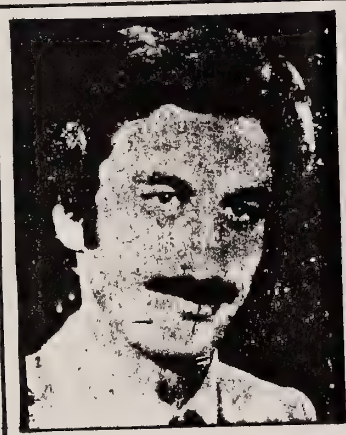
درخلال جنگ دوم جهانی تحت رهبری داهیانه استالین بسیاری از خلقهای کشورهای تحت سلطه از بند امپریالیسم

بقیه در صفحه ۱۳

# گرامی باد ۵ دیماه

سالروز تحصن خونین استادان دانشگاهها و شهادت استاد مبارز

# کامران نجات اللهی



دانشگاههای ایران همواره یکی از سنگرهای تسخیرناپذیر مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلق بوده است. در سالهای سیاه اختناق آریامهری در شرایطی که رهبران فرصت طلب حزب توده گوشه امن برگزیده و منتظر "تغییرات جهانی!" بودند و رهبران عافیت طلب جبهه ملی با اتخاذ "سیاست صبر و انتظار" خود صحنه را خالی کرده بودند، در چنین شرایطی دانشجویان آگاه و انقلابی همگام با پیشاهنگان انقلابی خلق، مشعل مبارزه با رژیم سرسپرده پهلوی را در سنگر دانشگاهها فروزان نگاهداشته بودند.

از اواخر سال ۵۶ همزمان با اوجگیری جنبش توده ای، استادان دانشگاهها همچون سایر اقشار خلق به صف مبارزان میپیوستند، بویژه از تابستان ۵۷ این مبارزات متشکل تر میشد. در "هفته همبستگی دانشگاهیان با مردم" در آبان ۵۷ دانشگاهها بیش از پیش به مراکز تجمع نیروها و عناصر مترقی و مبارز و میدانهای مبارزه با رژیم وابسته مبدل گشته و مبارزات استادان دانشگاهها بیش از پیش با جنبش دانشجویی و با مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلق پیوند می‌یافت. در پی شنبه سرخ (۱۳ آبان ۵۷) در پایان "هفته همبستگی" و تظاهرات عظیم توده ها از ۱۴ آبان، رژیم سرسپرده شاه که پایه های سلطنتش متزلزل شده بود و تلاشش برای فریب توده ها با "دولت آشتی ملی شریف امامی" هم به نتیجه مطلوب نرسید

بقیه در صفحه ۶

**نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش**

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## دانش‌آموزان صومعه‌سرا: "اگر مدارس را تعطیل کنید مزارع برنج را به مدرسه تبدیل می‌کنیم"

"یکی از تصورات بورژوازی این باور است که مدرسه می‌تواند جدا از سیاست بماند". بورژوازی سعی دارد که "آموزش را در خدمت تربیت خدمتگزارانی سربراه و با کفایت برای (خود) تنزل دهد." "آنها هرگز این نظر را ندارند که مدرسه وسیله‌ای برای پرورش شخصیت انسانی است."
(لنین – سخنرانی در دومین کنگره سراسری معلمان انترناسیونال)

رژیم جمهوری اسلامی با فریب و نیرنگ می‌خواهد مدارس و دانشگاهها و بطور کلی آموزش را از سیاست جدا کند، یعنی آنرا از محتوای انقلابی و مبارزاتی تهی گرداند و با ایجاد جو اختناق و سرکوب در مراکز آموزشی "خدمتگزارانی" فرمانبردار و چشم و گوش بسته برای اهداف خود تربیت کند. رژیم دانشگاهها را به تعطیلی کشاند، معلمان انقلابی و دانش‌آموزان آگاه را از مدارس تصفیه کرد، ولی هرگز نتوانست دانشجویان و دانش‌آموزان، این شعله‌های همیشه فروزان مبارزات دمکراتیک خلق را خاموش کند. جریانهای اخیر در مدارس سراسر میهن ما، مبین مبارزات گسترده و عمیق دانش‌آموزان برای گرفتن حقوق دمکراتیک و سیاسی از سوئی، و ناتوانی و ورشکستگی رژیم در مقابله با حرکات محصلین از سوی دیگر، است. دانش‌آموزان که در بیشتر حرکات انقلابی خود حمایت توده‌ها را به همراه دارند با کوله‌باری از تجربیات خونین همچون سیزده آبان‌ها، متحد و مصمم از دست‌آوردهای گرانبهای تمام مبارزات خلق دفاع کنند. اخباری که در زیر می‌آید نشانگر تداوم مبارزات دانش‌آموزان در جهت کسب حقوق دموکراتیک خویش است:

### کلاچای

در پی حکم تعلیق سه تن از معلمان آگاه و مترقی دبیرستان دخترانه "امیرکبیر" کلاچای – از بخشهای شهرستان رودسر – دانش‌آموزان ضمن اعتراض، خواستار لغو حکم تعلیق معلمان خود شدند.

روز سه‌شنبه چهارم آذرماه دانش‌آموزان دبیرستان مزبور از رفتن به کلاس امتناع کردند و در محوطه مدرسه به راهپیمائی و دادن شعار پرداختند. دانش‌آموزان شعار می‌دادند: "معلم حمایت می‌کنیم. اتحاد، اتحاد علیه امپریالیسم – دانش‌آموز اتحاد اتحاد..."

در این بین دانش‌آموزان انجمن اسلامی که آلت دست مدیران وابسته و مرتجع می‌باشند، به صفوف دانش‌آموزان آگاه یورش بردند، اما با مقاومت و همبستگی اعتراض‌کنندگان مجبور به عقب‌نشینی شدند. مسئولان مدرسه از پاسداران کمک خواستند و آنها گروهی از "بسیج مستضعفین" را مأمور سرکوبی دانش‌آموزان کردند. بسیجی‌ها در ساعت ۹/۵ به مدرسه هجوم آوردند و با چاقو، پنجه بوکس و کابل به جان دانش‌آموزان افتادند و در این یورشهای وحشیانه چند دانش‌آموز زخمی شدند.

دانش‌آموزان پسر نیز به حمایت از محصلان دبیرستان دخترانه امیرکبیر برخاستند. مردم کلاچای در حمایت از فرزندان خود دست به راهپیمائی زدند. دانش‌آموزان در ادامه مبارزه خود در اداره آموزش و پرورش کلاچای متحصن شدند و تصمیم گرفتند تا بازگشت معلمان اخراجی، کلاسها را تعطیل کنند. بر اساس آخرین خبرها پیرامون وقایع اخیر مدرسه دخترانه امیرکبیر، این مدرسه را منحل کرده‌اند و به منظور شناسائی و اخراج دانش‌آموزان آگاه و مبارز و معترض، مجدداً ثبت نام میکنند.

### آستارا

در پی دستگیری و زندانی شدن دو تن از محصلین مبارز یکی از مدارس آستارا، دانش‌آموزان دست به راهپیمائی زدند. در این راهپیمائی دانش‌آموزان پیرامون آزادیهای سیاسی – صنفی در مدارس شعار می‌دادند. در پایان نیز قطعنامه‌ای قرائت شد که در آن آزادی دانش‌آموزان زندانی خواسته شده بود. دانش‌آموزان پیشگام آستارا نیز با صدور اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن اعمال وحشیانه پاسداران خواستار آزادی سریع و بدون قید و شرط دوستان دانش‌آموز خود شدند.

### صومعه‌سرا

دانش‌آموزی که به اعمال پلیسی اعضای انجمن اسلامی، مبتنی بر بازرسی وسایل دانش‌آموزان، اعتراض کرده بود توسط یکی از افراد انجمن اسلامی به ضرب چاقو مجروح شد. دانش‌آموزان دیگر به این حرکت اعتراض کردند. رئیس آموزش و پرورش اعلام داشت. "جرم محصلی که چاقو می‌کشد خیلی کمتر از جرم کسی است که اعلامیه فدائیان و مجاهدین را پخش می‌نماید. به خدا قسم این آمریکا و صدام نیستند که ما باید با آنها بجنگیم بلکه این فدائیان و مجاهدین هستند که باید لت و پار کرد." و سپس به دانش‌آموزان اخطار می‌کند اگر به افشاگری‌ها ادامه دهند مدارس را تعطیل خواهد کرد. در این هنگام دانش‌آموز مبارزی از بین جمعیت فریاد می‌کشد: "اگر مدارس را تعطیل کنید مزارع برنج را به مدرسه تبدیل می‌کنیم و به افشاگری ادامه می‌دهیم."

### نیشابور

دانش‌آموزان مبارز مدارس این شهرستان مبادرت به خواندن مقالات افشاگرانه برای دوستان خود کردند و ضمن دادن شعارهائی، لغو تعهدنامه سیاسی و همچنین آزادی فعالیت سیاسی و ایجاد شوراهای واقعی دانش‌آموزی را خواستار شدند. در همین رابطه دو تن از دانش‌آموزان آگاه دبیرستان فردوسی تهدید به اخراج شدند. در اطلاعیه‌ای که هواداران سازمان در نیشابور پیرامون وقایع فوق الذکر که در مدارس روی داده منتشر کرده‌اند، آمده است: "دانش‌آموزان با این حرکات خودشان دادند که حقیقتاً ادامه دهندگان واقعی راه شهیدان ۱۳ آبان هستند و دیگر نمی‌خواهند "بچه‌های سربراه و درس‌خوان"، آنطور که رژیم می‌خواهد، باشند. آنها می‌خواهند مدارس سنگر دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان باشد. دانش‌آموزان! با اتحاد یکپارچه از اخراج دوستان دانش‌آموز خود جلوگیری کنید و مبارزه خود را برای الغای تعهدنامه سیاسی و آزادی فعالیت سیاسی وسعت بخشیده و رژیم جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی نمایید. "پیروزی قطعاً از آن شما خواهد بود."

## خبرهای کوتاه از جنبش مقاومت خلق کرد

● در جریان درگیری که بین پاسداران و ارتش از یکسو و پیشمرگان خلق کرد از سوی دیگر در ده کیلومتری مهاباد و در دهکده کردنشین "قونقلاه" رخ داد، چند تن از مردم زحمتکش و بی‌دفاع روستا شهید شدند. در این زد و خورد که ۱۳ آذر اتفاق افتاد هلیکوپترهای ارتش جمهوری اسلامی از بالا و توپهای سنگین از پائین، دهکده را زیر آتش گرفتند که در اثر آن علاوه بر کشته شدن چند روستائی، دو پیشمرگه نیز شهید شدند. از نیروهای دشمنان خلق کرد نیز یک تن کشته و یک نفر زخمی شدند.

ارتش و سپاه پاسداران در پنج کیلومتری شهر مهاباد مستقر هستند. بازدید و تفتیش و یورشهای ناگهانی و غیرمنتظره به توده‌های خلق کرد هر روز از سوی نظامیان و پاسداران جریان دارد. لاشه چند تانک و خودروهای دیگر ارتشی که در اثر درگیری های پیشمرگه‌ها با نیروهای نظامی نابود شده‌اند در حاشیه جاده منتهی به مهاباد، از حضور پرساز و برگ نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در کردستان و مقاومت گسترده و قهرمانانه خلق کرد حکایت میکنند.

محاصره اقتصادی کردستان هر روز سخت‌تر میشود. در حال حاضر آذوقه و مواد سوختی بسیار سخت بدست میآید و گران است. نیروهای ارتش و پاسداران از ورود کالاهای مصرفی لازم به داخل شهر ممانعت بعمل می‌آورند.

در تاریخ هفدهم آذر بین نیروهائی که از اسکورت ستون ارتش بازمیگشته‌اند و پیشمرگه‌های خلق کرد، در نزد یکی

بقیه در صفحه ۱۴

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پنجشنبه چهارم دیماه ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۹۰- صفحه ۱۰

# "مربی تربیتی" یا...

بقیه از صفحه ۹

اعتراض وخشم دانش آموزان مبارز درامان باشند البته اجازه نصب اعلامیه وپوستر نه تنها به هیچ حزب و گروه دیگر داده نمی‌شود بلکه اقدام کنندگان به این کار به شدیدترین وجه تنبیه میگردند ولی با کمال وقاحت درودیوار مدارس به وسیلهٔ این عناصر ازبریده روزنامه‌ها اعلامیه و پوسترهای حزب جمهوری اسلامی پرشده است.

مواردی که در بالا ذکر شد ظاهرا جزو وظایف مسئول امور تربیتی !! است ولی توجه داشته باشیم که وظایف مشابه وتکمیلی نیز در تعدادی از مدارس به عهده برخی از مسئولین هلال احمر - بسیج - معلمان دینی وحتی بعضی از مدیران ومعاونین مدارس گذاشته شده است که اگر تفتیش عقاید و خبرچینی آنها کفاف ندادکه نمی‌دهد از احساسات مذهبی دانش آموزان نیز سوء استفاده نمایند و آنها را به کار جاسوسی وادارند تا از کلاس و روابط معلم و شاگرد گزارش تهیه کرده و به اداره بدهند. بطورمثال رئیس ناحیه ۶ آموزش وپرورش تهران در سرصف دانش آموزان یک مدرسه حاضر می‌شود و پس از سخنرانی وتشریح خط های انحرافی !! جامعه و دادن شماره تلفن شخصی خویش از کلیه دانش آموزان می‌خواهد که هر معلمی سر کلاس بحث سیاسی کرد و یا احساس کردند به یکی از خط های انحرافی وابسته است و هر معلمی که در زنگ تفریح با شاگردان صحبت کرد و یا دربیرون مدرسه با دانش آموزان تماس گرفت به او تلفنی خبر دهند. یا در مدرسه دخترانه آذرمیدخت ناحیه ۴ مدیر مدرسه دانش آموزی را بخاطر نوشتن انشاء و اعتراض به خفقان از مدرسه اخراج می‌کند و... ناگفته نماند که موارد متعددی از این قبیل برخوردها از طرف مقامات و مسئولین در سطوح مختلف وجود دارد که جای بحث دیگری است و شاید هم خواننده خود چندین نمونه در این خصوص دیده یا شنیده باشد.

اخراج ، بازخرید ، منتظرخدمت نمودن هزاران تن از معلمین مبارز در سراسر کشور برخلاف تمام قوانین کذائی که خود وضع کرده‌اند تنها به صرف داشتن عقیده ثمره تفتیش عقاید این ساواکی‌های نوپا ست که در موارد نیز از یاران سلف خویش کمک گرفته اند. مثلاشخصی بنام "طالقانی" در راس اداره پاکسازی یا بقول خودشان مدیرکل دفتر ارشاد و گزینش نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد- که خود ساواکی بوده و بعدا دستگیر شد و شاید هنوز هم در زندان باشد- وجوجه ساواکی‌ها برای معلمین گزارش می‌دهند و تصمیم می‌گیرند و اخراج می‌نماید. این معلمین مبارز هنوز هم که هویت آنجناب مدیر کل روشن شده است به مقامات مسئول مراجعه می‌کنند تا به سر کار خویش برگردند و مقامات جواب می‌دهند که شما مکتبی نیستید!

علیرغم تمام تلاشها وکوششها که در جهت ایجاد خفقان در محیط های آموزشی بعمل می‌آید دانش آموزان و معلمان انقلابی همچنان به مبارزات خویش ادامه می‌دهند و حاکمیت نخواهد توانست صدای حق طلبانه و آزادیخواهانه این نیروهای مترقی را در گلو خفه کند، بهمانگونه که شاه نتوانست مبارزات پر شور و خروش آنان را سرکوب نماید. دانش آموزان ومعلمان انقلابی مصممانه این تلاشهای مذبوحانه را که برعلیه منافع توده‌های مردم در خدمت امپریالیسم است افشاء و خنثی می‌نمایند.

ایجاد این محیط خفقان و تفتیش عقاید در آموزش وپرورش که از نظر کمی حدود ده میلیون جمعیت این کشور را زیر پوشش دارد و از نظر کیفی بخش نسبتا آگاه و پویای جامعه است و مسئولیتهای سنگین در قبال آینده بر عهده دارد خیانت آشکار به منافع هم میهنان زحمتکش و مبارز میهن ما است.

آنهائی که ادعای مردمی بودن حکومت را بی‌شرمانه هر روز و شب با بوق و کرنا در هر کوی و برزن فریاد می‌زنند ایجاد این محیط رعب و ترس وخفقان ، تجاوز به ابتدائی‌ترین حقوق انسانی (داشتن عقیده و شغل) ، سرکوب و اخراج معلمان و دانش آموزان مبارز و انقلابی را براستی چگونه توجیه می‌کنند ؟ و به این سئوال که اگر حاکمیت خلقی است چرا این همه از خلق می‌ترسد؟ و چرا از آگاه شدن مردم وحشت دارد؟ چرا از افشاء حقایق در مقابل مردم بر خود می‌لرزد ؟ چرا مذبوحانه می‌کوشد که جلو هرگونه بحث و مطالعه آگاه کننده را سد کند ؟ و بالاخره چرا رهنمود می‌دهد که معلمان غیر مکتبی (بخوان آگاه و مبارز) را از مدارس پاکسازی کنید؟ چه پاسخی دارند؟

آیا بجز اینست که اساس حاکمیت اینان بر نا آگاهی توده‌ها استوار گشته است و می‌ترسند با افشاء حقایق و آگاه شدن مردم عوامفریبی‌ها شان فاش گردد.

پس رهبران جمهوری اسلامی به تجربه دریافته اند که برای جلوگیری از رشد آگاهی توده‌ها بهترین راه ایجاد خفقان است و رسیدن به این هدف جز با بکار گماردن منابع خبر !! و برقراری تفتیش عقاید امکان پذیر نیست و این وظیفه مهم را بعهده مربیان پرورشی !! واگذار نموده اند. در اینجا لازم می‌بینیم که به عناصر صادقی که نا آگاهانه تن به کار جاسوسی داده اند هشدار دهیم تا به ماهیت عمل خویش پی ببرند و نگذارند که حاکمیت بر توهم آنان سوار شود. بر معلمان ، دانش آموزان ، و اولیای آنان است که با افشاگری علیه این شیوه‌های اختناقی که توسط "مربیان پرورشی" انجام میگیرد ، ماهیت سرکوبگرانه حاکمیت را نقش بر آب سازند.

# تجربه موفق شورای روستای "سلوش" لنگرود

بسیاری از روستائیان زحمتکش میهن ما ، پس از قیام شکوهمند بهمن ماه ، با آگاهی به اهمیت تشکل واتحاد ، دست به ایجاد شوراهای روستائی زدند بسیاری از این شوراها توانسته است در جهت تامین نیازمندیهای روستاها گامهای موثر بردارد از جمله شوراهای موفق روستائی ، شورای روستائی "سلوش" لنگرود است. اهالی زحمتکش این روستا که محصول آن عمدتا چای وبرنج است ، پس از قیام شورای خود را تشکیل دادند و اولین اقدام آن ، درست کردن یک جاده بود. زمینداراني که زمینشان در مسیر این جاده بود با آن به مخالفت برخاستند وسعی کردند مانع ایجاد این جاده بشوند اما شورا با حمایت بیدریغ روستائیان ، موفق شد کار جاده را به پایان برساند. یکی از مهمترین اقدامات این شورا ، تامین برق روستاست. شورا توانست با اتکاء به حمایت واتحاد روستائیان امتیاز برق روستا را بگیرد شورا همچنین با ایجاد صندوق کمك های مالی بنحو بهتری میتواند در جهت برآوردن نیازهای روستائیان اقدام کند. هیئت موسس شورای "سلوش" هر ماه گزارش کار شورا را بررسی میکند و نتایج این فعالیت ها را به روستائیان گزارش میکند. زحمتکشان "سلوش" با پشتوانه تجربه شورائی خود ، میگویند " اتحاد وایجاد شوراست که میتواند ما را به خواسته‌هایمان برساند."

**زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند**

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پنجشنبه چهارم دیماه ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۹۰- صفحه ۹

# "مربی تربیتی" یا جاسوس مدرسه

ما قبلا درباره مربیان تربیتی مدارس در "کار شماره ۷۱" تحت عنوان "شیوه‌های ضد دمکراتیک هیئت حاکمه در آموزش و پرورش" مطالبی را عنوان کردیم و گفتیم که برای سرکوب مبارزات معلمان و دانش‌آموزان در مدارس عمدتا از حربه تفتیش عقاید استفاده می‌شود، و محریان این کار مربیان تربیتی!! هستند.

ما در اینجا با بیان شرح وظایف این افراد که توسط مسئولین "امور تربیتی" تنظیم گردیده و به آنها تعلیم داده میشود پرده از چهره واقعی حاکمیت برداشته و محتوای سیاست آنان را افشاء می‌کنیم. خلاصه شرح وظایف و دستورالعمل مربیان چنین است:

"الف- طرز برخورد به مسئولین آموزشگاهی که مامور خدمت در آنجا هستند (۱- مدیر ۲- معلمین ۳- مستخدم)

۱- مدیر: باید سعی کند که همکاری مدیر جلب شود و از برخورد با او دوری جوئید ولی چنانچه حرکاتی در خلاف جهت مکتب و انقلاب(!!) از وی سر زد بدون درگیری شخصی مطلب را به اداره گزارش کنید.

۲- معلمین: معلمین به سه دسته تقسیم می‌شوند.

الف- مذهبی ها که همکاریشان را جلب کنید.

ب- اشخاص بی‌تفاوت که در پی زندگی روزمره خویشند، آنها خطری ندارند و نباید کاری به کارشان داشت و ...

ج- اشخاص منحرف(!!) که وابستگی گروهی داشته و فعالند باید شناسائی شده و به اداره گزارش شود.

۳- مستخدمین:
در مورد مستخدمین نیز مانند معلمین عمل شود.

ب- رفتار با دانش‌آموزان و فعالیتهایی که در رابطه با آنان باید انجام شود:
شناسایی دانش‌آموزان:
۱- منزوی کردن آنهائی که وابستگی گروهی دارند.
۲- پرورش آنهائی که بی‌تفاوتند از جهت مکتب.
۳- اعتلاء فکری آنهائی که در خط مکتب هستند و تشویق آنها به تشکیل جلسات آموزش رموز بحث(!!)"

"نکته: باید روحیه آنها را طوری تقویت کرد که حالت تدافعی را کنار گذاشته و حالت تهاجمی پیدا کنند".

- جلب اعتماد دانش‌آموزان با استفاده از "مشاوران راهنمایی" که اکنون سمت آنان بطور رسمی حذف شده است."

سپس "دستورالعمل" درباره فعالیتهای سخنرانی‌وکلاس ایدئولوژی صحبت میکند که در این کلاسها بعد از دادن "زمینه" به آنها می‌توان موضوعی را که در مورد آن آگاهی قبلی داده اید بعنوان موضوع انشاء مطرح کنید و به بهترین نوشته ها جایزه بدهید و موضوع مورد مثال این است: "چرا شوروی به افغانستان حمله کرد؟"

و در مورد برخورد با گروهها "دستورالعمل" چنین رهنمود میدهد:

"بهیچ وجه نباید بگذارید در کلاسها بحث غیردرسی صورت گیرد و نام دانش‌آموزانی را که مبادرت به این کار می‌کنند به اداره گزارش کنید، بخصوص دانش‌آموزان فعال را.

پوسترهای روز و بیانیه های دفتر امور تربیتی و امور هنری آموزش و پرورش یا نهادهای رسمی مملکت مانند سپاه پاسداران و بسیج را باید در مدرسه نصب کنید، اما پوسترها و بیانیه های نهادهای غیررسمی مثل حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی را باید طوری نصب کنید که آرم آن مشخص نشود تا با اعتراض روبرو نشویم.

هـ- شغل کتابدار که از مشاغل رسمی حذف شده این وظیفه به عهده شماست باید محلی را به کتابخانه تخصیص دهید و بچه ها را به خواندن کتابهایی که راهگشای مکتب باشد تشویق کنید کتابهای "شریعتی" آگاهی دهنده بوده ولی اکنون بدرد نمیخورد مثلا کتاب پدر، مادر ما متهمیم را اگر به کسی بدهی بخواند کمونیست می‌شود. الان دوره آگاهی دادن گذشته و دوره سازندگی است و کتاب "مطهری" در این مورد مفید است.

سپس درباره نماز جماعت، قرائت قرآن، اذان ظهر، یا پخش بلندگو در مدرسه تذکراتی داده میشود.

بطوریکه ملاحظه می‌کنید در تمامی "دستورالعمل" حتی یکبار به امور تربیتی که ظاهرا کار اصلی این حضرات است برخورد جدی نشده است و یا به این مسئله نپرداخته که چگونه میتوان رشد فکری، عاطفی، جسمانی، اجتماعی، سیاسی، دانش‌آموزان را فراهم آورد و چگونه میتوان ابتکار و خلاقیت، قدرت قضاوت و استعدادهای نهفته بچه ها را کشف و پرورش داد و انسان کاملی از آنها ساخت و وظیفه مربی پرورشی در این زمینه چیست و چه کمکی باید انجام دهد؟!

حال این سئوال مطرح می‌شود که براستی چرا تمام وظایف واقعی یک مربی پرورشی به "بوته" فراموشی سپرده شده است؟ مطالعه "دستورالعمل" به ما چنین پاسخ میدهد که این فرد مسئول امور تربیتی نیست و این عنوان فقط سرپوشی برای کار اصلی او یعنی جاسوسی است. چرا که او وظیفه دارد ببیند چه حرکاتی مدیر مدرسه انجام می‌دهد که در جهت مکتب! نیست؟ کدام دانش‌آموز، معلم، مستخدم وابستگی گروهی دارد یعنی هوادار کدام سازمانهای انقلابی است که او را شناسایی و گزارش کند. او وظیفه دارد جلو بحث غیررسمی که همانا بحث سیاسی است را بگیرد و نام دانش‌آموزانی را که بحث می‌کنند تا به چراهای خود پاسخ یابند به اداره گزارش کند. او وظیفه دارد کتابهایی را که "آگاهی دهنده بوده ولی اکنون بدرد نمی‌خورد" را از کتابخانه بدور بریزد تا بچه ها کمونیست نشوند به او گفته شده مواظب باش که "الان دوره آگاهی دادن گذشته ..." و ... الحق که فعالیت او نیز در این خصوص چشمگیر بوده است تقریبا در هفتاد درصد مدارس مدیران و روسای مدارس عوض شده اند و این کار هنوز هم با وجود اینکه وسط سال تحصیلی است ادامه دارد و اغلب جانشین آنها از حزب جمهوری اسلامی یا بسیج تعیین شده است. از دانش‌آموزان زیادی در مدارس گزارش داده شده و بدنبال بهانه های کوچک آوردن کتاب یا نشریه غیردرسی به مدرسه یا اتهامات واهی مانند اخلال در محیط مدرسه آنها را از مدرسه اخراج و یا به مدرسه دیگر انتقال داده اند، و در اثر گزارشات و خبرچینی این جاسوسان تعداد زیادی از معلمین مبارز و دلسوز از کار بر کنار شده اند و بالاخره در پی اجرای این دستورالعمل بود که تقریبا تمام کتابخانه های مدارس مورد یورش قرار گرفت و کلیه کتابهای علمی و اجتماعی و ... از قفسه ها پائین کشیده شد و امروز کمتر مدرسه ای را در سراسر کشور میتوان یافت که از این حملات ضد دانش و علم مصون مانده باشد.

آری "مربی تربیتی!" وظیفه دارد - علاوه بر انجام وظایف فوق "شاگردان مکتبی را شناسائی کرده و روحیه آنها را طوری تقویت کند که حالت تدافعی را کنار گذاشته و حالت تهاجمی پیدا کنند" و این کار را با آشنا کردن آنها به رموز بحث!! و آگاهی قبلی!! انجام دهند! اثرات این روحیه تهاجم و آشنایی به رموز بحث را علاوه بر محیط مدرسه متاسفانه در سطح جامعه و در خیابانهای شهر نیز میتوان به عینه دید که از فحش و ناسزا گرفته تا مرحله کتک و کشتار پیش میروند.

آنان قصد دارند با پیشبرد این سیاست و این روشها ایدئولوژیهای دیگر را سرکوب کنند و جلوی گسترش نظرات مترقی را سد نمایند تا بتوانند میدان تبلیغات را برای حزب جمهوری اسلامی باز نگهدارند ولی از آنجائیکه خود واقفند عملکردهای گردانندگان این حزب تا چه پایه مورد تنفر و انزجار توده های دانش‌آموز و مردم است لذا توصیه می‌کنند که بیانیه ها و پوسترهای حزب را طوری به دیوار بچسبانند که آرم آنها معلوم نباشد تا از

بقیه در صفحه ۱۰

**هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی**

# مبارزات دانش آموزان ورسوائی ...

بقیه از صفحه ۷

داردوافرادی به بهانه نبودن جو دموکراتیک (!) وخواستن آزادیهای سیاسی (؟) همچنان به اغتشاش مشغول هستند گزارش خبرنگار ما از این مدرسه حاکیست که در هفته گذشته بر اثر همین برخوردها در دبیرستان دخترانه گوهر پرور چند دانش آموز همراه با فراش مستضعف این مدرسه بشدت مجروح شدند"

اینجا خواننده به صراحت می افتد که این مبارزات بدنبال یک خواست منطقی واصولی انجام می شود ولی بزعم اداره کنندگان جمهوری اسلامی مبارزه برای ایجاد جو دموکراتیک تعجب آور وخواستن آزادیهای سیاسی سئوال انگیز است و دقیقا آنها را به محاسبه مرگ و زندگی وا میدارد.

از طرف دیگر در یک بیانیه که توسط انجمنهای اسلامی دبیرستانهای غرب تهران (بخوان شاخه جمهوری اسلامی در مدارس) صادر شده است هشدار داده اند که "با شیوه های غیر مکتبی نمی توان با بروز هرج ومرج در مدارس مقابله کرد و هر نوع سرکوبی باعث شدت درگیری شده و..." (روزنامه اطلاعات صفحه ۱۰ "خطر تعطیل مدارس").

آنها هر روز آشکارا می بینند که با وجود سرکوب آزادیهای سیاسی و جلوگیری از رشد آگاهی مردم، پایگاه توده ای خویش را از دست می دهند و از طرف دیگر این واقعیت که سرکوب باعث شدت درگیری می شود را حس می کنند ولی چاره ای ندارند چگونه می توان تصور کرد که حزب به سرکوب و ارعاب را رها سازند. آیا اینکار به معنی صدور حکم مرگشان نیست؟ لذا مذبوحانه میکوشند که به حیات ننگین خویش ادامه دهند و همچنان اهرمهای قدرت را در دست داشته باشند. بحران در تمام عرصه ها آنها را فرا گرفته و هر روز شدت می یابد، توانائی حل بحران را ندارند این را خود نیز میدانند. در مقابل خواستهای مردم به سرکوب متوسل می شوند. آنجائی که با اتحاد و تشکل مردم مواجه میگردند این حربه شان نیز از کار می افتد، به اتحاد و تشکل یورش میبرند لذا هر گونه تشکل را که حافظ منافع توده ها باشد میخواهند در هم بکوبند و بهمین دلیل نوک تیز حمله خود را در همه جا بسمت تشکلها میگیرند. نمونه بارزی در همین مقاله وجود دارد که دشمنی حزب حاکم را با شورای دانش آموزی (تشکل محصلین) بوضوح نشان میدهد.

روزنامه جمهوری اسلامی ضمن اینکه به چگونگی اجتماع محصلین و اعلام حمایت دانش آموزان مبارز از همکلاسیهای اخراجی خود، بطرز کاملا مغرضانه و تحریف شده ای، اشاره میکند، از قول جاسوسان خود در مدرسه چنین مینویسد:

"مقصر تمام اغتشاشات دبیرستان خوارزمی مجموعه ای است بنام شورای دانش آموزی که مشتی منافق وفدائی وچپی و راستی... در آن رخنه کرده واز ورود دانش آموزان معتقد ومذهبی به داخل شورا جلوگیری می کنند".

قبل از اینکه اصل قضیه را روشن کنیم بهتر است که برخورد جناح دیگر حاکمیت (لیبرالها) را نسبت به همین مورد یادآوری کنیم. لیبرالها که همیشه مترصدند تا از هر حرکت توده ها بر علیه حزب جمهوری اسلامی به نفع خود سود جویند در روزنامه (انقلاب اسلامی ۱۷ آذر صفحه ۱۰) بروز این حوادث!! در دبیرستانها را از "سلسله زنجیر توطئه هائی" می بینند که "در جهت بهره برداری سیاسی وگروهی انجام می شود" وسپس غیر مستقیم به حزب جمهوری اسلامی هشدار میدهند که "بازی با مدارس بازی با آتش است" و برای اینکه کاملا روشن کنند که مقصر تمام اغتشاشات کیست نظر یکی از مسئولین مدرسه را بیان میکند و می نویسد: "این سخن یکی از مسئولین دبیرستان خوارزمی است که دو ماه و نیم سعی کردیم مخالفین فکری خود را جذب کنیم وچون نتیجه ای نداد از اواخر هفته گذشته به انجمن اسلامی اجازه دادیم جلوشان را بگیرند" بعد هم نتیجه میگیرد که با این طرز فکر و این اعمال، مشکل حل نمی شود و به خواننده چنین القاء میکند که طرفداز آزادی بحث و عقیده است. گویا فراموش کرده اند که خواننده، آن آزادی بحث و عقیده را که بنی صدرها امروز فرصت طلبانه بکار می برند در مورد دانشگاه تجربه کرده است.

اما واقعیت امر در دبیرستان خوارزمی چه بود؟ ابتدا بد نیست یادآوری کنیم که مدیر دبیرستان خوارزمی در ابتدا سال تحصیلی حدود یکصد نفر دانش آموز را که در انجمن اسلامی فعالیت میکردند از مدارس دیگر بعنوان خبرچینی یا باصطلاح چشم وگوش مدیر به این مدرسه می آورد وبه آنها میگوید شما پایگاه انقلاب و اسلام هستید و هدفتان هم نباید فقط درس خواندن باشد بلکه ترویج و تبلیغ اسلام لازمتر است وبدین ترتیب از ناآگاهی آنان و توهمشان سوء استفاده می نماید.

حدود یک هفته قبل از درگیری دانش آموزی را بخاطر مسائل عقیدتی از مدرسه اخراج میکنند بدنبال آن دانش آموزان مترقی به اینکار اعتراض میکنند و از رفتن به کلاس خودداری می نمایند و اعلامیه و پوستر اعتراض خود را به دیوارها نصب میکنند انجمن اسلامی اعلامیه ها را پاره میکنند و این باعث درگیری میشود که در این رابطه تعدادی از دانش آموزان مجروح و زخمی می شوند، متعاقب این درگیری مدیر تصمیم میگیرد شورای مدرسه را منحل اعلام کند وحدود ۲۰ نفر دیگر را هم اخراج میکند و برنامه امتحانی میدهد. اخراجیها را به مدرسه وجلسه امتحان راه نمیدهند تعداد زیادی از دانش آموزان بخاطر این اعمال از شرکت در امتحان خودداری مینمایند و اعلام میکنند که اگر قرار است این دانش آموزان اخراج شوند باید شورا آنرا تائید کند وحدود ۴۰۰ نفر از دانش آموزان جلوی مدرسه زنجیر بسته و پلاکاردهای مبنی بر محکوم نمودن اخراج دانش آموزان و انحلال شورا، در دست میگیرند از ساعت یازده تا دو بعد از ظهر تعداد زیادی از مردم در جلو مدرسه اجتماع میکنند و دانش آموزان با مردم صحبت میکنند و افشاگری مینمایند که در ساعت دو حدود چهل نفر از فالانژهای شناخته شده مجهز به پنجه بکس وقمه به اجتماع حمله کرده و آنرا بر هم میزنند و پلاکاردها را پاره میکنند.

دانش آموزان مبارز ضمن اینکه از شورای خود حمایت میکردند از دادن امتحان خودداری مینمایند مدیر مدرسه نیز مساله قبول رسمی شورا را منوط به تصویب لایحه شوراها در مجلس میکند.

در این مدرسه نیز مانند تمام مدارس دیگر نیروهای مترقی و انقلابی خواستار آزادیهای سیاسی و تشکیل نهادهای دموکراتیک هستند، دانش آموزان انقلابی میخواهند در سرنوشت خویش سهیم باشند و از دستاوردهای قیام دفاع میکنند در مقابل یورش وحمله چماقداران و انجمنهای اسلامی به آزادیها وحقوق خویش مقاومت مینمایند وحرکات ورفتار ضد انقلابی آنها را افشا میکنند و هرگز تسلیم نمیشوند.

دانش آموزان مترقی ومبارز به هیچ وجه فریب آزادیخواهی دروغین لیبرالها را نخواهند خورد بلکه با تمام توان خویش آنها را در برابر توده های دانش آموز افشاء خواهند کرد، در این مرحله آنها خوب میدانند که از تعطیلی مدارس، حاکمیت، بمنظور سرکوب و خاموش ساختن مبارزه آنان استفاده میکند و در برابر آن قهرمانانه می ایستند و با حمایت از باز نمودن مدارس تعطیل شده وحدت جنبش دانش آموزی را بارور خواهند ساخت تا جنبش دانش آموزی بتواند همراه توده ها به مبارزات خود ادامه دهد.

****

**با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم**

# مبارزات دانش آموزان و رسوائی روزنامه جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

توده‌ها افزودند و با حضور آگاهانه به اعتلاء جنبش کمکهای ارزنده‌ای نمودند. همه ناظر بودند که این دانش آموزان مبارز در برخورد با دشمنان خلق از خود چه فداکاریها نشان دادند و چگونه سینه‌های خود را شجاعانه در برابر رگبار مسلسل های امریکایی رژیم منفور شاه سپر کردند و حماسه‌هایی مانند ۱۳ آبان آفریدند و دوش بدوش توده‌های مردم در تمام عرصه‌های پیکار حضور داشتند. اینک دانش آموزان مبارز با هشیاری تمام از دستاوردهای قیام که خونبهای دهها هزار شهید به خون خفته است، دفاع میکنند.

دانش آموزان انقلابی که پیوسته در ادامه انقلاب پافشاری نمودند و در این راه تجربیات گرانبهایی نیز اندوخته‌اند، همزمان با اوج گیری جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک توده‌ها بعنوان بخشی از جنبش مصرا خواستار محیط دموکراتیک و آزادیهای سیاسی در مدرسه و جامعه هستند.

با تشدید بحران و مبارزه طبقاتی در درون جامعه و فروریختن توهم توده‌ها حاکمیت هر روز بیشتر از روز قبل پایگاه مردمی خویش را از دست میدهد و چون قادر نیست پاسخگوی خواسته‌ی طبیعی و منطقی خلق باشد با اعمال سرکوبگرانه و تجاوز به حقوق آنان میخواهد توده‌ها را مرعوب نماید و آرامش را برقرار سازد ولی دانش آموزان مبارز تجاوزات و یورشهای حاکمیت را به حقوق و آزادیها تحمل نمیکنند بلکه در مقابل آن عکس العمل نشان میدهند و دست به اعتراض و اعتصاب و تحصن میزنند و در نتیجه درگیری پیش میآمد. تضادهای درون حاکمیت نیز در تشدید این درگیریها اثر میگذارد. از یکطرف حزب جمهوری اسلامی میخواهد حاکمیت بلامنازع خویش را بوسیله انجمن های اسلامی و سپاه پاسداران و چماقداران و چاقوکشان و اداره کنندگان مدرسه اعمال کند و از طرف دیگر لیبرالها زیرکانه و عوامفریبانه میکوشند خود را "دمکرات منش" و مدافع آزادیهای سیاسی وانمود سازند و در مقابل "انحصارطلبی" مقاومت میکنند و در نتیجه جنگ خانگی آنان به این میدان نیز کشیده میشود.

تاکنون نشریات لیبرالها هر از گاهی سطور خیلی مختصر اخباری از یورشهای سیاسی حاکمیت به آزادیهای سیاسی منتشر کرده و برخوردهای جسته و گریخته نیز با مسایل آموزش و پرورش از جمله اخراج و تصفیه معلمین و دانش آموزان، حمله به مدارس و تعطیلی آنها تداوم مبارزات فرهنگیان و دانشگاهیان داشته‌اند ولی حزب حاکم مخصوصا ارگان آن از طرح این مسائل طفره رفته است و اگر هم در مواردی مجبور شده مطلبی انعکاس دهد سراسر دروغ و توجیه بوده است.

اخیرا با اوجگیری مبارزات دانش آموزان، روزنامه جمهوری اسلامی در روز پنجشنبه ۲۰ آذر مجبور شد که توطئه سکوت را بشکند و چند خبر کاملا تحریف شده از مبارزات گسترده دانش آموزان را تحت عنوان "گروههای چپ و منافق در چند مدرسه دست به آشوب زدند" منعکس سازد.

دروغها و تناقض هائی که در این مقاله آمده است بقدری مضحک است که شباهت زیادی به اخبار زمان حکومت نظامی ازهاری دارد که در رادیو اعلام میکرد: امروز تعدادی انگشت شمار خرابکار در فلان محل تظاهراتی براه انداختند و ماموریں برای پراکنده نمودن آنها تیراندازی هوایی کردند و در اثر این واقعه چندین نفر از ناحیه پا مجروح شدند! و مضمون این خبر مرتبا تکرار میشد. تا ظریفی پرسید: "این مردم چرا اینهمه پا بهوا هستند که اینقدر تیر بخورند؟" البته بعدها این واقعیت اثبات شد که مردم نه تنها "پا بهوا" نبودند بلکه چون کوه استوار بودند.

اکنون تجربه گذشته در این مقاله بحالت مضحک تری تکرار میگردد. روزنامه جمهوری اسلامی مینویسد: در اثر "برخوردهای سیاسی" عده‌ای از دانش آموزان وارد مدرسه شده "در سالن مدرسه متحصن" میشوند "تنی چند از دانش آموزان مجروح" میگردند.

مثلا" در مورد یک مدرسه چنین مینویسد: در برخورد "دبیرستان پسرانه منوچهری" که از طرف معدودی انگشت شمار از افراد مدرسه براه افتاده بود دو تن مجروح شدند این زد و خورد با دخالت پاسداران پایان پذیرفت، اما گزارشها حاکیست که وضع مدرسه کاملا غیرعادی است"

یا در مورد مدرسه دیگر "دبیرستان دخترانه عاصمی" مینویسد "بدنبال تحریک گروهی از هواداران جناحهای سیاسی از طریق پخش اعلامیه و بحث و جدل درگیری گروهی شدیدی در این مدرسه روی داد. سه تن از عاملین تحریک از مدرسه اخراج شدند" هرخواننده طبعا میفهمد که اگر مساله به دو نفر یا سه نفر محدود باشد نه وضع مدرسه کاملا غیرعادی میشود و نه آن درگیری گروهی شدید پیش میآید. نکته دیگر اینکه یک طرف درگیری که پخش کننده اعلامیه باشد مشخص است ولی نویسنده مطلقا طرف دوم را معلوم نمیکند که چه کسانی هستند بنظر ما نیازی هم به گفتن ندارد چون خواننده لابد از بدست ها قمه کش ها را میشناسد که همیشه یکطرف درگیری هستند.

ولی از آنجائیکه گفته‌اند دروغگو کم حافظه است روزنامه جمهوری اسلامی چنین ادامه میدهد "در پی این اخراج هواداران سه دانش آموز که جمعیتی قریب یکصد نفر بودند خود بیشتر موجب تشویش جو داخلی مدرسه شدند تا جائیکه توسط انتظامات دبیرستان از ورود آنان به مدرسه جلوگیری شد. و این عده نیز متقابلا با یورش به درب ورودی وارد مدرسه شدند و در سالن دبیرستان متحصن گردیدند. در این برخورد تنی چند از دانش آموزان مجروح شدند این واقعه موجب شد واحدی از سپاه پاسداران برای جلوگیری از گسترش درگیری به مقابل مدرسه اعزام شوند اما پاسداران نیز، بدلیل اعتقاد به ضوابط اسلامی حاضر به برخورد با دختران خاطی نشدند."

یا للعجب!! واقعا پرسیدنی است که این سه نفر اخراجی باید از چه حقانیتی برخوردار باشند که کلیه دانش آموزان که روزنامه جمهوری اسلامی آنها را یکصد نفر برآورد میکند از آنان حمایت کنند؟ تشویش جو داخلی مدرسه از کجا ناشی شده است؟ انتظامات مدرسه چه کسانی و چه تعدادی هستند و بچه سلاحی مجهز بودند؟ چگونه این دانش آموزان در سالن مدرسه متحصن میشوند و مجروح میگردند؟ سپاه پاسداران که بدلیل اعتقاد به ضوابط اسلامی!! حاضر نشده با دختران برخورد کنند پس چه کسانی لباس این دختران را پاره کرده و آن اعمال وحشیانه را انجام داده‌اند؟ پس چگونه آن گلوله‌های سربی به تن این دانش آموزان مبارز نشسته که راهی بیمارستان شده‌اند؟

این روزنامه میخواهد چنین وانمود کند که در این مدارس و مدرسه‌های دیگر مثل هنرستان تکنیکوم شهید سروندی، دبیرستان حکمت و... چند نفر دانش آموز محرک!! وجود دارد که بوسیله افکار انحرافی!! پاره‌ای از معلمان و حمایت گروهکهای چپ آمریکایی!! این اغتشاشات را براه میاندازند. ولی وقتی از دبیرستان گوهرپرور "خبر میدهد" حسابی بیپته‌اش روی آب میافتد. در این مورد مینویسد: "از سوی دیگر برخوردهایی که از چند هفته پیش در دبیرستان دخترانه گوهرپرور در جنوب شهر تهران اتفاق افتاده همچنان ادامه

بقیه در صفحه ۸

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# گرامی باد ۵ دیماه

## سالروز تحصن خونین استادان دانشگاهها و شهادت استاد مبارز کامران نجات‌اللهی

بقیه از صفحه ۱۶

اینبار با دولت نظامی ازهاری، با شمشیر از رو بسته به میدان آمد.

رژیم که سالها با مبارزات خونین دانشجویان روبرو بود نیک میدانست که برای سرکوب هرچه وسیع‌تر مبارزات خلق و باز پس گرفتن آزادیهای محدودی که تحت فشار مبارزهٔ توده‌ها بدان گردن نهاده بود میباید ابتدا دانشگاه، این سنگر آزادی و آگاهی را از سر راه بردارد.

با تعطیل دانشگاهها مبارزات استادان برای بازگشائی دانشگاه آغاز شد و با تحصن استادان مترقی دانشگاه تهران در دبیرخانهٔ دانشگاه تهران و سپس تحصن دهها تن از استادان مبارز دانشگاهها (پلی‌تکنیک، صنعتی، ملی، آزاد، تهران، علم‌وصنعت، ابوریحان، تربیت معلم و مدرسه عالی بازرگانی و موسسه آموزش عالی آمار و انفورماتیک) در وزارت علوم اوج گرفت. حمایت بی دریغ مردم از استادان متحصن پیوند دانشگاهیان و توده‌ها را مستحکم‌تر از پیش ساخت. مناطق اطراف دبیرخانه دانشگاه تهران و وزارت علوم هر روز شاهد تظاهرات گستردهٔ توده‌ها بود.

رژیم وابسته برای درهم‌شکستن تحصن استادان به توطئه جنایتکارانه‌ای متوسل شد. روز سه‌شنبه پنجم دیماه ۱۳۵۷ در نتیجه تیراندازی بسوی طبقه هفتم ساختمان وزارت علوم از یکی از ساختمانهای مجاور، استاد کامران نجات‌اللهی فرزند راستین خلق کرد، و مبارزی معتقد به آرمان رهائی زحمتکشان به شهادت رسید. و در نیمه شب، همرزمان کامران در ساختمان وزارت علوم هدف یورش وحشیانهٔ مزدوران رژیم آریامهری قرار گرفتند و روانه زندان شدند. روز بعد تشییع جنازهٔ استاد کامران نجات‌اللهی به تظاهرات عظیم و خونینی مبدل گشت که سرآغاز اوجگیری مجدد مبارزات خلق بود. کمی بعد دانشگاهها بدست توانای توده‌های خلق گشوده شد و دانشگاه این سنگر آزادی و آگاهی بار دیگر نقش خود را در مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک توده‌ها که به قیام شکوهمند بهمن ماه ۵۷ انجامید باز یافت.

* * *

امسال ۵ دی سالروز تحصن خونین استادان دانشگاهها و شهادت استاد مبارز کامران نجات‌اللهی را در شرایطی گرامی میداریم که بار دیگر دانشگاهها به تعطیل کشیده شده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی که بنا بر ماهیتش از آزادی و از آگاهی توده‌ها وحشت دارد، دانشگاهها را به تعطیل و آزادیها را به بند کشیده است. رژیمی که از ابتدا کوشیده است مناسبات سرمایه‌داری وابسته را احیاء نماید، مبارزهٔ طبقاتی را مهار بزند، جنبش خلقها را سرکوب کند، شوراهای واقعی را از بین ببرد، آزادی بیان و قلم و اندیشه را سلب کند، زنان را از هویت اجتماعی‌شان محروم کند... از آگاهی توده‌ها وحشت دارد. و اکنون هر روز که از عمر رژیم جمهوری اسلامی میگذرد، ماهیتش بیشتر برای توده‌ها روشن می‌شود.

جناح حزب جمهوری اسلامی که سوار بر امواج توهم توده‌ها با نقاب ضد امپریالیستی بسوی تسخیر مواضع قدرت تاخت، اکنون مدتهاست که در تلاش کنار آمدن با امپریالیستهاست! در دو سال گذشته توده‌ها که شاهد سرکوب آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم و تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی بوده‌اند و هر روز بیکاری و فقر را بیشتر و بیشتر با پوست و گوشت خود احساس کرده‌اند بخوبی درمی‌یابند که منافع و هدفهای رهبران حزب جمهوری اسلامی از منافع و هدفهای خلق جداست. آنان درمی‌یابند که مبارزه ضد امپریالیستی "مکتبیون" که بصورتهای مختلف به نمایش گذارده شد، فریبی بیش نبود و تنها سوء استفاده بیشرمانه‌ای بود از خواستها و احساسات صادقانهٔ مردمی که براستی میخواستند و میخواهند بر علیه سلطهٔ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا مبارزه کنند. توده‌ها بچشم خود می‌بینند که "مکتبیون" هر روز گام بزرگتری در راه سازش با امپریالیسم برمیدارند ولی همین ها میگفتند و میگویند: "دانشگاههای ما آمریکائی است"، "دانشگاهی که در خدمت آمریکا باشد نبودنش بهتر است" و یا "دانشگاهی که اقبال و شریف امامی را تربیت کند نباید باز شود". اما توده‌ها خوب بخاطر دارند که چگونه دانشگاههای ما، این سنگرهای آزادی و آگاهی، سالها در برابر رژیم آمریکا به مبارزه ایستادند و برای نابودی "سیستم آمریکائی" دانشگاه مجدانه مبارزه کردند. مردم ما بخاطر میاورند که چگونه دانشجویان مترقی و انقلابی همچون قندچی‌ها، شریعت رضویها، احمدزاده‌ها، بدیع زادگانها، جزنی‌ها، حمیداشرف‌ها، سعید محسن‌ها، مهرنوش‌ها، نجات اللهی‌ها و صدها رزمندهٔ دیگر در اوج اختناق آریامهری علیه اقبالها، شریف امامی‌ها، هویداها مجدانه به مبارزه دست یازیدند و در کنار توده‌ها و برای توده‌ها قهرمانانه مبارزه کردند و از بذل جان دریغ نکردند. مردم ما فراموش نمی‌کنند که دانشجویان و دانشگاهیان مبارز ۱۶ آذرها، ۱۳ آبانها، ۵ دی‌ها را آفریدند و فراموش نمیکنند که همین رهبرانی که امروز دانشگاهها را آمریکائی و خطرناکتر از بمب خوشه‌ای میدانند! خود بارها نقش ارزنده دانشجویان و دانشگاهها را در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده‌اش ستوده بودند.

از طرف دیگر، بنی‌صدر که پس از یورش وحشیانه پاسداران به دانشگاه و کشتار دانشجویان مبارز "ولادت حاکمیت دولت" را در صحن خونین دانشگاه "جشن" گرفت، حال همراه با سایر لیبرالها دم از آزادی و "دموکراسی" میزند و از جمله بر لزوم بازگشائی دانشگاه تاکید میکند. لیبرالها که بی‌صبرانه خواهان براه انداختن چرخهای صنایع وابسته و احیاء مناسبات سرمایه‌داری وابسته‌اند که از یکسو نیاز به "متخصص" را برای این منظور احساس میکنند و میدانند که توده‌ها اجازه نخواهند داد بار دیگر سیل کارشناسان خارجی به کشور سرازیر گردد و بنابراین خواهان آنند که دانشگاههای "آرام" و "غیرسیاسی" برای تربیت "متخصص" هرچه زودتر باز شود. و از سوی دیگر در حالیکه پرچم دروغین دفاع از آزادی و دموکراسی را برافراشته‌اند، میگویند که دانشگاهها نباید مراکز فعالیت سیاسی باشند زیرا از آزادی و دموکراسی واقعی همانقدر وحشت دارند که از آگاهی توده‌ها. ما در "کار" ۸۷ نوشتیم دانشگاهی که لیبرالها میخواهند بگشایند همانقدر با دانشگاهی که نیروهای مترقی و انقلابی خواهان آنند تفاوت دارد که "آزادیهای" باب طبع قطب‌زاده‌ها با آزادیهای سیاسی مورد نظر زحمتکشان. نیروهای انقلابی دانشگاه را بعنوان سنگر آزادی و آگاهی، سنگری در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق میخواهند که در خدمت منافع زحمتکشان در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم سمتگیری قاطع داشته باشد. دقیقا چنین دانشگاهی است که بهیچ وجه مطلوب هیچیک از جناحهای حاکمیت نیست. و دقیقا چنین دانشگاهی است که باید با اتحاد عمل و مبارزهٔ پیگیر تشکلهای دانشجویان مترقی و انقلابی و دانشگاهیان مبارز همگام با جنبش توده‌ها بدست توانای خلق گشوده شود.

## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

# مبارزات روبه اعتلای دانش آموزان

بدست نیاورده است، بلکه به هیچوجه قادر نیست به هدف خود نائل آید. علت این مساله را باید در ماهیت حاکمیت و اوضاع و احوال بحرانی موجود جستجو کرد. از یکسو، هیئت حاکمه بنا به خصلت ضدانقلابی خود نه میتواند و نه میخواهد به نیازهای توده ها و ضروریات انقلابی جامعه پاسخ گوید و از سوی دیگر در شرایطی که با یک بحران روبروست و در همان حال مداما اعتماد توده ها را از دست میدهد، ناچار است بیش از پیش برای حفظ موجودیت و تداوم حکومت خود به نفی حقوق و آزادیهای سیاسی و سیاست سرکوب آشکار روی آورد.

یک چنین سیاستی بویژه در شرایطی که حاکمیت قادر نیست تغییراتی در شرایط زندگی اقتصادی توده ها پدید آورد، نه تنها به حل مشکلات هیئت حاکمه کمکی نخواهد کرد، بلکه نتیجه عکس را ببار خواهد آورد. یعنی هرگونه فشار و سرکوب، هرگونه سلب حقوق و آزادیهای سیاسی توده ها با واکنش شدید از جانب آنها روبرو خواهد شد. این مساله با توجه به سطح آگاهی دانش آموزان، جو سیاسی حاکم بر جامعه و تجربیات انقلابی آنها طی چندسال اخیر، واکنشی بسیار شدیدتر را بدنبال خواهد داشت. بهمین علت است که ما اکنون شاهدیم دانش آموزان بشدت در برابر سیاستهای ضد دمکراتیک و زورگوئیها و خودسریهای هیئت حاکمه که میکوشد با نفی حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی که دانش آموزان در بطن مبارزات توده ها به دست آورده اند، دوباره همان محیط خفقان و اختناق گذشته را در مدارس حاکم سازد، ایستادگی کرده و مبارزات آنها در حال گسترش و اعتلاست.

دانش آموزان اکنون پس از نزدیک به دو سال تجربه کردن سیاستهای گام بگام هیئت حاکمه در جهت برقراری جو اختناق در مدارس با عزمی راسخ خواهان حفظ و تعمیق دستآوردهای قیام، آزادی بحث و فعالیت سیاسی در مدارس، دفاع از تشکل های خود نظیر شوراها، ایستادگی در مقابل یورش های ضدانقلاب و در یک کلام خواهان تداوم مبارزه ضدامپریالیستی دمکراتیک خلقند.

دانش آموزان اکنون بخوبی دریافته اند که دولت جمهوری اسلامی هدفی جز به انحراف کشاندن مبارزات توده ها و نابودی دستآوردهای انقلابی آنها ندارد. آنها بخوبی دریافته اند که حاکمیت بمنظور اجرای این مقاصد ضدانقلابی خود در مدارس، بعنوان نخستین گام دست به اخراج معلمین آگاه و انقلابی زد و بدنبال این اقدام خود بشیوه های مختلف کوشید تا مانع ادامه فعالیت سیاسی دانش آموزان شود و بحث سیاسی را که عاملی مهم در ارتقاء سطح آگاهی آنهاست ممنوع کند. با اشکال مختلف در جهت نابودی شوراهای دانش آموزان کوشید، دست به اخراج مبارزترین دانش آموزان زد و حتی در برخی از مناطق کشور نظیر کردستان و لرستان مدارس را بکلی تعطیل کرد. بنابراین با توجه به این تجربیات است که اکنون دانش آموزان پی برده اند که هرگونه عقب نشینی در برابر سیاستهای ضدانقلابی و ضددمکراتیک هیئت حاکمه معنائی جز میدان دادن به ضدانقلاب و از دست دادن حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی ندارد. از همین روست که مبارزات آنها گسترش یافته و در آینده نیز هرچه بیشتر گسترش خواهد یافت. اما طبیعی است که حاکمیت نیز در قبال جلوگیری این مبارزات واکنش نشان دهد. حاکمیت که اساسا قادر نیست قانونمندیهای حاکم بر رشد و تکامل نارضایتی توده ها را درک کند، بشیوه های گوناگون متوسل میشود تا مانع رشد و گسترش این مبارزات شود اما این شیوه ها جز تشدید مبارزه نتیجه دیگری نخواهد داشت و به هیچوجه نمیتواند سدی بر سر راه گسترش مبارزات ایجاد کند. آیا تعطیل کردن دانشگاهها توانست مبارزات سراسری توده ها را سد کند؟ واقعیات خلاف این امر را ثابت میکند زیرا مبارزه نه محدود به دانشگاهها و مدارس است و نه میتوان آنرا به یک منطقه خاص محدود کرد. مبارزه در هر کارخانه و مزرعه، در هر کوچه و خیابان و در هر کجا که توده ها هستند در جریان است و مداما اعتلا و گسترش می یابد. هیئت حاکمه چنین تصور میکرد که با تعطیل کردن دانشگاهها مبارزه را سد خواهد کرد و مانع فعالیت نیروهای انقلابی خواهد شد. اما امروز خلاف این تصور خود را به رای العین مشاهده کرده است. مبارزه در حال گسترش است و هر دانشجوی انقلابی و مبارز نیز در حال انجام وظیفه خود در امر انتقال آگاهی به توده ها و قبل از همه طبقه کارگر و پیوند هرچه بیشتر با توده هاست از این رو هر کارخانه و مزرعه هر شهر و روستا، هر کوی و محله و... تبدیل به مرکزی برای آموختن و آگاه کردن توده ها شده است. بنابراین می‌بینیم که مبارزه مداما گسترش می یابد، و دانشجویان نیز با انجام وظایف خود در خارج از دانشگاه تمام امیدها و آرزوهای هیئت حاکمه را نقش بر آب کرده اند. اکنون در شرایطی که مبارزات دانش آموزان همگام با مبارزات توده های سراسر میهن ما در حال گسترش و اعتلاست وظیفه ای سنگین بر دوش دانش آموزان آگاه و انقلابی قرار دارد.

آنها باید در جهت گسترش و تعمیق جنبش دانش آموزی بکوشند. پیگیرانه از دستآوردهای انقلابی خود دفاع کنند مانع درگیری و رودرروئی توده های دانش آموز شوند و با آن عده از دانش آموزانی که بعلت عدم آگاهی هنوز مدافع حاکمیت هستند کمک کنند تا در عمل پی بماهیت اعمال و رفتار ضدانقلابی هیئت حاکمه ببرند.

دانش آموزان آگاه و انقلابی وظیفه دارند آزادیخواهی دروغین لیبرالهای ضدانقلابی را برای توده های دانش آموز افشا کنند و بالاخره با تلاش خستگی ناپذیر نفوذ ایدئولوژیک و سازمانی خود را گسترش دهند.

جنبشی که امروز در میان دانش آموزان اوج میگیرد، جزئی از جنبش سراسری در حال اعتلای توده ای است بنابراین باید با تمام نیرو به تقویت آن کمک کرد.

# مبارزهٔ رجائی...

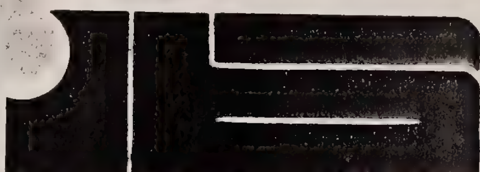
بقیه از صفحه ۵

از فشار استثمار وحشیانه سرمایه داران دیگر آهی در بساط ندارند که سود کلانی را نصیب آقایان کنند و آنوقت رفتند و انواع و اقسام اطعمه و اشربه و البسه خارجی را برای ثروتمندان و سرمایه داران وارد کردند تقصیر آقای رجائی و هیئت حاکمه نیست چون آنها مامور و پاسدار به اندازه کافی ندارند تا سر هر کدام از این فرصت طلبان یکی بگذارند و مراقب باشند.

کارگران و زحمتکشان که از سوئی فشار روزافزون گرانی و کمبود مایحتاج اولیه را بر دوش خود احساس میکنند و از سوی دیگر احتکار و انبار کردن اجناس توسط سرمایه داران و پولدارتر شدن روزبروز آنها را شاهدند، توده ها که به عینه عزت و احترام بی شائبه تمامی افراد هیئت حاکمه نسبت به بازاریان را می‌بینند، آنها که می‌بینند چگونه کوچکترین سخنی از آنان و درد و رنج آنها در میان نیست و جنگ و جدال بر سر سخنرانی در بازار، راهپیمائی در بازار، طومار در بازار و تعریف و تمجید از بازاریان قهرمان و فداکار است. مردم که می‌بینند رجائی پس از اینهمه فریاد "مبارزه با سرمایه داران" و ... در مصاحبه خود با رادیو و تلویزیون در روز ۱۰ آذر می‌گوید "ضدانقلاب شایع می‌کرد به اینکه مثلا دولت ممکن است پولهای سرمایه دارها یا آنها که در بانک سپرده دارند را ضبط کند" (جمهوری اسلامی - چهارشنبه ۱۲ آذر) دیگر در نزد آنان حاکمیت رنگ خود را می‌بازد.

توده ها در تجارب عملی و روزمره خود همانگونه که ارتباط مشخص گرانی و احتکار را با جنگ و با سودجوئی و غارت و چپاول سرمایه داران و بازاریان بزرگ درک کرده اند، همانگونه نیز حمایت بیدریغ حاکمیت از سرمایه داران، محتکران و گرانفروشان را هرچه بیشتر درک خواهند کرد.

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

با تمام توان خود ماهیت ارتجاعی جنگ را افشا، و با سازماندهی مقاومت مسلحانه از منافع زحمتکشان دفاع کنیم

سال دوم - شماره ۹۰ | پنج شنبه ۴ دیماه ۱۳۵۹ | ۱۶ صفحه - ۲۰ ریال


# مبارزات رو به اعتلای دانش آموزان

همزمان با تشدید موج نارضایتی در میان توده‌ها و سلب اعتماد آنها نسبت به حاکمیتی که طی نزدیک به دو سال، جز تشدید فقر، گرانی، بیکاری و آوارگی، ثمره‌ای برای زحمتکشان نداشته است در هفته‌های اخیر شاهد گسترش موج نارضایتی در میان دانش‌آموزان و اعتلای مبارزات آنها بودیم.

هیئت حاکمه که اکنون با رشد نارضایتی توده‌ها دست بگریبان یک بحران همه جانبه است تاکنون به شیوه‌های گوناگون از جمله سرکوب قهرآمیز، تعطیل کردن پاره‌ای مدارس، رودررو قرار دادن دانش‌آموزان و بالاخره پند و اندرزهای پدرانه و عقب‌نشینی‌های تاکتیکی متوسل شده است تا شاید بتواند مانع گسترش و اوجگیری مبارزات دانش‌آموزان گردد. زیرا با توجه به کمیت عظیم دانش‌آموزان و نقش بسیار فعالی که آنها در جنبش سراسری توده‌های زحمتکش میهن ما علیه رژیم شاه ایفا کردند و نیز با توجه به سطح آگاهی و تجربیات سیاسی که در این مدت اندوخته‌اند بشدت از گسترش و اعتلای مبارزه آنها وحشت دارد. اما واقعیت این است که نه تنها تاکنون در این زمینه توفیقی

بقیه در صفحه ۲

# جنگ، گرانی و دستمزد کارگران

کارگران و زحمتکشان میهن ما که از مدتها پیش از جنگ زیر بار فشارهای ناشی از گرانی و افزایش پیاپی قیمتها قرار داشته‌اند، با آغاز جنگ و افزایش سرسام‌آور قیمتها و کمیاب شدن مایحتاج اولیه زندگی بیش از پیش زیر فشار هزینه‌های کمرشکن قرار گرفته‌اند.

در این روزها همه از گرانی و کمبود و نایابی ارزاق و مایحتاج عمومی سخن می‌گویند و برای تامین خواربار و سوخت در صف‌های طویل می‌ایستند، و اکنون دیگر حتی خود حکومت نیز بمسئله گرانی و کمبود ارزاق عمومی اعتراف میکند اما از طرح این مسئله طفره میرود که بار سنگین این گرانی و کمبود بیش از همه بر دوش کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری است. از سوی دیگر مسئله بسیار مهمی که دولت سعی در پوشاندن آن دارد رابطه گرانی با نظام سرمایه‌داریست. سرمایه‌داران و دولت حامی آنها سعی می‌کنند از طریق روزنامه‌ها و بلندگوهای تبلیغاتی خود ضمن لاپوشانی وضعیت دشوار زندگی زحمتکشان

بقیه در صفحه ۳

## در مجلس شورای اسلامی چه میگذرد؟

صفحه ۱۲

صفحه ۵

## مبارزه رجائی برضد سرمایه‌داران و محتکرین!

## در این شماره:


- کشف تازه سوسیال رفرمیستهای "کمیته مرکزی"
- درباره تبلیغ و نقش آن
- "مربی تربیتی" یا جاسوس مدرسه
- پاسخ به سئوالات


# مبارزات دانش آموزان و رسوائی روزنامه جمهوری اسلامی

در روزهای گذشته زحمتکشان میهن ما شاهد درگیریهای زیادی در مدارس بودند، تعداد زیادی از دانش‌آموزان مبارز در این درگیریها زخمی شده‌اند عده‌ای اخراج گردیده‌اند و تعدادی از مدارس در تهران و شهرستانها تعطیل شده است. زحمتکشان ما بخاطر دارند که قبل از قیام دانش‌آموزان انقلابی چگونه مدارس را به سنگرهائی علیه امپریالیسم و عوامل داخلی آن مبدل کردند، چگونه با شرکت فعالانه خود در تظاهرات خیابانی به شور انقلابی

بقیه در صفحه ۷



استالین تجسم اراده آهنین پرولتاریا

صفحه ۱۶

**تنها تسلیح توده‌ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله با هرگونه تجاوز، و برقراری صلح است**

پیکار
ص ۷
سال دوم - شماره ۸۴
دوشنبه ۱۷ آذر ۵۹

۲۷ سال از ۱۶ آذر خونین گذشت اما اکنون خاطره این روز همچنان تابناک است.

راز جاودانگی این روز کجاست؟

کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد به وقوع می‌پیوندد، رهبری خائن حزب توده، بجای مبارزه سنگر را می‌سپرد و رهبری جبهه ملی سراپا سازشکار با ماهیت سازشکارانه و جبونانه‌اش توان و یارای مقاومت ندارد. اما اگر رهبری خائن است، توده‌ها نمی‌خواهند ننگ شکست را بر خود هموار کنند و چنین است که دانشگاه بر علیه کودتای کثیف آمریکائی می‌خروشد. سفر نیکسون جلاد به تهران بر دامنه این مبارزات می‌افزاید و حماسه ۱۶ آذر پدید می‌آید. سپس دژخیمی که در دانشگاه مستقر شده است، بروی دانشجویان تظاهرکننده آتش میگشاید و سه دانشجوی قهرمان، قندچی، بزرگ‌نیا و شریعت‌رضوی به شهادت میرسند. از آن پس ۱۶ آذرها نشانه رزم سرخ و سرفراز جنبش دانشجوئی، یادگار شکوهمند جنبش و فداکاری دانشجویان انقلابی به آرمان توده‌ها میگردد.

راز جاودانگی ۱۶ آذر در این است که دانشجویان انقلابی [illegible] از مبارزه را در یک دوران حساس از مبارزات خلق نمی‌بندند و نشان میدهند که در این دوران، شرائط عینی برای مبارزه علیه کودتای آمریکائی هنوز کاملا وجود دارد، منتها اگر حزبی انقلابی وجود میداشت و رهبری مبارزات توده‌ها را به دست میگرفت. بهر حال ۱۶ آذر از این پس خاری میشود در چشم دشمنان توده‌ها و کابوسی میشود که هرساله رژیم شاه را دچار وحشت میسازد. ماه آذر که فرا میرسد، در تمامی دوران پس از ۱۶ آذر، دانشگاه عید خونین خویش را میکوشد که جشن بگیرد و میکوشد که همواره به پیمان خونین دانشجو و خلق که ۱۶ آذر گواه آن است وفادار بماند. در تمامی این دوران، دانشگاه سنگری مستحکم بر علیه امپریالیسم و ارتجاع است. پرچم آزادی و انقلاب در دانشگاه همواره برافراشته میماند و پرچمداران این سنگر مقدس، دانشجویان خونین کفن هستند که اوین و کمیته ارتجاع [illegible] در زیر شکنجه و میدان [illegible] از خروش فریاد "جاوید باد آرمان زحمتکشان" و "مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع" شان به لرزه در می‌آید.

دانشگاه نه تنها در کشور ما بلکه اصولا در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم نقش با اهمیتی را در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ایفا کرده است و بهمین خاطر است که همواره مورد یورش ارتجاع واقع شده و به خون کشیده شده است. اما هرگز هیچ سرکوبی و هیچ تیرباران و شکنجه‌ای نتوانسته است پیمان استوار دانشجویان انقلابی را با خلقشان درهم کوبد و این را پیش از همه، خلق میداند، خلقی که [illegible] دانشگاه را ارج گذاشته است.

اگر [illegible] دانشگاه [illegible] می‌خروشد. [illegible] دانشگاه [illegible] توده‌های [illegible] [illegible] آبان درهم آمیخت و رژیم شاه

# ۱۶ آذر، عید خون دانشجو گرامی باد

## در بیست و هفتمین سالگرد ۱۶ آذر، دانشگاه در [illegible]ال جمهوری اسلامی به بندکشیـ[illegible]ـده است

را به رگبار [illegible]. اما همچنان دانشگاه میدان نبرد علیه امپریالیسم باقی ماند و رژیم جمهوری اسلامی بر این [illegible] تا دانشگاه بسته شود.

بیست و هفتمین سالگرد ۱۶ آذر، در زمانی برگزار میشود که دانشگاه این سنگر همیشه پایدار آزادی بوسیله دژخیمان آزادی به بند کشیده شده است و رژیم جمهوری اسلامی ۱۶ آذر دیگری در اول اردیبهشت ۵۹ پدید آورد. ۱۶ آذری که بسا رخونین‌تر و حماسه‌ای‌تر از ۱۶ آذر در [illegible] شاه خائن بود.

اگر شاه خائن دانشگاهها را می‌بست، به خون میکشید و دانشجو را زندان و شکنجه میکرد، جمهوری اسلامی نیز تاکنون در این آزمایش شکنجه و کشتار و [illegible] کوتاه نیامده است. زندانها همچنان شکنجه‌گاه دانشجویان انقلابی است و خون شهیدان اول اردیبهشت، علوی [illegible]ها، مودبی‌ها، معتمدی‌ها، دانیالی‌ها و... بر در و دیوار دانشگاه همچنان زنده و شاداب است.

تا زمانی که امپریالیسم و ارتجاع وجود دارد، ۱۶ آذرها و اول اردیبهشت‌ها به عنوان نشانه‌ای از دشمنی آشتی ناپذیر توده‌ها و امپریالیسم و ارتجاع، دانشگاه را همچون مشعلی در شب تیره حکومتهای ضد مردمی برخواهند افراشت.

## زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران!

خاطره سرخ ۱۶ آذرها، یادآور آنهمه دلاوری دانشجویان انقلابی بر علیه رژیم شاه خائن است، اما آن دانشگاهی که شما با قیام خود در بهمن ۵۷ گشودید، اینک باز به بند کشیده شده است. آن زندانها که در آن هزاران دانشجو اسیر بودند و شما آنها را گشودید، اینک باز [illegible] دانشجویان شکنجه‌دیده انقلابی است. آن آزادی که شما به خاطرش هفتاد هزار شهید دادید، اینک در چنگال رژیم جمهوری اسلامی با [illegible] اسارت درآمده است. طبیعی است رژیمی که به کشتار کارگران و زحمتکشان می‌پردازد، رژیمی که خلق کرد، ترکمن و... را [illegible] و سرکوب میکند، رژیمی که همچنان به غارت [illegible] زحمتکشان [illegible] امپریالیسم می‌پردازد و با تمام قوا سعی در بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته دارد، باید دانشگاه را ببندد و باید که ۱۶ آذر خونین را در اول اردیبهشت بار دیگر تکرار کند.

اینک گرامیداشت ۱۶ آذر خونین و همه دلاوریهای حماسه‌ای دانشجویان قهرمان [illegible] علیه امپریالیسم و ارتجاع، جز با مبارزه در همان راه سرخ آن شهیدان امکان پذیر نیست. کسی میتواند [illegible] از خاطره ۱۶ آذر سخن بگوید که خود نیز در راه سرخ توده‌ها باشد.

اینک همچنانکه در زمان شاه دانشگاه را دلاوری خلق گشود، باید که با رزم توده‌ها این سنگر [illegible] دانشگاه [illegible] توده‌ها و سنگری از سنگرهای توده‌هاست. مبارزه برای [illegible] این سنگر جزئی از مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ماست. در این میان جنبش انقلابی دانش‌آموزان میتواند با مبارزه حول این شعار (در کنار شعارهای اساسی دیگر، [illegible] کسب آزادی فعالیت سیاسی در مدارس و جلوگیری از اخراج معلمین و دانش‌آموزان و...) نقش مهمی ایفا کند.

دانشگاه این دژ خونین ۱۶ آذرها، ۱۳ آبان‌ها و اول اردیبهشت‌ها باید گشوده گردد تا دانشجویان انقلابی بار دیگر مبارزات خویش را با رزم خونین کارگران، زحمتکشان، خلق کرد و... درهم آمیزند و اشاعه‌گر آگاهی و مدافع پیگیر آزادی و انقلاب ایران باشند. در این میان با [illegible] گسترده در میان توده‌ها بخصوص کارگران و زحمتکشان، حمایت پایگاه اصلی انقلاب، یعنی کارگران و زحمتکشان را از [illegible] دانشگاه برانگیخت.

اما مبارزه بخاطر بازگشائی دانشگاهها تنها گوشه‌ای از مبارزات انقلابی دانشجویان انقلابی را تشکیل میدهد. آنها وظیفه دارند که نیروی اصلی خود را در جهت فعالیت و کار آگاهگرانه در میان کارگران و زحمتکشان قرار دهند. آنها وظیفه دارند علیرغم محروم بودن از سنگر دانشگاه، از هر طریق ممکن در هرکجا، چه در کارخانجات و روستاها، چه در محلات و در میان صفهای طویل نان، نفت و...، چه در مناطق جنگی و یا در میان آوارگان جنگ، چه در کنار دکه‌های فروش کتاب و یا از طریق بحث‌های علنی، پخش اعلامیه، فروش نشریه، شعارنویسی و... به افشای ماهیت رژیم و افشای ماهیت جنگ ارتجاعی کنونی پرداخته و نقش خود را در ارتقاء و هدایت جنبش اعتراضی توده‌ها و گسترش آن در جهت انقلاب ظفرنمون دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران به رهبری طبقه کارگر، ایفا نمایند.

گرامی باد ۱۶ آذر - "روز دانشجو" روز رزم خونین دانشجویان انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی

هرچه گسترده‌تر باد جنبش انقلابی دانشجویان

هرچه مستحکمتر باد پیوند جنبش انقلابی دانشجوئی با جنبش کارگران و زحمتکشان

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۹/۱۶ ★ ★ ★

# برداشتی از رویدادهای کوچك و بزرگ

مردم به‌شنیدن اخبار دردناك عادت‌کرده‌اند، ترکمن‌صحرا ، نقده ، اهواز ، مریوان . اما آنچه که در میانه گذشت و در روزنامه‌ها نیامد بهت‌انگیز و حیرت‌آور بود . عده‌ای درخیابانها آن لفظ نکبتی را باز گفته‌اند : «جاویدشاه!»

گفتن این کلمات لعنتی یك کلمه جهنمی دیگر را بخاطر می‌آورد «ساواك» ! اما کسی که با تبی دردآلود ماجرا را تعریف میکرد میگفت: بخدا من آنها را دیده بودم همانهائی بودند که چند ماه پیش در خیابانها فریاد می‌زدند درود برخمینی و ...

و بعد ادامه داد : ممکنست که یکعده ساواکی این الفاظ را پیش کشیده باشند اما مردم چرا آنها را باز گفتند . مکثی می‌کند و خود می‌گوید نمی‌دانم شاید جن‌زده شده بودند . ظاهرا جن‌زده‌گی از تماشای شلاق خوردن دو مرد به جرم می‌زده‌گی شروع می‌شود .

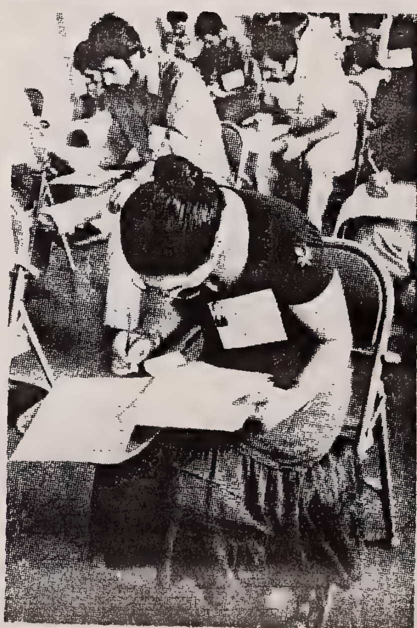
یکی از آنها که عاقله مردی بوده به حکم اعتراض می‌کند و می‌گوید : دکتری که مستی مرا تائید کرده است ، بامن غرض شخصی دارد چرا که از جمله طاغوتیان است و من در طول انقلاب در رسوا کردن او نقش‌زیادی ایفاکرده‌ام. اکنون که بعد از انقلاب از مدیریت عامل شیرو خورشید به فعالین کمیته تغییر سمت داده است از من انتقام می‌کشد . کسی به گفته‌های او وقعی نمی‌گذارد . هنگام اجرای حکم پسر او که‌بی‌خبر برای سردرآوردن از علت ازدحام به میان جمع آمده بود با دیدن پدر خود را بروی او پرتاب می‌کند .

شلاق‌زن ، بی‌اعتنا با شلاق به صورت کودك خردسال می‌کوبد و ماجرا آغاز می‌شود . مردم به نجات محکومین می‌روند . باسنگ و پاره‌آجر به‌شلاق‌زن حمله‌ورمی‌شوند . منزل دوحجت‌الاسلام که یکی رئیس پاسداران انقلاب و دیگری رهبر مذهبی میانه است سنگباران می‌شود ، چند معمم کتك می‌خورند و تابلوی حزب جمهوری اسلامی به پائین کشیده می‌شود . مردم با تظاهرات طالب برچیده شدن کمیته‌ها می‌شوند .

چگونه می‌توان ریشه های فاجعه را یافت ؟ آنها که تنها به گفتن «ساواك» قناعت میکنند در واقع سعی در لاپوشانی کردن واقعیت دارند.

رویای تمام انقلابیون و انقلابها ساختن انسان نو بوده است . انسان زیرورو شده‌ای که بتواند «نه» بگوید ، نفی کند و به قدرت جادوئی نفی در کار ساختن و پرداختن انسان آگاه باشد . چنین انسانی می‌باید خودآگاهی و استقلال خویش را در پهنه‌ی این‌جهان بازشناسد، تا بتواند خود و جهان را تغییر دهد . انقلابی که ساختن این چنین انسانی را از دست نهد خود را به زوال محکوم کرده است . هسته چنین انسانی همواره در طول انقلاب پی‌ریخته میشود. تودهها پی می‌برند که دیگر به شیوه گذشته نمی‌توانند زندگی کنند و به حاکمین «نه» می‌گویند و حتی با مشت خالی رودرروی تانك می‌ایستند . هیچ ملتی نمی‌تواند ساختن را یاد بگیرد مگر اینکه نفی کردن را آموخته باشد . ملت ایران با این روش بود که ویرانی نظام شاهی را باعث آمد .

اخلاق انقلابی تنها سلاحی بود که مردم در اختیار داشتند . اما حکمرانان جدید که امواج انقلاب آنها را به جایگاه رهبری پرتاب کرده است ، کم کم دارند از «نه» گفتن مردم می‌ترسند . دارند اسامی دیگری رویش میگذارند و البته دارند همان راهی را می‌روند که تاریخ برای چنان فرمانروایانی سنگفرش کرده است . آنها می‌پندارند که سلیقه شخصی آنها حقایق ازلی و ابدی است و فراموش می‌کنند که همه فرمانروایان که اکنون فرو افتاده‌اند نیز چنین می‌پنداشته‌اند . انقلابها همواره نفی این ابدیتها بوده‌اند و هستند . اخلاق انقلابی را نمی‌توان در وسط میدان و بزور شلاق بمردم یاد داد . در تمامی طول تاریخ شلاق در نهایت از تغییر انسان به نفع فرمانروایان عاجز بوده است این را دیگر ملت ما بهتر از همه چیز می‌داند . آزموده را آزمودن خطاست .





## کنکور

کنکور برگزار شد و ۵۳۰ هزار جوان در میان دنیائی پر از بیم و اضطراب ، سرنوشت‌سازترین امتحان زندگی مکتبی‌شان را به انجام رساندند .

کنکور از زمانی که بوجود آمد همواره مورد جر و بحث خانواده‌ها و شاگردان مدارس بوده است چرا که همچون نقطه عطفی کلیت زندگی یك جوان را از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر انتقال می‌دهد . کنکور در طول زمان از یك امتحان ساده به صورت یك گذرگاه وحشت و زحمت و به‌شکل معیار سنجش کفایت انسانهای جوان درآمد . گرچه از قبل سعی می‌شد که‌آنرا اجتناب‌ناپذیر و موجه و معیار صحیح تشخیص استعداد جا بزنند اما تاثیر مخربی که این‌بختك برروح دانش‌آموزان باقی گذاشته و فرهنگ ارزشی و رقابتی غیر انسانی که خلق کرده است هیچگونه شباهتی به یك رقابت سالم ندارد .

کمونیسم - کمترین توان ونیروئی ندارد. آن یک میرا ودرحال زوال واین یک بالنده ودرحال صعود. خرده‌بورژوازی به‌تجربه‌دریافته‌است، آنجاکه علم‌پا می‌گشاید، جهان بینی واپس‌گرایش جاردای جزخالی کردن میدان ندارد. اینست‌که‌ازاین ماشین خرافات‌زدائی - یا به‌زعم‌خودشان کمونیست سازی - بیش‌ازهرچیزدیگرهراس دارد. البته‌از انصاف نگذریم، کداین بیم‌وهراس خرده - بورژوازی کاملابه‌جا وبه‌حق است. خرده‌بورژوازی می‌خواهددانشگاه‌ها رابدل به‌ماشینی‌کندکه‌ازاین طرفش جوان‌ها رابیندازندتوی آن وازآنطرفش افراد "مؤمن" به‌ایدئولوژی خردهٔ بورژوازی‌سنتی بیرون آیند، موجوداتی سربراه‌که‌چشم‌بسته دگم‌هایش رابپذیرند. به‌عبارت‌دیگر، خرده‌ بورژوازی‌نیزمی‌خواهدهمچون برادرناتنی بزرگترش - بورژوازی - این نهادآموزشی رابدل به‌ماشین سازندهٔ کارگزاران خودکند. برای این منظوراما، خرده‌بورژوازی بایدنخست نظام‌دانشگاهی‌بورژوائی رایکسره‌درهم‌بکوبدوبرفرازخرابه‌های آن مکتب - خانه‌های خاص خودش رابنانهد، یعنی بایدنهادهای آموزشی خاص گذشته راجانشین نهادهای آموزشی مدرن بورژوائی کند. امابایددانست‌که خرده- بورژوازی به‌همان اندازه‌که‌درباز گرداندن مناسبات‌اقتصادی ماقبل سرمایه‌داری موفق خواهدبود، درتبدیل دانشگاه‌ها به‌جزم‌خانه‌های خرده‌بورژوائی نیزموفق خواهدشد! احتمالا خرده‌بورژوازی چندصباحی بااعمال فشاروقهر ارتجاعی خواهدتوانست‌زمام‌اموردانشگاه‌ها را قبضه‌کند، اما هرگزتوان تبدیل دائمی آنرابه جزم‌خانه‌های خاص خودنخواهدداشت.

دانشجویان مبارزوانقلابی دانشگاه‌ها، همانسان که‌دردوران سیاه‌پهلوی درمقابل یورش چکمه‌پوشان محمدرضاشاه‌ازاین سنگرآزادی دفاع کرده‌اند، امروزودرآینده‌نیزبااز‌خودگذشتگی تمام‌دربرابریورش خرده‌بورژوازی واپسگرای به‌قدرت رسیده‌نیزازدانشگاه‌ها دفاع خواهندکرد.

دانشجویان مبارزوانقلابی ایران دراین راه‌ازحمایت کامل نیروهای انقلابی بویژه کمونیست‌ها برخوردارخواهندبود.

وآگاه‌ترین نیروهای انقلابی دانشجوئی همچون گذشته، دوش به‌دوش پرولتاریای آگاه ازمنافع توده‌های زحمتکش جامعهٔ مادربرابر یورش‌های مرتجعانه‌خرده‌بورژوازی به‌قدرت‌خزیده دفاع خواهندکرد.

کمونیست‌های انقلابی کمترین تردیدی در لزوم‌فروپاشی نهادهای آموزشی بورژوائی ندارند، اما تاریخ وظیفه‌این فروپاشی وبنیادکردن نظام‌آموزشی انقلابی رابرعهده‌پرولتاریاگذارده است، چراکه‌تنهااین طبقه‌است‌که‌علم‌را نه‌علیه خودکه‌وسیلهٔ رهائی خویش می‌داند.

پرولتاریا برخلاف خرده‌بورژوازی واپسگرانه تنهاازعلم‌نمی‌هراسد، بل به‌استقبال آن می - رود.

# درباره...

بایکدیگراختلاف نظرداشته، امادرموردمسئلهٔ اساسی تریعنی موضعگیری درقبال سرنوشت این حاکمیت بایکدیگرتوافق دارند.

"اقلیت" ماهیت طبقاتی حاکمیت کنونی را بورژوائی وجناح "اکثریت" آنراخرده‌بورژوائی می‌داند. ولی هردوجناح درقبال این حاکمیت براین عقیده‌اندکه‌کمونیست‌ها به‌این دلیل که هنوز"توده‌های وسیعی" ناآگاهانه‌به‌این حاکمیت سیاسی، خواه‌دارای ماهیت‌بورژوائی وخواه‌دارای ماهیت‌خرده‌بورژوائی، اعتماددارند، بایدتنها به‌افشاآن بپردازندولی ازطرح شعارسرنگونی آن خودداری نموده‌وبرای برانداختن آن مبارزه ننمایند. مشکل هردوی این جناح‌ها وبسیاری از عناصروجریان‌های دیگرچپ، سردرگمی درتعیین چگونگی رابطهٔ میان پرولتاریا وخرده‌بورژوازی است. این سردرگمی خودازدرک نادرست‌ازمفهوم خلق ناشی می‌شود.

اگرچه‌به‌کارگرفتن این مفهوم برای یک تقسیم‌بندی کلی وزمخت طبقات واقشاراجتماعی در مبارزه‌علیه‌امپریالیسم‌واتخاذتاکتیک وشیوهٔ مبارزه‌ووحدت پرولتاریا بانیروهای اجتماعی سودمنداست‌ولی مطلق نمودن مفهوم‌خلق وقائل - شدن صفات‌وویژگی‌های خاص‌برای آن موجب انحرافات‌بزرگی می‌شودکه‌درجنبش‌کمونیستی ایران شاهدوناظرآن می‌باشیم. بایددانست‌که چیزی به‌نام خلق وجودمستقل وواقعی ندارد. تجریدی است‌ذهنی وتئوریک‌که‌برای بیان نکات اشتراک میان طبقات‌واقشارمشخص اجتماعی در مقطع تاریخی معینی به‌کارمی‌رود. همانگونه‌که انسان، جامعه، تولید، نیروهای مولدو...بطورکلی وجودواقعی ندارندوهمواره‌انسان مشخص‌تاریخی، جامعه‌مشخص‌تاریخی، تولیدمشخص ونیروهای مولد مشخص وجودداردو به‌کارگرفتن مفاهیم‌کلی انسان، جامعه، تولیدونیروهای مولدبصورت عام‌وکلی شیوه‌تجریدی است‌که‌انسان برای درک روابط میان مشخص‌ها که‌وجودواقعی دارندبه‌کارمی‌برد. خلق نیزمفهومی است عام‌وتجریدی که‌برای درک روابط مشخص‌ها یعنی طبقات‌واقشاری که‌هریک وجودواقعی ومستقل دارندبه‌کارمی‌رود. مثلادرماتریالیسم

بقیه در صفحه بعد

بوده‌اند، وازدیگرسوبه عیان می دیدندکه تنها کسانی قادربه راه‌یافتن دردستگاه‌های اداری وطی مدارج ترقی هستندکه تحصیلکرده این چهاردیواری باشند. ازاینروخرده‌بورژوازی همواره نوعی شیفتگی برای کاغذپاره‌های صادره از این چهاردیواری داشته وبا احترام خاصی به تحصیلکرده‌های آن می نگریسته است.

درواقع این خرده‌بورژوازی ازیک سوآرزوی راه‌یافتن به تحصیلات دانشگاهی رادرسرمی پروراند- وآنهم فقط به خاطرکسب جوازاعتباراجتماعی وبس- وازدیگرسوکینه‌ای بس عمیق ازآن دردل داشت، چراکه شاهدزوال باورهایش درآن حریم بود. خرده‌بورژوازی ایران ازآغازحرکتش به سوی قدرت تاقبضه کردن حاکمیت سیاسی، درمواجهه با دانشگاه همواره تحت تاثیراین احساس دوگانه قرارداشته و به همین سبب نیزدرمبارزه برای فتح این سنگر، مراحل گوناگونی راپشت سرنهاده است.

خرده‌بورژوازی سنتی نخست- تاقبل ازقیام توده‌ای بهمن ماه ۵۷ - باهمان دیده احترام وشیفتگی سابق به این حریم ومرکزصدوراعتبارنامه اجتماعی می نگریست، تاآنجاکه برای اعتراض به استبدادشاهنشاهی، سنگرهای خاص خودرارها می ساخت وبه این سنگرآزادی پناه می آورد. وحتی برای تحصن نیزبه تقلیدازاستادان مبارزدانشگاه تهران، محلی بهترازدانشگاه پیدانمی کرد. اجتماعاتش رادردانشگاه برپا می کردوسخنرانی ها وهرکاردیگرش راهم.

پس ازقیام بهمن ماه ۵۷، خرده‌بورژوازی به قدرت خزیده که کینه‌ای دیرینه ازدانشگاه دردل داشت، هجوم تازه‌ای رابرای فتح این چهاردیواری آغاز کرد. خرده‌بورژوازی اکنون دیگرحاضربه پذیرش خفت‌ها وخواری‌های گذشته نبودومی خواست که بدون نفی اندیشه‌های عقب مانده‌اش وباتمام باورهای ارتجاعی خود، پای دراین حریم بگذارد. اما ازآنجاکه هنوزعقدهٔ حقارت سالیان رایدک می کشیدبافروتنی تمام وطرح شعار"فیضیه، دانشگاه، پیوندتان مبارک" پای پیش می گذارد. اکنون دیگرتمام راهپیمائی هایش به دانشگاه ختم می شودونماز"وحدت آفرین" جمعه نیزدرچمن"مقدس" دانشگاه برگزارمی گردد. به این ترتیب خرده-بورژوازی بیش ازیک گام بافتح کامل سنگر آزادی فاصله ندارد. کافی است که هووی سابق را ازخانه بیرون کندوخودداره حریم این اندرونی راعهده‌دارشودوبه آرزوی دیرینه‌اش دست پیدا کند.

وبالاخره، آخرین مرحلهٔ تهاجم وفتح دانشگاه توسط خرده‌بورژوازی، باطرح حیله "انقلاب فرهنگی" آغازمی شودوبانطق اخیرآیت الله خمینی به نقطهٔ اوج تازه‌ای می رسد. آیت الله خمینی درسخنانش خطاب به روءسای آموزش وپرورش سراسرکشور، درروز دوشنبه دهم تیرماه ۱۳۵۹، یکسره وبدون هیچ استثنائی، گذشتهٔ مبارزاتی دانشگاه‌های ایران رانفی می کندوادامهٔ حیات آنرا موکول به پذیرش خصلت‌های خرده‌بورژوائی می نماید. خلاصهٔ کلام ایشان آنست که دانشگاه بایدتحت سلطهٔ خرده-بورژوازی به قدرت رسیده درآیدوگرنه بهترآنکه بسته بماند. خرده‌بورژوازی به خوبی دریافته است، همانسان که درعرصهٔ تولیدات مادی تنها هنگامی قادربه عرض اندام است که میدان ازرقیب-بورژوازی بزرگ- خالی باشد، درعرصه معنویات نیزتنها زمانی می تواندبه عوامفریبی هایش ادامه دهدکه یکه تازبلامنازع میدان باشد. وبس.ازاینروآیت الله خمینی، بدون هیچ استثنائی، دانشگاه‌های گذشتهٔ این مرزوبوم را"مرکزفسادوفحشا"می خواندو ومی گوید:

"دراین ۵۰ سال، اینهائی که می گویندما دانشگاه‌ها راحفظ کرده‌ایم... بیایند بگویندوببینیم که دراین ۵۰ سال که طاغوت بودوشما همخدمتگذارطاغوت، چه کردید".

وکمی بعد:

"مرکزفحشاست دانشگاه‌ها".

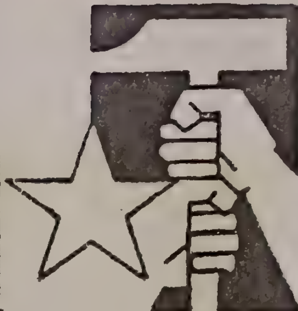
می بینیم که چگونه می خواهندبا به لجن کشیدن گذشتهٔ دانشگاه‌های ایران، مبارزات پرافتخار دانشجوئی سال‌های خفقان استبدادپهلوی رایکسره نفی کنندونشان "پرافتخار" مبارزه ضداستبدادی را بردای روحانیت بیاویزند. امامردم آگاه ایران هرگزازیادنخواهندبردکه چگونه درتمام سال‌های خفقان محمدرضاشاهی این کانون آتشگون ضداستبدادهمواره به مبارزه‌اش ادامه داده است. مردم ما ازیادنبرده‌اندکه چگونه درسراسرسال‌های سیاه گذشته، زندان‌های پهلوی مملوازدانشجویان مبارزوانقلابی بوده است. همان دانشجویانی که اکنون ازجانب آیت الله خمینی متهم به همکاری با رژیم پهلوی می شوندوبرچسب "خودفروختگی" بر آنان می زنند.

اما قدری پائین ترکه می روی، دقیقا متوجه می شوی که ناراحتی خرده بورژوازی سنتی از دانشگاه چه علتی دارد. به اعتقاداین خرده-بورژوازی، دانشگاه "یک ماشین است که ازاین طرف مسلمان رامی اندازندتوی آن، ازآنطرف کمونیست‌ها بیرون می آیند. ازاین طرف موءمن رامی اندازند تویش وازآن طرف غیرموءمن ازکاردرمی آید". آری، خرده‌بورژوازی به عیان می بیندکه جهان-بینی‌اش درمقابله بایک جهان بینی مترقی وعلمی -

بقیه در صفحه بعد

هفته‌نامه

بها ۱۵ ریال

# جنبش کارگری

رفقای هوادار !
در تکثیر و پخش این نشریه
بکوشید


شماره ۲۳ — ارگان سازمان مبارزه برای ایجاد جنبش مستقل کارگری — ۱۸ تیر ۱۳۵۹


## دانشگاه و تهاجم خرده بورژوازی

خرده‌بورژوازی سنتی همانسان که در زمینه تولیدات مادی با تکنیک مدرن دشمنی می ورزد، درزمینه معنویات نیزبا علم‌ودانش، بنا برخصلت واپسگرایش سرستیزوخصومت دارد؛ چراکه هرگونه پیشرفتی درزمینه علوم، درنهایت به پیشرفت تکنیک تولیدمی‌انجامد. به عبارت دیگراگرتکنیک مدرن تولیدات مادی مستقیما حیات اقتصادی آنرا تهدید می کند، علوم ودانش جدیدازیک سوبه‌صورتی غیرمستقیم موجودیت مادی اش را مورد تهدیدقرارمی دهد، وازدیگرسو، به‌صورتی مستقیم پایه‌فرهنگ معنوی واپسگرایش را متزلزل می سازد.

درواقع‌نگاه خرده‌بورژوازی همواره به دورنمای گذشته است ودرسررویای بازگشت به‌دوران "طلائی"ماقبل سرمایه‌داری را می پروراند. ازاینروخرده‌بورژوازی سنتی سر خلاف برادرناتنی‌بزرگترش ـ بورژوازی ـ با اندیشه‌پیشرفت وترقی سخت بیگانه است. دشمنی خرده‌بورژوازی به‌قدرت خزیده‌ایران با دانشگاه وتحصیلکرده‌های دانشگاهی نیز برهمین مبنا استواراست.

این دشمنی مبتنی بردوجزء متضادوبهم پیوسته "شیفتگی همراه‌بااحترام"و"کینه همراه‌باخصومت" است. ازیک سودانشگاه به عنوان‌مرکزاتاعد ـ هرچندضعیف ـ علوم جدید وسنگر ـ هرچندنامحکم ـ آزاداندیشی، همواره‌موردکینه وحسدخرده‌بورژوازی واپسگرا بوده‌است، چراکه‌این عناصرهمواره‌باپای نهادن به‌حریم دانشگاه‌شاهدستی گرفتن باورهای کهنه‌وپیشداوری های ضدعلمی خود


بقیه درصفحه ۲


## درباره مفهوم خلق

جدالی که پس ازجدائی تئوریک مواضع خویش به
جریان های درون سازمان پردازد.

چریک های فدائی خلق ازیک دیگرمیان آنان درگرفته است، دوجریان "اکثریت" و "اقلیت" را ملزم ساخته است تا برای اثبات حقانیت نظرات خودهریک به توضیح بیشتر

آنگونه که ازنوشته های دوجناح می توان برداشت نمود چنین به نظرمی‌رسد که آنان درموردماهیت طبقاتی وترکیب حاکمیت سیاسی کنونی


بقیه درصفحه ۳


## نقش ایدئولوژی خرده بورژوازی سنتی و ضعف ایدئولوژیک جنبش کمونیستی

ویژگان به قدرت خزیدن خرده‌ـ بورژوازی، درتاریخ، همواره حاکم‌شدن سلطهٔ ایدئولوژی است وچنین است که‌جامعهٔ ما، دریکسال ونیم‌گذشته برروی سر قرارمی گیرد.

اگربه‌قدرت رسیدن خرده‌بورژوازی دراروپا و

رخدادی سیاسی نازیسم و فاشیزم، درشرایطی صورت گرفت که‌همزمان باظهور وتعمیق بحران سرمایه‌داری و تشدیدمبارزات طبقاتی پرولتاریای متشکل، برای بورژوازی راهی جزتقبل سلطه


بقیه درصفحه ۵


## "نامردمان فلاخن توطئه را می چرخانند"

یکی ازویژگی‌های‌اساسی هیئت حاکمه‌جمهوری اسلامی ایران مبارزه‌ای است که میان جناح‌های متشکل و موءتلف درحاکمیت سیاسی از همان ابتدای قیام ۲۲بهمن دراشکال گوناگون وبه‌ابعاد متفاوت برسرتصاحب انحصاری

قدرت سیاسی روی می دهد.

جناح خرده‌بورژوازی سنتی ـ "مذهبی"که هنوزاز پایگاه‌اجتماعی نسبتا گسترده‌ای برخورداراست، اصولا چشم دیدن هیچ رقیب همطرازی رادر


بقیه درصفحه ۸


**مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا**

در آبان ماه ۱۳۵۷ به عنوان اعتراض به حکومت نظامی ، و کشتار مردم بیدفاع « هفته همبستگی ملی» اعلام کرد . دانشگاهیان خواستار لغو حکومت نظامی ، آزادی زندانیان سیاسی ، بازگشت تبعیدشدگان و انحلال ساواك شدند . هفته همبستگی ملی با همکری وسیع دانشجویان و شرکت گروههای وسیع مردم در دانشگاهها برگزار گردید . صدها هزار نفر درر دانشگاهها اجتماع کردند و خواستار سرنگونی رژیم دست‌نشانده شاه و قطع دست امپریالیسم شدند . در آستانه هفته همبستگی ملی دانشگاههای ملی و تهران توسط رژیم تعطیل شد . این اقدام رژیم با واکنش شدید دانشجویان و استادان وگروههای مردم مواجه گردید و گروهی از استادان در دانشگاهها متحصن شدند . سازمان ملی دانشگاهیان در این هفته سخنرانی های بسیاری در سراسر کشور برپا کرد . در جریان این سخنرانی‌ها باقر پرهام ، فریدون تنکابنی و جلال گنجه‌ای از نویسندگان ایران که به دعوت این سازمان قرار بود در دانشگاه جندی‌شاپور سخنرانی کنند، در اهواز دستگیر شدند . در یکی از بیانیه های این سازمان گفته شده است که « دولت با پول نفت گلوله به مردم پرتاب می‌کند .»

## مبارزه در خیابان

با اوج‌گیری مبارزات ضد امپریالیستی خلق های ایران ، مبارزات دانشجوئی بیش از پیش گسترش یافت . دانشجویان به خیابانها آمدند و مردم را به مبارزه دعوت کردند ، در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ تظاهرات دانشجویان و دانش‌آموزان در جلو دانشگاه تهران به خون کشیده شد و عده زیادی از دانشجویان کشته شدند .

آمار کشته شدگان این واقعه متفاوت‌است، برخی تعداد کشته‌ها را تا ٦٥ نفر اعلام کرده‌اند. بیمارستانها نیز برای جلوگیری از تشییع جنازه شهدا در محاصره ارتش قرار گرفت . دانشگاهها تعطیل شد و تظاهرات در خیابانها ادامه یافت .

عده‌ای از اعضای سازمان ملی دانشگاهیان ایران به عنوان اعتراض به تعطیل دانشگاهها در دبیرخانه دانشگاه تهران و وزارت علوم و آموزش عالی متحصن شدند . تحصن استادان در وزارت علوم با حمله و تیراندازی ماموران ارتش و شهادت مهندس کامران نجات‌الهی ( استاد دانشگاه پلی‌تکنیك) به خون کشیده شد . پس از کشته شدن استاد نجات‌الهی ماموران نظامی نیمه شب به محل تحصن استادان حمله کردند و ضمن ضرب و جرح استادان و فحاشی و بی‌حرمتی به استادان «زن»آنان را به‌زندان انتقال دادند. در تمامی ایران به خاطر شهادت استاد نجات‌الهی و تجاوز به حریم‌آزادی و بی‌حرمتی به‌دانشگاهیان تظاهرات وسیع صورت گرفت . هنگام تشییع جنازه این استاد که دهها هزار نفر در آن‌شرکت کردند ، در چند متری میدان انقلاب (۲٤ اسفند سابق) ماموران ارتشی به روی مردم آتش‌گشودند و دهها نفر را به شهادت رساندند .

سازمان ملی دانشگاهیان ایران به عنوان اعتراض به تعطیل و بسته شدن دانشگاهها توسط رژیم ، در نیمه دوم دی‌ماه «هفته بازگشائی دانشگاهها» اعلام کرد . دانشجویان‌و دانشگاهیان در این هفته با کمك و پشتیبانی کامل مردم، دانشگاهها را گشودند . در بیست و سوم دیماه ۱۳۵۷ بیش از ۵۰۰ هزار نفر از گروههای‌مختلف مردم دانشگاه تهران را گشودند . شعار «دانشگاه سنگر آزادی است» تمامی ایران را پر کرد بازگشائی دانشگاهها حاصل خون جوانان به‌خون خفته خلق بود . دانشگاهیان در این هفته بار دیگر خواستار خروج مستشاران خارجی ، انحلال گارد و ساواك ، لغو حکومت نظامی ، بازگشت حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی و آزادی زندانیان سیاسی شدند . پس از فرار شاه مخلوع از ایران دانشگاه بیش از پیش به مرکز آموزشهای‌سیاسی و نظامی گروههای مختلف مردم تبدیل شد . دانشجویان در بحث های سیاسی شرکت کردند و در خیابانهای دانشگاه به فروختن روزنامه‌ها ، نشریات و کتابهای سیاسی پرداختند .

## گروههای دانشجوئی

در فاصله ۳٦ دیماه تا سقوط رژیم‌دیکتاتوری در تاریخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷ دانشجویان به طور چشمگیر در مبارزه شرکت کردند . به دنبال سقوط رژیم دانشگاهها و بویژه دانشگاه تهران به مرکز آموزشهای نظامی مردم برای مقابله با حملات احتمالی بازماندگان رژیم تبدیل شد .

دانشگاهها به سنگر اصلی نیرو های‌مردمی بدل شدند . تانکها و خودروهای به غنیمت‌گرفته شده در خیابانهای دانشگاه تهران به حرکت درآمد . سنگرهای پاسداری ساخته شد. دانشجویان در تمامی لحظات شبانه‌روز به پاسداری‌ایستادند. سازمانهای رزمنده در دانشگاه به آموزش نظامی پرداختند ، دانشگاه به راستی چهره دیگری یافته بود . بی‌تردید تبدیل دانشگاه تهران به سنگر اصلی مبارزه مردم برعلیه امپریالیسم و ارتجاع و دیکتاتوری ، براثر حرمتی بود که مردم برای مبارزات دانشجوئی و شهدای دانشگاه در سالهای سیاه دیکتاتوری قایل بودند . مردم با تبدیل دانشگاه تهران به سنگر اصلی مبارزه برپیشاهنگی دانشگاهیان و بویژه دانشجویان در مبارزه ضد دیکتاتوری تاکید کردند . دانشگاه تهران در طول حیات پربار خود ، به راستی هیچگاه تا به این اندازه حرمت ندیده بود و هیچگاه تا به این اندازه به مرکز برای آموزشهای انسانی ر پالایش فکر و اندیشه انسان تبدیل نشده بود .

به دنبال سقوط رژیم دیکتاتوری و استقرار گروه حاکمه جدید و بروز تضاد های این‌گروه با خواستهای کارگران و زحمتکشان ، دانشجویان با توجه به خاستگاه طبقاتی و وابستگی‌هایشان‌به این یا آن طبقه ، و برخورداری از ایدئولوژی های مختلف ، به گروههائی تقسیم شدند ، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، گروه دانشجویان پیشگام را تشکیل دادند ، طرفداران سازمان مجاهدین خلق ، دانشجویان مسلمان‌و طرفداران‌حزب‌توده دانشجویان‌دموکرات و وابستگان به جناح معروف به «خط سوم»گروه دانشجویان مبارز را بوجود آوردند . در کنار این گروهها ، یك گروه دانشجوئی دیگربوسیله برخی از جناحهای رهبری تشکیل شد که به‌طور آشکار با آزادیهای دموکراتیك که حداقل حاصل انقلاب می‌توانست باشد ، به مقابله برخاستند .

این گروه در زیر لوای اسلام از حدآزادی های خود پا فراتر نهاد و به تجاوز آشکار به حریم آزادی گروههای دیگر پرداخت . این‌گروه در پی‌فعالیت‌های ضد دموکراتیکی که انجام داد، بعدها به گروه دانشجویان«فالانژ» معروف‌گردید.

سازمانها و گروههای دانشجوئی اکنون با انتشار جزوه ، نشریه و کتابهای مورد نظرخویش به تبلیغ مشی و اعتقادات خود می‌پردازند ، کنفرانسهای مختلف ، جلسات بحث و گفتگو و میتینگ و تظاهرات تشکیل میدهند ، اکنون دانشگاهها به محیط زنده‌ای بدل شده است که یك لحظه از حرکت‌بازنمی‌ایستد و آرام‌نمیگیرد.

دانشجویان به دلیل آگاهیهای اجتماعی و شناخت عمیقی که به ماهیت طبقات و دولت های وابسته به آنها دارند ، اکنون نیز بی‌تردید بزرگترین نیروی جلوگیرنده هجوم‌مجدد ارتجاع و دیکتاتوری انحصارطلب به ایران ستم‌کشیده هستند . مبارزات دانشجوئی امروز هم گسترش یافته است و هم جدی‌تر شده است . اختلافات و تضادهای گروههای دانشجوئی که نتیجه تکامل حرکت های مبارزاتی است آشکارتر شده است . بی‌تردید حاصل مبارزات دانشجوئی که اکنون با مبارزات گروههای گوناگون مردم و بویژه کارگران و زحمتکشان بیش از پیش پیوندخورده است ، هر روز ارزشمندتر و غنی‌تر خواهد بود و در آینده ایران تاثیر بسزائی خواهد داشت .

پایان

محمد غلامی، منوچهر (داوود) میرزائی و محمد عینی به شهادت رسیدند . تظاهرات دانشگاه تبریز ، تبریز و حتی تهران را در برگرفت . بازار تهران به همین علت تعطیل شد و درسایر دانشگاهها ، تظاهرات خشونت‌آمیزی انجام گرفت . رئیس دانشگاه تبریز استعفا کرد و روسای دانشگاهها به همین علت در تهران‌اجتماع کردند ، اما پس از مذاکرات بسیار سرانجام بر دژخیمی رژیم و کشتار دانشجویان صحه گذاشتند . تقریبا در همین‌زمان یکی ازدانشجویان ساواکی دانشکده کشاورزی کرج موردحمله‌قرار گرفت و شدیدا مجروح شد و چند روز بعد در نتیجه انفجاری که در دانشگاه فردوسی روی‌داد یك نفر کشته شد .

## استادان همراه دانشجویان

اکنون دیگر استادان نیز به مبارزه علنی با رژیم شاه برخاسته بودند . با صدور بیانیه و شرکت در تظاهرات کشتار وحشیانه دانشجویان را محکوم می‌کردند . استادان دانشگاه صنعتی تهران به دنبال تصمیم رژیم‌مبنی‌برانتقال دانشگاه صنعتی تهران به اصفهان و در واقع انحلال‌یکی از بزرگترین مراکز فعالیتهای ضد دیکتاتوری شاه ، خواستار ادامه فعالیت این دانشگاه در تهران شدند . دانشجویان از خواست استادان حمایت کردند . هیات های علمی بیش از ۳۰ دانشگاه و موسسه آموزش عالی به حمایت از استادان دانشگاه صنعتی برخاستند . رژیم حقوق استادان را قطع کرد ، اما مردم یاری کردند. رژیم که با مخالفت شدید استادان ، دانشجویان، هیات های علمی و نیرو های مترقی و آزادیخواه جامعه روبرو شده بود ، تصمیم خود را تغییر داد و جمشید آموزگار نخست‌وزیر وقت اعلاه کرد دانشگاه صنعتی منحل نخواهد شد ، اما ازین پس در این دانشگاه دوره‌های بالاتر از لیسانس دایر خواهد گردید . استادان با این تصمیم هم مخالفت کردند و به اعتصاب وتعطیل کلاس‌ها ادامه دادند . پس از بی‌نتیجه ماندن مذاکرات ، استادان دست به اقدامات دیگری زدند . شورای منتخب دانشگاه بدون موافقت دولت اقدام به پذیرش دانشجو کرد . مبارزات استادان دانشگاه صنعتی به دنبال تلاش‌پیگیرشان و همچنین به دلیل گستردگی مبارزات ضد شاه در خارج از دانشگاه و شرایط ناآرام کشور پیروز شد و رژیم پس از ماهها مقاومت ، در برابر خواست برحق استادان برای آنکه ازشدت ناآرامی‌ها در داخل و خارج دانشگاهها بکاهد، با ادامه فعالیت این دانشگاه موافقت کرد .

بررسی وقایع ماههای اول سال ۱۳۵۷ نشانگر رشد سریع جنبش های دانشجوئی و نزدیکی آن با مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران است. در مرداد ماه همین سال ۲٤ دانشجو ، دانش‌آموز و کارگر در ساری دستگیر ، زندانی و محاکمه شدند که پس از ۸ روز محاکمه آزاد شدند . یازده دانشجو در اردبیل دستگیر و محاکمه‌شدند. ۱۲۰ نفر در لاهیجان به اتهام واهی اخلال در نظم دستگیر و محاکمه شدند . با بالا گرفتن دامنه مبارزات ضد امپریالیستی‌دانشجویان ، رژیم بازهم عقب‌نشینی‌های آشکاری از خود نشان داد . دانشجویان پس از محاکمه آزاد می‌شدند و یا حداکثر به پرداخت جزای نقدی و یا گاهی چند ماه حداکثر چند سال زندان محکوم‌می‌شدند.



## نزدیکی به مردم

مبارزات دانشجوئی در سال ۱۳۵۷ هر روز به مردم نزدیکتر شد. در اواخر مرداد پس از آتش‌سوزی جانگداز سینما رکس آبادان وشهادت بیش از ۵۰۰ نفر از مردم آبادان ، دانشجویان هرچه بیشتر به افشای ماهیت ضد خلقی رژیم پرداختند ، در شهریور ماه پس از زلزله خانمان‌برانداز طبس که بیش از پانزده‌هزار کشته‌برجای گذاشت و این شهر را با خاك یکسان کرد ، دانشجویان یکی از عمده‌ترین نیرو های یاری رسانند به بازماندگان‌این شهر مصیبت‌زده‌بودند دانشجویان (با کمك استادان مبارز) ضمن‌تشکیل یك ستاد مرکزی در دانشگاه صنعتی وجمع‌آوری وسایل اولیه زندگی ، آذوقه ، دارو و ارسال آنها به طبس ، پیوند استوار و ناگسستنی خود را با مردم ستمدیده ایران نشان دادند . قابل توجه است که رژیم دست‌نشانده شاه به علت درگیری های شدید با مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران ، کمك درخور توجهی به زلزله‌زدگان نکرد . (رژیم شاه یك هفته پیش از زلزله طبس به کشتار چند هزار نفری مردم در میدان شهدا دست زده بود). مردم طبس که دژخیمی شاه و ارتش مزدورش را در اقصی نقاط کشورر می‌دیدند و می‌شنیدند ، دانشجویان و گروههای مردمی را تنها حامی واقعی خویش می‌یافتند . شرکت دانشجریان در این وظیفه‌ملی بقدری وسیع بود که حتی رادیو و تلویزیون وابسته به رژیم ناچار به اعتراف شد و شرکت وسیع دانشجویان در یاری به مردم را تائیدکرد.

در آغاز سال تحصیلی ۵۸ ــ ۱۳۵۷ ، سیاست در دانشگاهها پیشاپیش همه چیز قرار داشت . کلاسها در هیچ یك از دانشگاهها تشکیل نشد . دانشجویان در تظاهرات گسترده فریاد می‌زدند، «اول آزادی بعد درس و کلاس» ، مبارزات دانشجوئی با مبارزات استادان بیشتر پیوندخورد و استادان نیز از حضور در کلاس و تدریس خودداری کردند . اجتماع و تظاهرات‌دانشجوئی اکنون دیگر کاملا آزاد شده بود . دکتر عبدالعلی شیبانی رئیس وقت دانشگاه تهران در یك‌مصاحبه اعلام کرد که تظاهرات و اجتماعات دانشگاهی‌در چارچوب قانون اساسی‌باید آزاد باشد. دانشگاهها اکنون تنها محل اجتماع دانشجویان نبود ، گروه های مختلف مردم مانند سیل خروشان به‌دانشگاهها سرازیر می‌شدند و خواستهای سیاسی و اجتماعی خود را اعلام می‌کردند .

با اوج گرفتن مبارزات ضد امپریالیستی‌در مهرماه ۱۳۵۷ سازمان ملی دانشگاهیان ایران با اعتقاد به آزادی دانشگاهی ، دموکراسی نظام دانشگاهی ، استقلال نظام دانشگاهی ، تامین اجتماعی جامعه دانشگاهیان ، با عضویت بیش از هزار تن از استادان و اعضای هیات های علمی دانشگاههای کشور اعلام موجودیت کرد . در سالهای پیش ( سالهای ۵۰ تا ۵۳ ) نیز یك سازمان فرمایشی و مدافع حقوق رژیم به نام سازمان دانشگاهیان‌وجود داشت که‌درصورت لزوم باتشکیل اجتماع‌در دانشگاهها اقدامات ضدخلقی رژیم را تائید می‌کرد. اماسازمان ملی‌دانشگاهیان مشخصا هدفهای ضد امپریالیستی داشت . این سازمان در اولین ماههای تاسیس فعالیت های چشمگیری از خود نشان داد .

برپا کردند . حمله به بانکها، کیوسک های پلیس ، دانشجویان و استادان ساواکی اکنون دیگر به یك واقعه هر روزه تبدیل شده بود.

سال ۱۳۵٦ لبه تیز مبارزات دانشجوئی متوجه امریکا بود . در این سال دانشجویان از هر فرصتی برای ابراز تنفر شدید نسبت به امریکا و رژیم دست‌نشانده ایران استفاده کردند .

## تظاهرات ضد آمریکائی

روز عاشورا هزاران دانشجو در تهران و شهرستانها در تظاهرات ضد امریکائی و ضدرژیم فریاد مرگ برشاه و مرگ بر امریکا سردادند . رژیم دهها دانشجو را دستگیر و روانه زندانها کرد . دهها دانشجوی دانشگاههای تهران ، تبریز و دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی ( که با نیات خاص و برای گسترش فرهنگ و سیاست رستاخیزی تاسیس شده بود) دستگیر و زندانی و محاکمه شدند .

گسترش مبارزات دانشجوئی بار دیگر رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرد . از این پس محاکمات در دادگاههای علنی و با حضور وشرکت وکلای مدافع واقعی (نه تسخیری و فرمایشی) انجام می‌شد . وکلای مدافع دانشجویانی که در اسفند ماه ۱۳۵٦ در ساری محاکمه شدند ، به راستی از دانشجویان جانانه دفاع کردند . یکی ازوکلای دانشجویانی که به جرم شرکت در تظاهرات دستگیر شده بودند ، در دادگاه گفت : «من نمیدانم در کجای قانون اساسی نوشته‌اند که‌اگر کسی خواستش را بیان کرد مجرم است ، آنهم در کشوری که متن اعلامیه حقوق بشر را قبول دارد » پیش از این‌تاریخ بهیچوجه چنین‌سخنانی در دادگاهها گفته نمی‌شد . دفاع واقعی از به اصطلاح متهمان نه تنها در کار نبود ، بلکه عموم زندانیان سیاسی در بیدادگاههای در بسته‌نظامی محاکمه و محکوم می‌شدند . شرایط جدیدی که در نتیجه حدت تضادهای خلق و امپریالیسم ، نارضائی شدید مردم از رژیم و رشد و گسترش مبارزات دانشجوئی بوجود آمده بود ، موجب گردید که بسیاری از دانشجویان دستگیر شده آزاد گردند .

در آغاز سال ۱۳۵۷ جنبش های دانشجوئی کاملا به حرکت های سیاسی تبدیل شد . خشونت و درگیری در داخل و خارج دانشگاهها هر روز افزایش یافت . در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ اکثریت قریب به اتفاق دانشگاهها تعطیل گردید . زد و خورد میان دانشجویان مخالف و موافق تشکیل کلاسها گسترش یافت .

در فروردین ماه همین سال دانشجویان دانشگاه صنعتی یکی از نگهبانان (گارد) را از طبقه دوم ساختمان آویختند .

در اردیبهشت ماه ، دکتر عزت‌اله‌نگهبان، رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران که با دانشجویان رفتار بسیار بدی داشت در نخستین ساعات صبح ، مورد حمله چند ناشناس قرار گرفت و مجروح شد . تقریبا در همین هنگام زد و خوردهای مشابهی در مراکز آموزش عالی ساری و بابل اتفاق افتاد . تظاهرات وسیع دانشجویان و دخالت گارد و سپس ارتش در دانشگاه تبریز این دانشگاه را به صحنه جنگ مبدل ساخت . در نتیجه دخالت ارتش دهها دانشجو کشته و مجروح‌شدند و از جمله‌دانشجویان



تهران مصور ۱۸ خرداد ۱۳۵۸ ش ۲۰ سال ۳۷

دانشجویان پـرچمـداران
مبارزه بـا دیکتاتوری شاه ــ قسمت دوم

# استادان مبارز به‌دانشجویان پیوستند

مبارزات ضد امپریالستی و ضد دیکتاتوری دانشجویان در سالهای ۵۷ ــ ۱۳۵٦ در ایران ، نسبت به سالهای گذشته ، بازهم ابعادگسترده‌تری یافت .

در این سالها مبارزات دانشجوئی ، بـا مبارزات توده‌های ستمدیده ایران بیش از پیش پیوند خورد و هماهنگی یافت .

اکنون دیگر تظاهـرات و جنبش هـای دانشجوئی به‌دانشگاهها محدود نمی‌شد. خیابانها، کارخانه‌ها و مکانهای زلزله‌زده و دورافتاده‌ترین روستاها عـرصه فعالیت هـای آزادیخواهانـه دانشجویان شده بود .

در آغاز سال ۱۳۵٦ تقریبا تمامی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور به علت تظاهرات ضد امریکائی ، ضد اسرائیلی ، ضد دیکتاتوری شاه و خفقان و جو پلیسی حاکم تعطیل شد .

در مهرماه دانشجویان دانشگاههای تهـران و صنعتی ، تظاهرات وسیعی در خیابانها برپـا کردند . در آذر ماه همین سال هنگامی کـه ورزشکاران کشورهای مختلف برای شرکت در مسابقات کشتی به ایران آمده بودند ، تظاهرات وسیعی بر علیه امریکا توسط دانشجویان برپـا گردید . بیش از هفتاد تن از ورزشکاران‌ایرانی که عمدتاً از دانشجویان دانشکده ورزش نیـز بودند در ورزشگاه بزرگ تهران و در حضور ورزشکاران سایر کشورها ، تظاهراتی بر علیـه امریکا برپا کردند که شدیدا موجب نگرانـی دولت گردید . پس از تعطیل پی‌درپی کلاسهـای آموزشی دانشگاهها و مدارس عالی ، رژیـم دیکتاتوری‌شاه ، ضمن اخراج دانشجویان، گسیل آنان به سربازخانه‌ها ، زندان و اعمال شکنجـه، به شیوه های دیگری نیز برای آرام نگاه‌داشتن دانشگاهها دست زد .

رژیم که با شیوه‌های گذشته موفق به‌کنترل اوضاع نشده بود اکنون به اصطلاح «جنبـش بازنگاه داشتن کلاسهای درسی» را عنوان کرد . مدیران دانشگاهها از پدران و مادران‌دانشجویان دعوت میکردند که در دانشگاهها حضور یابند و سپس با ایجاد وحشت و ارعاب به آنها توصیه می‌کردند که موقعیت فرزندانشان در خطر است، مراقب فرزندان خویش باشند و آنها را به‌شرکت در کلاس تشویق کنند . سپس سخنرانی هـای غرائی در دانشگاهها براه انداختند ، مقالات بسیاری در روزنامه‌ها نوشتند که دانشگاه محل آموزش است نه سیاست . آنها از پـدران و مادران و عموم مردم می‌خواستند که «نگذارند عده‌ای (بی‌سروپا) که نام «دانشجو» بر خـود نهاده‌اند ، عرصه را بردیگران تنگ کنند !» همزمان با دعوت از پدران و مادران ، رژیم شاه عده‌ای از به اصطلاح دانشجویان را نیز زیر نام «سازمـان دانشجویـان» کـه از سازمانهـای «رستاخیزی» بود ، به توطئه و ایجاد وحشت و تفرقه در میان دانشجویان واداشت . این بـه اصطلاح دانشجویان در پناه حمایت بـی‌دریـغ ساواک و گارد دانشگاه به دانشجویان آزادیخواه حمله می‌کردند . آنان با استفاده از رادیـو و تلویزیون و مطبوعات به تبلیغات وسیعی برعلیه نیروهای مترقی دست‌زدند. اما تلاشهای مذبوحانه رژیم ثمری جز تشدید فعالیت‌ها و حرکـات ضد امپریالیـستی دانشجوئی نداشت . در دی مـاه ۱۳۵٦ دانشجویان به چاپخانه فرانکلیـن کـه امریکائی بود ، حمله بردند. دانشجویان دانشگاه تهران تظاهرات وسیعی برعلیه سادات، اسرائیل و امریکا و در حمایت از خلق ستمدیده فلسطین



**تظاهـرات ۷۰ دانشجوی ورزشکار دولت را نگران کرد**

**در اسفند ٥٦ رژیم در برابر دانشجویان‌عقب‌نشینی کـرد و دانشجویان دستگیر شده در دادگاه واقعی محاکمه شدند .**

**در فروردین ٥۷ دانشجویان دانشگاه صنعتی یکی از افراد گارد را از طبقه‌دوم ساختمان آویختند .**

## میاندوآب :
### مدرسه راهنمایی کوروش کبیر سابق

دانش‌آموزان این مدرسه در تاریخ ۵۸/۹/۱۹ (کلاس سوم) پیش مدیر مدرسه (داداشی) میروند تا خواسته هایشان را عنوان کرده و خواستار رسیدگی شوند. (ازجمله خواسته هایشان : نداشتن وسایل ورزشی ونیز میز و نیمکت برای نشستن وغیره .)
ولی این حرف دانش‌آموزان به مزاج آقای رئیس خوش نیامده و با شیشه یکی از دانش‌آموزان را مجروح می کند که منجر به بیهوشی دانش‌آموز می شود .
بچه ها دوستشان را به بیمارستان منتقل نموده و با صفوف منظم به طرف آموزش وپرورش راهپیمائی می کنند وشعارهای زیر را می دهند :
"هامی گرگ بیراولا ، داداشی نابود اولا"
"جنگیدیم ، جنگیدیم ، خون دادیم ، اما هنوز رسیدیم"
"فرهنگ استعماری نابود باید گردد ."
ولی چون اداره آموزش و پرورش تعطیل شده بود به مدرسه برگشته و شورای دانش‌آموزی را تشکیل میدهند وخواسته هایشان را ازطرف شورا به مقامات مسئول می دهند :
۱- داداشی (رئیس مدرسه) اخراج باید گردد .
۲- به وضع نابسامان مدرسه رسیدگی شود .
۳- کتابخانه درمدرسه ایجاد باید گردد .
٤- فعالیت سیاسی آزاد باید گردد .

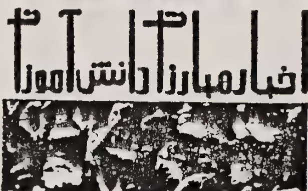
شورای دانش‌آموزان
مدرسه راهنمائی کورش کبیر سابق

## میاندوآب :

دانش‌آموزان خدمات درروز ۵۸/۹/۱ برای پشتیبانی ازخواسته های دانش‌آموزان فاطمه امینی درداخل مدرسه راهپیمائی کرده و شعارمی دادند "انسان پاشا ، آزاد پاشا ، آزاد پاشا" ، "دانش‌آموز می رزمد ، ارتجاع می لرزد" ، "فعالیت سیاسی آزاد باید گردد" ، "شهریه مدارس الغا باید گردد" وغیره...
دراین میان عده ای از دانش‌آموزان فالانژ با دادن شعار حزب فقط حزب الله ، رهبر فقط روح اله سعی درپراکنده شدن دانش‌آموزان می نمودند که موفق نشدند . بعد قطعنامه دانش‌آموزان فاطمه امینی راخواندند و تاکید کردند ومتذکر شدند اگر به خواسته های دانش‌آموزان فاطمه امینی رسیدگی نشود باهم متحصن خواهیم شد و ازرفتن به کلاسها خودداری کردند .
پاسداران که آنجا آمده بودند به دانش‌آموزان می‌گفتند که شماها آمریکائی هستید ، این راهپیمائی توطئه آمریکا وضد انقلاب است وشعار حزب فقط حزب الله ، رهبر فقط روح اله رامی دادند . وچون به خواسته های این مدرسه رسیدگی نکرده بودند تاروز ۵۸/۱۰/٦ به اداره آموزش و پرورش وقت داده بودند وخواسته های اینها عین خواسته های دانش‌آموزان فاطمه امینی بود وضمناً پشتیبانی خود را ازتمام دانش‌آموزان سراسرایران اعلام کردند واز روز ۵۸/۱۰/۹ درمدرسه اعتصاب نشسته پرداخته اند .



اخبار مبارزات دانش آموزان



## نور- نبشه ده :

در تاریخ ۵۸/۸/٤ دانش‌آموزان دبیرستان راهنمائی روستای نبشه ده ازتوابع شهرستان نوربه عنوان اعتراض نسبت به اخراج یکی ازمعلمان از رفتن به کلاس خودداری کردند ، اعتقاد خود دانش‌آموزان آقای حسنی (معلم اخراجی) معلم خوبی بوده و ازلحاظ درس دادن وعنوان کردن مسائل روز درکلاس وبحث پیرامون آن بابچه ها وهمچنین ازلحاظ روابط با دانش‌آموزان دارای خصائل خوبی میباشد ، امامعلمی راکه بجای آن میخواستند بگذارند نه تنها در درس دادن ماهرنبود بلکه با دانش‌آموزان روابط خوبی هم نداشت وبه این دلیل دانش‌آموزان برای مدت یک روز ازرفتن به کلاس خودداری کردند . دانش‌آموزان برای اینکه کارهایشان بابرنامه باشد ، ازبین خودشان چند نفررا به عنوان نماینده انتخاب کردند وبه آموزش وپرورش مربوطه (بخش چمستان) فرستادند تااعتراض همگی را به گوش آقای رئیس برسانند ولی بارفت وآمدهای زیاد چیزی اهمیت جلوه دادن حساب رئیس بچه ها به این نتیجه رسیدند که این کارها هیچگونه دردی راحل نخواهد کرد ومبارزه درداخل دبیرستان شروع کردند . دراین مدت دانش‌آموزان درگیریهای زیادی بارئیس دبیرستان که میخواست بین دانش‌آموزان تفرقه بوجود آورده و نیروها را ازهم پراکنده سازد تابتواند بچه ها راازاین طریق به کلاس بکشاند داشتند . رئیس مدرسه به اسم آقای علی اکبر خوشبین باکشاندن پدران دانش‌آموزان به محیط مدرسه و تبلیغ سوء نسبت به بچه ها و معلم اخراجی پدران دانش‌آموز رابه مخالفت بابچه های دبیرستان تحریک کرده وتوانست عده زیادی ازدانش‌آموزان رابه سرکلاس (باتهدید ازجانب پدرانشان) بکشاند درنتیجه دانش‌آموزان باازدست دادن نیروی زیادی نتوانستند به مقاومت خود ادامه داده و همگی بجز یک نفربه سرکلاس رفتند . این یک نفرهم تصمیم دارد که سرکلاس معلم مذکورحاضر شود وخودش درس آنراخوانده و امتحان بدهد . اکنون تاریخ ۸/۲۳/ ۸/ دانش‌آموزان بابرخورد خشکی ازجانب معلم جدید دبیرستان راضی نبوده وبه اعتراض پراکنده خودشان ...

ادامه می دهند - البته باشدت قبلی نیست . اما درعمل درخواهند یافت که تنها بااتحاد است که خواستهای خود دست می یابند وباید به تفرقه پراکندگی خود که نقطه ضعف بزرگ آنان دراین مبارزه بوده پایان دهند وهمچنین بانیروی بیشترتبلیغات واعمال فریبکارانه مسئولان راافشاکنند ومردم رابه پشتیبانی ازخواستهایشان بکشانند .

## دیگر مقالات ، خبرها و گزارشهای رسیده :

- ازنورابادممسنی (مدرسه راهنمائی پسرانه ودخترانه قلعه کهنه) .
- نقدی براساسنامه آموزش و پرورش .
- پاسخ به طبقه کارگر هشداری دهیم "روزنامه مردم"
- معرفی لیتنا ازبرنامه گذا
- گزارشی ازدبیرستان حوزه بازرگان (کورش کبیر سابق)
- قطعنامه دانش‌آموزان اقتصاد اجتماعی تبریز .
- قطعنامه شورای موقت فرهنگیان بندرعباس .
- دوخبراز "پیشاهنگ"
- گزارش مربوط به تصرف خانه های شادشهر .
- خبری ازدبیرستان دخترانه شهرزاد درمورد بخشنامه جلوگیری ازفعالیت سیاسی .
- خبرتظاهرات و قطعنامه دانش‌آموزان کلاسهای چهارم اقتصاد دبیرستان فاطمه امینی (آزرم سابق) میاندوآب .
- خبری از محله سیزدهم آبان درمورد تظاهرات دانش آموزان مدرسه راهنمائی
- خبری ازمبارزات دانش‌آموزان بلکان .
- خبری ازدانش‌آموزان دبیرستان دکترعلی شریعتی قزوین .
- خبری از دبیرستان خاقانی
- خبری ازسقز درمورد تظاهراتی علیه قاتلا ن بهروز - بهروزنیا .
- خبری از میاندوآب درمورد مبارزات دانش‌آموزان .
- قطعنامه دانش‌آموزان کلاس چهارم دبیرستان شهید فروغی .
- اعلامیه گروهی ازدانش‌آموزان کلاسهای چهارم دبیرستان دکترشریعتی درمورد تحصنشان دردفتر مدرسه که دارای خواستهای صنفی است .
- خبروقطعنامه مربوط به گردهمایی دانش‌آموزان سال چهارم خدمات میاندوآب .
- خبرهای مربوط به مدرسه دکترشریعتی قزوین .
- مقاله مبارزه ضدامپریالیستی یعنی چه .
- مقاله رویزیونیسم چیست ؟
- خبرمربوط به مدرسه آزادگان

■ درشماره‌های بعد ، از بعضی از مقالاتی که توسط دوستان ورفقا برایمان فرستاده‌شده ، استفاده می‌کنیم.

○○

# نان ، مسکن ، آزادی

تکثیراز: اتحادیه دانشجویان ایرانی درآمریکا

بریز بگذارید مردم ( ! ) آتش بزنند ، تا آنجاکه ما اطلاع ( ؟ ) داریم تا آنجا را آتش نزنند دست بردار نیستند . اصلاً تعجب خود این دروغ در رمزنی . مردم ( ! ) کتابفروشی نمی خواهند .

گردانندگان تظاهرات مردم را بطرف کتابفروشی کشانده و شعارها را عوض میکنند که درمیان مردم اعتراض شروع میشود و اکثراً کنده میگردند . آنگاه افراد شناخته شده ای کتابفروشی را به آتش میکشند . در این جریان مردمی که به تظاهرات آمده بودند ، شروع بخاموش کردن کتابفروشی می کنند .

سپس دست اندرکاران ، تظاهرات را بطرف مدرسه دخترانه فاطمه امینی ( آزرم ) میکشانند . . دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه قصد مقاومت در برابر این اعمال فاشیستی را داشتند . . و با چوبهای آماده منتظر بر این ازقالا تزها بودند ولی باد و خواست تعدادی از معلمین و تیراندازی سپاه پاسداران متفرق شده و کتابخانه مدرسه بوسیله قالا تزها به آتش کشیده میشود .

چنین حمله وحشیانه ای به مدرسه دخترانه و آتش زدن کتابخانه ها چه چیزی را نشان میدهد ؟ این جریان ماسک در وجین ادعای مبارزه ضد امپریالیستی را از چهره آنها برمیدارد . مردم شدیداً از این حمله ابراز تنفر کرده آنرا محکوم میکنند . در جریان حمله به کتابفروشی کودکان خردسال فریاد میزدند قالا تزها آمدند ، وحشی ها حمله کردند . . . گروههای مختلف مردم این اعمال فاشیستی و آزادی کشی را محکوم میکردند ومیگفتند ارتجاع میتواند کتابها را نیست و نابود کند ولی هیچوقت نمیتواند مغزها را نابود کرده جلو رشد آگاهی را بگیرد .

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی حامی آن !

پیروز باد مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران !

گروهی از دانش‌آموزان میاندوآب

۵۸/۱۰/۱۵

## سربند :

پس از دستگیری ۳ تن از معلمان ماهشهر ، روز دو — شنبه سوم دی عده ای از دانش‌آموزان دختر دبیرستان ابوذرغفاری دست به اعتصاب و تحصن زدند و در سالن مدرسه با شعارهای " درود بر معلم مبارز " " معلم مبارز آزاد باید گردد " ، " دبیر انقلابی در زندان است " ، " معلم ساواکی آزاد است " و . . . تنفر خود را از دستگیری ۳ تن از معلمان مبارز و ماهشهر نشان میدادند .

روز سه شنبه چهارم دی نیز دانش‌آموزان به اعتصاب ادامه داده و قطعنامه خود را قرائت کردند . در این قطعنامه ، آزادی تمام زندانیان سیاسی منجمله جعفری ، حافظی و برات زاده ، آزادی فعالیت سیاسی در مدارس ، اخراج عناصر وابسته به رژیم سابق و از بین بردن هرگونه توطئه مغرضانه نسبت به نیروهای مبارز و انقلابی در محیط آموزش درخواست شده بود .

روز چهارشنبه پنجم دی ، تقوی ( مدیر مدرسه ) سعی داشت با کمک عده ای خانواده های دانش‌آموزان تحصن را خاتمه دهد و تا حدودی هم موفق شده بود .

## اخبار مبارزات دانش آموزان

امروز پنجشنبه ، عده ای از مادران دانش‌آموزان از تحصن آنان پشتیبانی کردند وقرار شد روز شنبه دانش آموزان با مادران خود دست به تحصن بزنند .

علاوه بر مبارزات دانش‌آموزان دختر ، عده زیادی از دانش‌آموزان پسر سربند نیز همزمان با اعتصاب وتحصن دبیرستانهای ماهشهر از رفتن به کلاس خودداری کردند .

خواست های عمده دانش‌آموزان ، برقراری آزادیهای دموکراتیک و حق فعالیت برای همهٔ گروههای سیاسی وتشکیل شوراهای دانش‌آموزی است .

نقل از ضمیمه محلی پیکار کمیته خوزستان

## بندرماهشهر :

اعتصاب عده ای از دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانهای ماهشهر ( قدیم ) و ناحیه شرکتی ( کوتر ) که در اواسط هفته پیش شروع شده بود ، روز یکشنبه دوم دی با ورود اکبری جلاد و اخراج ۳ تن از آموزگاران مبارز ماهشهر به اوج خود رسید .

دانش‌آموزان که در اداره آموزش وپرورش ماهشهر اجتماع کرده بودند ، با ورود اکبری درحالیکه شعارهای " مرگ بر ارتجاع " ، " مرگ بر اکبری " ، " معلم ساواکی آزاد است ، معلم مبارز زندانی است " می دادند بطرف ماهشهر ( قدیم ) شروع به راهپیمائی کردند .

روز دوشنبه ۳ / ۱۰ نیز دانش‌آموزان پسر در محل دبیرستان ۱۷ شهریور ماهشهر ( قدیم ) جهت رسیدگی به خواستهایشان متحصن می شوند . اکبری با افراد مسلح خود در محل تحصن حاضر شده وطبق معمول وطابق منطق ارتجاعی خود ، دانش‌آموزان را " عوامل آمریکا " ، " خرابکار " ، " توطئه گر " خطاب می کند . . .

دانش‌آموزان در قطعنامه خود خواستار موارد زیر شده بودند :

۱ — رفع اهانت از دبیران دستگیرشده و رفع تفتیش عقاید در مدارس و آزادی دبیران دستگیر شده .

۲ — آزادی فعالیت های سیاسی برای همهٔ گروهها در مدارس .

۳ — عدم دخالت افراد غیرمسئول در اداره امور مدارس .

۴ — پاکسازی عناصر ساواکی توسط شورای دانش‌آموزان و معلمان .

نقل از ضمیمهٔ محلی پیکار کمیتهٔ خوزستان



## میاندوآب :

## دبیرستان فاطمه امینی (آزرم سابق)

دبیرستان فاطمه امینی ( آزرم سابق )

بدنبال خبر مندرج در نشریه پیکار ( ۳۳ ) ضمیمه محلی درمورد دبیرستان فاطمه امینی ( آزرم سابق ) روزهای بعد یعنی ۱۹ — ۲۰ — ۲۱ آذرماه نیز دانش‌آموزان این دبیرستان در محوطه مدرسه دست به راهپیمائی زده و علیه ارتجاع و مسئولین اداره آموزش وپرورش شعارهایی میدادند . همچنین روز ۱۹ آذرماه دانش‌آموزان دبیرستان نهضت برای پشتیبانی از خواسته های دانش‌آموزان این دبیرستان در حیاط مدرسه دست به راهپیمائی زده و شعارهائی علیه ارتجاع و پشتیبانی از خواسته های دانش‌آموزان این دبیرستان را دادند که عده کمی از دانش‌آموزان ( قالا تز ) سعی در بر پا کردن آنها داشتند که موفق نشدند چون دانش آموزان ، خدمات نیز از مدرسه پشتیبانی کرده و شعارهایی میدادند :

" انسان باشد ، آزاد باشد ، آزاد باشد " ، " دانش‌آموز میرزند ارتجاع میلرزد " ، " فعالیت سیاسی آزاد باید گردد " " شهریه مدارس الغا باید گردد " .

در روز ۲۱ آذرماه زیرفشار واتحاد وهمبستگی دانش‌آموزان دبیرستانهای میاندوآب یکی از مسئولین اداره آموزش وپرورش به دبیرستان فاطمه امینی رفته ودرمورد خواسته های دانش‌آموزان تسلیم شده و جواب مثبت میدهد . دانش‌آموزان مبارز با اتحاد وهمبستگی خود خواسته های برحق خود را بدست آوردند واعتصاب بموفقیت آمیزشان پایان پذیرفت .

خواسته ها عبارت بودند از :

۱ — شهرستانی شدن امتحانات نهایی آخرسال باحذف قسمتی از کتابها .

۲ — آزادی فعالیت سیاسی

۳ — تشکیل شورای دبیران بدون دخالت مسئولین مدرسه

۴ — ایجاد کتابخانه

۵ — پس دادن شهریه ها — و با اینکه ایجاد کلاسها : کنکور با پول شهریه — .

۶ — تکمیل وسایل ورزشی ووسایل کارگاهی .

## میاندوآب :

شب پاسداران در شهر میاندوآب گشت میدادند و درخیابانها به هرجوان ومحصلی که مشکوک می شدند جیبهای آنها را می گشتند . وهمان شب ساعت حدود ۱۰ سه نفر از محصلین را دستگیر کرده به سپاه پاسداران می برند ، درهنگام گشتن جیبهایشان یک رنگ پیدا می کنند وبی گویند شماها روی دیوارها می نوشتید . شب را در سپاه پاسداران نگهداری ، روز بعد در مقابل اعتراض آنها که اعتصاب غذا کرده بودند ظهر اجباراً آنها را آزاد می کنند .

۵۸/۹/۹

## هزینهٔ تحصیلی برای زحمتکشان پرداخت باید گردد !

## آبادان:

### جنبش دانش آموزی، مرتجعین را به وحشت انداخت.

به دعوت گروه کثیری از دانش آموزان آبادان (دانش آموزان هوادار "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"، "دانش آموزان پیشگام"، "دانش آموزان مبارز"، "دانش آموزان مسلمان") بخاطر اعتراض به انحلال شوراهای کنونی مدارس و نیز اعتراض به طرح مسخره آموزش پرورش در مورد شوراها روز دوشنبه (۱۰/۳) راهپیمائی کم نظیری صورت گرفت.

راهپیمائی از جلوی بیمارستان "شریف واقفی" واقع در کوی کارگر، شروع شد. دانش آموزان شرکت کننده در این راهپیمائی ۱۰ هزار نفر بودند و هر لحظه بر تعداد آنها اضافه میشد. در این روز اکثر دبیرستانها و مدارس آبادان تعطیل یا نیمه تعطیل بود. رادیو آبادان بارها (از ساعت ۶ صبح) اخطاریه دادستانی آبادان را می خواند: "کسانی که در این راهپیمائی شرکت می کنند مسلمان نیستند ونوکران صهیونیستها و امپریالیستها هستند."

اینها وقاحت و بیشرمیشان را از طریق رادیو کاملا" بنمایش گذاردند وعلنا" اعلام کردند که این تظاهرات را بخاک و خون خواهند کشید. "کریمی" مرتجع معروف، (آخوند ساواکی که پرونده های مبارکش راخود مذهبی ها رو کرده اند وهمان کسی که فردای فاجعه "سینما رکس" در کنار رژیم جلاد" در تلویزیون حاضر شد و با صحبتهایش رژیم شاه را تمجید کرد) نیز از طریق رادیو از مردم درخواست می کرد که عاملان این "توطئه" ها" را شناسائی کرده و معرفی نمایند تا با آنها به شدید ترین وجهی رفتار کنند!!

بعضی از شعارهایی که در طول تظاهرات داده میشد:

- شورا، شورا، سنگرما - شورا، شورا، مرکز قدرت ما
- محصل، محصل پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش
- انحلال شوراهای خواسته ارتجاع است.
- محصل، زحمتکش اتحاد، اتحاد
- شوراهای طالقانی ایجاد باید گردد.
- شوراهای فرمایشی تابود باید گردد.
- مرگ بر آمریکا، این دشمن اصلی و خونخوار ما

تظاهر کنندگان در جلوی سینما رکس قطعنامه خود را قرائت کردند. در قسمتی از قطعنامه دانش آموزان چنین آمده است:

۱- برای مقابل با امپریالیسم و پایگاه داخلی آن یعنی سرمایه داری وابسته و ارتجاع ونیز برای مبارزه در راه استقرار فرهنگ نوین می بایست شوراهای دانش آموزی متشکل شوند وچنین ارگانی باید بر آورنده اهداف انقلابی دانش آموزان باشد.

۲- بخشنامه ارتجاعی وزارت آموزش پرورش مردود است.

۳- محکوم کردن افرادی که در مقابل شوراهای انتخابی دانش آموزان کارشکنی می کنند.

۴- قطع کامل روابط اقتصادی - سیاسی - نظامی وفرهنگی با کلیه امپریالیستها.

۵- ......

روز بعد از طریق رادیو آبادان اعلام شد که آموزش پرورش شوراهای دانش آموزان را برسمیت می شناسد!

هرچه پرتوان تر باد اراده انقلابی دانش آموزان!

# اخبار ... مبارزات دانش آموزی

## نوشهر:

دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر نوشهر اطلاعیه ای انتشار داده ودر آن ضمن بررسی حرکات هیئت حاکمه ضدخلقی و اقدامات فریب آمیز ضد انقلاب در جهت سوار شدن بر جنبش توده و پابرجا ماندن سیستمی که نوک تیز حملات خود را بسوی نیروهای انقلابی گرفته است، افشاگری هائی صورت پذیرفت که قسمتی از آن را می خوانید:

"مدیر مرتجع دبیرستان دخترانه "آزادگان" نوشهر دانش آموزان هوادار سازمان مجاهدین خلق را که اطاقی جهت فعالیت های صنفی - سیاسی خود بازکرده بودند تحت فشار قرار می دهد و از آنان می خواهد که اطاق را تخلیه نمایند. اما وقتی که با مقاومت این دانش آموزان انقلابی مواجه می گردد، دست به توطئه جدیدی زده و از آنها می خواهد که در قبال داشتن اطاق، دانش آموزان مبارز چپ را شناسائی کرده و به وی معرفی کنند. زهی بی شرمی! لیکن دانش آموزان مزبور با رعایت مسئولیت انقلابی خویش مشت محکمی بر دهان این مرتجع تفرقه انداز زده و در جواب وی میگویند، مگر ما ساواکی هستیم؟!!

بدنبال این جریان دانش آموزان سرشار از شور انقلابی با عدم اطاعت از "دستور" مدیر مجبوره خواه مجبور به تخلیه اطاق میشوند. ما ضمن سپاس انقلابی از این دانش آموزان موضع فوق را جدا" از ماهیت هیئت حاکمه نمی دانیم، هیئت حاکمه ای که از شور ضد امپریالیستی خلق ها سود جسته و احساسات پاک مذهبی آنان را دستاویز قرار داده و با عوامفریبی و فتوا و به هیچ گرفتن اراده مردم" و تبلیغات یکطرفه کر کننده رادیو وتلویزیون قانون اساسی ارتجاعی دستپخت "خبرگان" را که زنجیری است بپای زحمتکشان، به تصویب رساند. قانونی که با اصل ولایت فقیه راه را برای تحکیم مجدد سرمایه داران وابسته بازنموده و حق حاکمیت توده ها را سلب کرده وسرکوب کارگران ودهقانان وسایر زحمتکشان را طبق اصولش مجاز می داند...

... حال، دانش آموزان مبارز و انقلابی، از آنجا که تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای جهان ثابت نموده است که، "تنها و تنها" کارگران و دهقانان وزحمتکشان اند که متحدا" می توانند مبارزه ضد امپریالیستی را به پیروزی رسانند، وظیفه ماست کمیان این، نیروهای ثابت ضد امپریالیست و انقلابی رفته وآنان را نسبت به منافعشان آگاه تر وجهت پیروزی مبارزاتشان یاری دهیم.

## میاندوآب:

### مبارزهٔ ضد امپریالیستی (!) ارتجاع یعنی: حمله به دانش آموزان و آتش زدن کتابخانه ها:

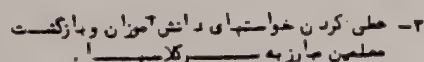
درشرایطی که رژیم حاکم برای تریب مردم برای گرفتن برای قانون اساسی ارتجاعی ادعای مبارزه "ضد - امپریالیستی" میکند، درشرایطی که رژیم حاکم هرگونه تظاهرات و اعتصابات کارگران، زحمتکشان ودانش آموزان انقلابی ونیز مبارزه خلقهای ایران بویژه خلق کرد را به خاک و خون میکشد وو قتی با شکست روبرو میشود هیئت با اصطلاح "حسن نیت" به آنجا میفرستند، معلوم است که قالانچهای میاندوآب نیز باید برای سرکوب مبارزه بحق دانش آموزان و ... مردم را با شعارهای ضد امپریالیستی جمع آوری کرده وبنام خلق کتابفروشی وکتابخانه مدرسه ها را به آتش بکشند.

دربی تحصن دانش آموزان کلاسهای چهارم دبیرستان دکتر شریعتی برای گرفتن خواسته های برحق شان قالانچها حمله گسترده خود را برای شکستن تحصن آنها شروع کردند وروز ۵۸/۱۰/۱۲ به دانش آموزان متحصن حمله کرده عده ای را زخمی نمودند، وبعد از سخنرانی هیئتی که از مرکز استان برای جوابگوئی (جواب رد) به خواستهای دانش آموزان آمده بودند عصرهمانروز قالانچها تظاهراتی که ترتیب دهندگان مدیر مدرسه و چند تن از معلمین بودند براه انداخته بطرف کتابفروشی "موج" راهپیمائی کردند ولی نتوانستند کاری از پیش ببرند.

صبح روز ۵۸/۱۰/۱۳ بدعوت حزب جمهوری اسلامی، کمیته امام، سپاه پاسداران وانجمن اسلامی جوانان میاندوآب مردم دست براه پیمائی با اصطلاح ضد امپریالیستی زدند. مدیر کتابفروشی موج براساس زمینه قبلی نامه ای به فرماندار نوشته و او در جریان حمله قرار میدهد که فرماندار با امضای نامه با شماره ۲۲.۹۹/۱۳/۱۰/۵۸ آنرا به سپاه پاسداران میفرستد اما سپاه بجای جلوگیری از حمله از آنها حمایت میکند. سرپرست سپاه (صالحی زاده) به صاحب کتابفروشی می گوید: "این کار را نمیتوانیم بکنیم، ما فقط مامور حفظ رژیم هستیم ماهرج روزانه ات را میپرد از یم کتابها را ببر"

جمهوری

**فرهنگ استعماری نابود باید گردد!**




## بندرعباس :

شورای هماهنگی دانش آموزان مدارس بندرعباس طی اطلاعیه ای به شرح یورش عناصر مرتجع به دانش آموزان و معلمان پرداخت که در زیر می خوانیــــــد :

۱۲ روز از دستگیری ۶ تن از دبیران مبارز روز ۱۶ آذر ( روز دانشجو ) میگذرد . پس از دستگیری این معلمین ما دانش آموزان و معلمین برای اعتراض به این عمل ارتجاعی مسئولین امر در روز ۵۸/۹/۱۹ دست به تحصن در محیط آموزش و پرورش زده . مرتجعیــــن که از ادامه اعتراضات ما به هراس آمده بودند فکر میکردند که با حمله به دانش آموزان و معلمیــــن می توانند خواستهای بحق آنان را پایمال کنند . آنان چه فکری کنند ؟ آیا فکر می کنند دانش آموزان و معلمین از خواستهای بحق خود با این اعمال وحشیانه چشم پوشی می کنند ؟ آنان در همان روز با جمع آوری افرادی معلوم الحال از قبیل چماقداران و چاقوکشان و تحریک عده ای از همشهریان ناآگاه با دروغهای از قبیل آتش زدن قرآن ، گروگان گرفتن زائری ، مبارزه با کفار و . . . . به جمع مسالمت آمیز ما با چماق ، چاقو ، بیل ... به فجیع ترین وضعی با فحاشی و کتک کاری حمله ور شدند و تعداد زیادی از ما را زخمی کردند . در این میان پاسداران و کمیته چیان پس از حمله اوباشـــان اقدام به دستگیری دانش آموزان ومعلمین مبـــارز نموده و مسببین اصلی حمله را در پناه خود قـــرار دادند ، بعد از این واقعه پاسداران و کمیته چی هـا برای نشان دادن حسن نیت خود به چماقداران و ایجاد فضای رعب و وحشت در شهر شروع به حمله های پی در پی شبانه و مبادرت به تیراندازی در نقاط مختلف شهر نمودند . مرتجعین این اعمال بیشرمانه خود را کافی ندانسته و در عصر همان روز با یورش وحشیانه ای به بیمارستان شریعتی مجروحین را مورد ضرب و شتم قرار دادند ( پاسداران مجروحین را سرم بدست به زندان برده و به زندانیان سرم را از دست مجروحین کشیدند . )

روز ۵۸/۹/۲۰ دانش آموزان و معلمین به عنوان اعتراض به اعمال ضد مردمی پاسداران و کمیته چی ها مبادرت به راهپیمائی مسالمت آمیز نمودند ولیکن در پایـــان راهپیمائی عوامل کمیته و پاسداران ( چماقداران و چاقوکشان ) به ما حمله کردند در این برخورد متأسفانه یک همشهری که توسط عوامل شناخته شده کــــه پرونده آنها از اعمال کثیفشان رنگین است تحریک شده بود کشته شد .

ما چند روز راهپیمائی و گردهمائی در نقاط مختلف شهر برای آزادی زندانیان انجام دادیم ولی مسئولین بجای آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان ( کـــه هیچگونه جرمی مرتکب نشده بودند ) تعداد معدودی از زندانیان را با گرفتن تعهد و ضمانت آزاد نمودند . پاسداران با عملکرد خود نشان دادند که نه تنهــا حامی مردم نیستند بلکه آلتی هستند در دست سرمایه داران برای سرکوبی نیروهای مترقی .

زندانیان در زندان برای اقرار گرفتن از زندانیان ، ماهیت خود را با شکنجه و آزار زندانیان برای مـــردم آشکارتر نمودند . ما دانش آموزان و معلمین این راهپیمائی را بمنظور اعتراض به آزاد نکردن زندانیان در پنـــد پشتیبانی از اعتصاب غذای بحق آنان انجام دادیم وخواستهای خود را بشرح زیر اعلام میداریم :

۱- آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان .

۲- محاکمه و مجازات مسببین اصلی و قایـــع اخیـــر شهـــر .

۳- علنی کردن خواستهای دانش آموزان و بازگشت معلمین مبارز به ســـر کلاسهـــا .

( ۵۸/۹/۲۹ )

## تبریز :

شنبه ۵۸/۱۰/۸ :

صبح روز شنبه حدود ساعت ۹/۵ دانش آموزان رشته اقتصاد کل مدارس تبریز بنا به پیشنهاد قبلـــی دانش آموزان اقتصاد ( شورای هماهنگی ) روز شنبه را راهپیمائی اعلام کرده بودند . بدانجهت دانش آموزان اقتصاد کلیه مدارس تبریز دسته دستـــه از دبیرستانها خارج شده و با پلاکارد به باغ گلستان که قبلا قرار بود دانش آموزان در آنجا جمع شوند می آمدند تقریبا ساعت حدود ۹/۴۵ هنگامی که اکثریت بچه ها در محوطه باغ جمع شده بودنـــد با همدیگر در مورد راهپیمائی و مسیر راهپیمائی تبادل نظر می کردند بعدا تشکل شده و در محوطـــه باغ شروع به شعار دادن میکنند و در این حال عده ای عناصر معلوم الحال سعی در بهم زدن این تشکــل دانش آموزان کردند . که به این صورت بود که میخوا ـستند با عکسهای خمینی و شریعتمداری در جلـــوی صفها قرار گرفته و جمعیت را رهبری کنند ولـــی دانش آموزان با هوشیاری تمام و سرسختی قابــل توجهی آنها را از میان صفوف متشکل شان رانده و با این کارشان تنفر و انزجار خود را از این دو حـــزب خیانتکار اعلام کرده و نشان دادند کـــه هیچوقت آلت دست اینها قرار نخواهند گرفت .

بعدا دانش آموزان با صفهای فشرده از محوطـــه باغ خارج شده و به خیابان خمینی می رسند ، چیزی که قابل توجه بود این بود که تعداد دانش آمـــوزان دختر خیلی زیاد بود و دانش آموزان دختر خیلی مصمم و قاطع بودند . وکلا تظاهرات جنبه خیلـــی تعرضی داشت .

در ضمن راهپیمائی تعداد کثیری از مردم در پیاده روها با تظاهرکنندگان به پیش می رفتند و برحـــق بودن تظاهرات دانش آموزان اقتصاد را صحـــه می گذاشتند . تعداد تظاهرکنندگان به هزاران نفر میرسید . سیل جمعیت و فشار آنها آنقدر بود کـــه جمعیت ( تماشاگران ) به کندی پیش می رفتند . تظاهرکنندگان از خیابانهای خمینی ، ارتش گذشتـــه خودشان را به جلو استانداری رساندند . در جلـــو استانداری با صفهای فشرده خود کمی جلو استانداری ایستاده بعد به طرف اداره کل آموزش و پـــرورش آذربایجان شرقی به راه افتادند . در جلـــو بازار یک عده از افراد معلوم الحال با در دست داشتن عکس شریعتمداری خواستند تشکل دانش آمـــوزان را بهم بزنند و جلو تظاهرکنندگان افتاده به نفـــع حزب جمهوری خلق مسلمان شعار بدهند ولی با هوشیاری دانش آموزان و با ... این جوجه های

پست دانشمند و هیچ کس به صدای نارسای آنهـــا جواب نداد آنها ( طرفداران حزب جمهوری خلـــق مسلمان ) با سرافکندگی پراکنده شدند . تظاهـــر کنندگان با صفهای فشرده به طرف اداره مذکـــور به راه افتادند . ضمن تظاهرات دانش آموزان اقتصاد مدارس تبریز این شعارها در شهر طنین می افکنـــد و تماشاگران تظاهرات را به خود جلب میکرد .

" محصل میرزمد - ارتجاع می لرزد " ، " کنکور اختصاصی حق مسلم ماست " ، " حقیقون گشمروخ دنیا گوریرا ن اولا " خواسته های اقتصاد لزوم گرگ اجرا اولا " ، " بیر - لشاخ ، چالیشاخ حقیمیزی آلاخ . بی محتوا کتابلار بیز لازم دییر " ، " حق ایستی بی شاگرد لوضد - انقلاب دییر " ، " اتحاد ، مبارزه ، پیروزی " ، " فرهنگ استعماری نابود باید گردد . هرگونه سازشکاری افشا باید گردد " ، " مرگ بر فرهنگ استعماری - پیـــروز باد طرح رهائی " ، " هفتاد هزار کشته ، صدها هزار زخمی دیگر نباید سازش " ، " کنکور اختصاصی حق مسلم ماست استعمار ، استعمار دشمن سرسخت ماست " .

در روی پلاکاردها شعارهای فوق نوشته شده بود . دانش آموزان با صفوف فشرده خود را به جلو اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی رساندند . دانـــش آموزان جلو اداره مذکور جمع شده شعارهی دادنـــد بعد یکی از نمایندگان دانش آموزان به اداره مذکـــور رفته و از پنجره همان اداره قطعنامه دانش آموزان رشته اقتصاد را خواند و دانش آموزان با کلمـــه صحیح است ، صحیح است پشتیبانی خود را از خواستــ های برحق خود اعلام داشتند . بعد بچه هـــا قرار گذاشتند درباره تحریم کلاس درس بعدا اعلام شود آنوقت دانش آموزان پراکنده شدند .

## چهاردانگه :

عده ای از دانش آموزان چهاردانگه ضمن اطلاعیه ای که در آن به مبارزات سال گذشته دانش آموزان و معلمین اشاره کرده اند نوشته اند :

همین چند روز پیش ما مزدورین کمیته آشکارا بـــه حریم مدرسه تجاوز می کنند و با اسلحه وارد مدرســـه می شوند و به معلمین زحمتکش و بچه ها توهین میکنند.

اهـــالـــی چهـــاردانگـــه !

ما فرزندان شما می دانیم که آینده چه وظیفه سنگینی به عهده داریم . دیگر نمی خواهیم ناآگاه باقی بمانیم ما می پرسیم اینکه می گویند محیط مدرسه یک محیط مقدس است یعنی چه ؟ ما در رژیم گذشته اجازه نمیدادیم یک مزدور ارتش وارد مدرسه بشود . ولی ما مزدوریـــن کمیته با اسلحه وارد مدرسه می شوند و به همه توهیـــن می کنند . ما می پرسیم بعد از آنهمه مبارزه علیه رژیـــم گذشته اجازه نداریم به کارهای مدرسه خود مان رسیدگی کنیم . ما در مدارسمان شورا داریم که باید به همـــه امور رسیدگی کند . ما آقا بالاسر وقیم نمی خواهیم کـــه بیاید و برای ما تکلیف کند یا بخواهد به معلمیـــن زحمتکش ما توهین کند .

ما عده ای از دانش آموزان چهاردانگه از همــــه مردم و دانش آموزان می خواهیم جلوی زورگوئیـــــ های کمیته را بگیرند و اجازه ندهند به کسی چـــه دانش آموز چه معلم توهین شود .

امـــور مدارس باید به دست دانش آموزان و - معلمان همان مدارس اداره شود .

نباید کسی به کار آنها دخالت کند .

عده ای از دانش آموزان چهاردانگه

## تهران :
### دبیرستان شباهنگ

دانش آموزان پیشاهنگ طی قطعنامه ای پرده از اعمال ارتجاعی مدیر مدرسه برداشته اند.
قسمتی از قطعنامه را در زیر می خوانید :
نمونه این اعمال ضد انقلابی را میتوانیم در دبیرستان پیشاهنگ بوضوح ببینیم:
مدیر مرتجع دبیرستان ( ضیائی ) از زمان ابتدای ورود به دبیرستان سعی در سرکوب حرکات انقلابی و دانش آموزان انقلابی مدرسه میکرد و هرصدای مترقی و انقلابی را در نطفه خفه مینمود که میتوانیم مجموعه حرکات ضد انقلابی او را در این مدرسه بصورت زیر خلاصه نمائیم :

۱- اخراج دانش آموزان انقلابی ( اخراج ۹ تن از دوستانمان در سال قبل و تهدید به اخراج دیگر دانش آموزان ).
۲- جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش آموزان به اشکال گوناگون :
الف - تعهد نامه و گرفتن تعهد از دانش آموزان.
ب - تجاوز به حریم آزادیهای دمکراتیک (جلوگیری از نمایش تئاتر عباس آقا که البته از کمیته ها هم کمک گرفت).
ج - سعی در گرفتن و تعطیل کتابخانه دانش آموزی.
د - تهدید به اخراج دانش آموزان که اطلاعیه و نشریه های انقلابی را پخش میکرده اند.
۳- ایجاد تفرقه در بین دانش آموزان و گروههای سیاسی دبیرستان.

که در مورد مسئله آخر میتوان از اقدام اخیر یعنی جلوگیری از فروش کتاب و نشریه در دبیرستان و توهین به دانش آموزان انقلابی اشاره کرد.
ولی می بینیم که این اعمال ارتجاعی مدیر با جوابی قاطع و محکم از جانب کلیه دانش آموزان و همکاری شورای دانش آموزان روبرو گردید. بدین ترتیب که شورای دانش آموزان به درستی در حمایت از اعتراض دانش آموزان به حرکت ضد انقلابی مدیر مدرسه برخاست و در این رابطه با تشکیل جلسه ای با حضور کلیه نمایندگان منتخب دانش آموزان چند قطعنامه ای مشتمل بر مواد زیر مشت محکمی بر دهان مرتجعین زد :

۱- محکوم کردن کلیه اقدامات ضد انقلابی مدیر دبیرستان ( که در بالا متذکر شدیم. )
۲- آزادی هرگونه فعالیت سیاسی برای کلیه گروههای موجود در دبیرستان.
۳- آزادی استفاده از کلیه امکانات دبیرستان برای شورا و کلیه گروههای سیاسی.
۴- شرکت مستقیم شورای دانش آموزان در کلیه امور دبیرستان.
۵- درصورت برآورده نشدن خواستهایمان شورا موظف به سلب مسئولیت از مدیر دبیرستان و اجرای کلیه امور دبیرستان ( از جمله اجرای مواد قطعنامه ) بدست خود میباشد.

مدیر مرتجع دبیرستان ضیائی، نه تنها هیچیک از مواد قطعنامه را بنا بر ماهیتش نپذیرفت بلکه به توهین و تهدید نمایندگان پرداخته غافل از آنکه نمایندگان ما برای اجرای خواستهای قطعنامه که مورد تایید کلیه دانش آموزان قرار گرفته پافشاری کرده و هیچکدام از این اعمال سد راه آنها نخواهد شد.
حال دوستان دانش آموز :
با توجه به اینکه مدیر ( ضیائی ) نقش ارتجاعی خود را با اعمال اخیرا تهدید به نمایندگان شورا به اخراج بکار دیگر نشان داده است، بر ماست که با




صفوف هرچه فشرده تر با طرد مرتجعینی که آب در آسیاب مدیر و در نتیجه امپریالیسم و ارتجاع میریزند و سعی در تفرقه بین دانش آموزان مینمایند، شورای خویش را دریابیم و هرچه مستحکمتر و بیشتر برای تقویتش بکوشیم.

با پشتیبانی از نمایندگان منتخب خود
در شورا مشت محکمی بر دهان
ارتجاعیون بکوبیم !
با اتحاد خویش توطئه های
امپریالیسم و ارتجاع را درهم بکوبیم !
مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع حامی آن !
گروه دانش آموزی "صمد" دبیرستان پیشاهنگ

## تهران:
### دبیرستان دکتر شریعتی

در روز سه شنبه ( ۵۸/۱۰/۴ ) دو دانش آموز به اتهام داشتن اطلاعیه و چند چیز دیگر در کیف حین چسباندن اطلاعیه از طرف مسئولین مدرسه بازداشت می شوند.
مسئولین مدرسه بچه ها را که هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بوده اند بدست سپاه پاسداران منطقه ۱۳ داده و سپاه آنها را به مقر سپاه برده و مورد بازجویی قرار می دهند. بعد از نگه داشتن چند ساعت آنها را آزاد کرده و سپس به تعقیب آنها می پردازند عصر همانروز دوباره آنها را در خیابان گرفته و به سپاه می برند و با تهدید و غیره سعی می کنند آنها را بترسانند. در سپاه مدیر مدرسه و معلمان آمده و دانش آموزان را آزاد می کنند.

## تهران :
### دبیرستان دکتر شریعتی

بار دیگر سیاست سازشکاری و فرصت طلبی کنونی دانش آموزان وابسته به "حزب توده" در مدرسه ما ( شریعتی پسرانه ) به نمایش گذاشته شد.
شرح واقعه : در روز دوشنبه ۵۸/۱۰/۳ ناظم مدرسه آقای ریاضی یکی از مستخدمین مدرسه را بخاطر احتمال در کارش ( بچه ها در توالتها شعار نوشته بودند از قبیل نان - مسکن - آزادی و ... ) اخراج می کند. بعد از پیگیری معاون از این ماجرا چند تن از بچه های کانون پیش معاون رفته و تعدادی از بچه های پیکار و پیشگام را بعنوان کسانی که شعارها را نوشته اند لو می دهند. معاون بچه ها را گرفته، قصد اخراج آنها را می کند ولی بعد از فشار بچه ها آنها را اخراج نمی کند.

○

## تهران :
### دبیرستان چیستا

در مدرسه چیستا دخترانه که متعلق به سرمایه داری بنام مجد زاده است طی توطئه ای دو تن از دبیران مبارز به بهانه مجرد بودن اخراج کردند.
ابتدا مجد زاده از پرداخت حقوق معلمان خود داری می کند ووقتی با اعتراض آنان روبرو می شود به آموزش و پرورش ناحیه ۲ گزارش می دهد که معلم کمونیست در مدرسه ما وجود دارد. بد نیست بدانیم این معلمین کسانی بودند که قبل و بعد از قیام همواره ما را در مورد مسائل اجتماعی آموزش می دادند.
در پی این اخراج گروهی از بچه ها به حیاط ریخته و شعار می دهند : "مرگ بر مجد زاده، مرگ بر سرمایه دار، درود بر معلم مبارز" و...
مجد زاده می کوشد که در میان دانش آموزان مذهبی و اولیاء دانش آموزان تبلیغات مسموم علیه معلمین راه بیاندازد و با استفاده کردن از مسائلی مثل اینکه این معلم بچه های شما را کوه می برد و کمونیست است وغیره به هدف خود برسد.
به هرحال پس از کشمکش های بسیار دانش آموزان دست به تظاهرات می زنند و مجد زاده مدیر مدرسه را افشاء می کنند. دانش آموزان در صدد ادامه مبارزات خود هستند.

## لاهیجان:

دانش آموزان کلاس دوم نظری دبیرستان رضائی لاهیجان که به روش تدریس دبیر زیست شناسی خود اعتراض داشته وخواهان تعویض بودند نمایندگان خود را پس از چند هفته مراجعه و گفتگو با مدیر دبیرستان برای گرفتن نتیجه نهایی در ابتدای روز نزد مدیر مدرسه فرستادند. مدیر دبیرستان ( شریفی) در برابر خواست آنان پاسخ داد "اگر به اعتراضتان ادامه دهید من انجمن خانه و مدرسه را تشکیل داده و به جرم اخلالگری همتان را اخراج خواهم کرد"
بعد از آن دانش آموزان به عنوان اعتراض به این نوع برخورد وتصمیم مدیر مدرسه و به نتیجه رساندن خواست خود به اداره آموزش و پرورش رفتند. اما رئیس آموزش و پرورش که از آمدن آنان بوسیله مدیر دبیرستان قبلا" اطلاع یافته بود و از اداره خارج شده بود، آنان
مسئله را پی گیری نکنند شخص مسئول دیگری که آمده
بود در مقابل خواست آنان گفت : "با دبیر مربوطه و مدیر دبیرستان و ... صحبت کرده، مشکلتان را حل خواهیم کرد ونتیجه را روز سه شنبه ۲۶ آذرماه همین هفته می گوییم" روز سه شنبه دانش آموزان بار دیگر به اداره آموزش و پرورش مراجعه می کنند اما معاون اداره برعکس دفعه قبل پاسخ می دهد "از دست ما کاری ساخته نیست باید با همان دبیر بسازید. ما تنها میتوانیم به او تذکر بدهیم که روش تدریس خود را تغییر دهد."
دانش آموزان که از اینجا هم راه حلی برای مشکل خود نیافتند به مدرسه بازگشتند. اما تصمیم گرفتند که مبارزه خود را برای تعویض دبیر مربوطه با مدیر مدرسه و اداره آموزش و پرورش ادامه دهند.

# مدیرکل به اصطلاح انقلابی آموزش و پرورش منطقه گیلان را بهتر بشناسیم!

یادبود به روان پاک شهیدان و گلگون کفنانیکه با ایثار خون خود نهال انقلاب را آبیاری کرده و به منصه ظهور رسانیدند. ما نیز در قبال این وظیفه ضروری دانسته تا نقاب از چهره یکی از ضد انقلابیون بظاهر انقلابی بر اندازیم تا چهره فرصت طلبانه ایشان بر همگان آشکار گردد.

آقای بهمن رهنما مدیرکل آموزش و پرورش گیلان با توجه به بخشنامه ای که در ذیل آمده است (به تاریخ توجه فرمائید) ماهیت خود را به عنوان یکی از عوامل دخیل در تحکیم موقعیت رژیم منفور گذشته در منطقه لشت نشا با سرکوب کردن اعتصابات برحق معلمان و دانش آموزان به اثبات رسانیده حال چگونه به صورت یک انقلابی چهره عوض نموده است خود معمائی است.

متن بخشنامه

۱/۱۰۸۷۹/۴
۱۳۵۷/۷/۲۵

از: اداره آموزش و پرورش منطقه لشت نشا
به: رئیس دبستان راهنمائی تحصیلی ـ دبیرستان

(خیلی خیلی فوری)

موضوع: خواهشمند است به کلیه همکاران آموزشی آن آموزشگاه اعلام نمائید هیچ وجه کلاس تدریس خود را ترک ننمایند و ملزم به رعایت مقررات و حضور به موقع در محل کارشان خواهند بود در غیر اینصورت اسامی کسانیکه به هر نحوی از انحاء از رفتن به کلاس درس خودداری نمایند جزو غیبت غیرموجه تلقی و اسامی آنان را سریعاً باین اداره ارسال نمائید. مسئولیت اجرای دقیق این بخشنامه شخصاً بعهده رئیس آموزشگاه خواهد بود. ب)

بهمن رهنما
نماینده اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان در لشت نشا

قضاوت با شما است آیا سکوت، خود وسیله ای برای تحکیم موقعیت فرصت طلبان و ضد انقلابیون نیست؟ بنابراین سکوت را جایز ندانسته با فرستادن نامه ای سرگشاده به مقامات مسئول و ذیصلاح خواستار برکناری ایشان در مدت (۵ روز) شدیم در غیر اینصورت مسئول نارضایتی ها و عواقب بعدی مقامات مذکور ذیصلاح را می دانیم. ما از کلیه معلمان و کارکنان اداری آموزش و پرورش و سایر اقشار شرافتمند و آگاه و متعهد منطقه گیلان خواستار پشتیبانی از این امر مهم می باشیم.

معلمان منطقه لشت نشا
تکثیر از: دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ـ رشت
(۵۸/۱۰/۱۵)

# انعکاس اختلاف طبقاتی در مدارس

در این هفته سعی کردیم که یکی از مشکلات و مسائل مهم شهر خود را بررسی کنیم و آن مسئله مدارس میباشد. با نمونه ای از این مدارس را برای شما تشریح میکنیم تا شما از اوضاع این مدرسه آگاه شوید. این مدرسه مدرسه زور آباد است. قبل از هر چیز لازم به توضیح است که محله ای با ۸۰ هزار نفر جمعیت (زور آباد) ـ دارای یک دبستان است. این مدرسه دارای ۶ کلاس می باشد با میز و نیمکت های شکسته که هیچکدام وضع درست و حسابی ندارند فضای کلاسها کوچک و تاریک است. حیاط مدرسه هیچگونه وسیله و فضائی برای تفریح دانش آموزان ندارد. این تنها مدرسه زور آباد را اهالی زحمتکش زور آباد خودشان ساخته اند. اکثر معلمان این مدرسه برای وقت گذرانی و گرفتن حقوق به مدرسه می آیند و هیچ گونه مسئولیتی درمورد دانش آموزان احساس نمی کنند. توالت این مدرسه غیرقابل استفاده است. تا چند ماه قبل بعلت ماندن زیاد آب در آب انبارها اگر کرم و جانوران و حشرات بیماری زا در آب فراوان بود و دانش آموزان نمیتوانستند از آب استفاده کنند. بعلت نبودن امکانات بهداشتی در این مدرسه بهیچوجه بهداشت رعایت نمیشود. چندی قبل یکی از دانش آموزان اوریون میگیرد و بعلت درمان نکردن آن تمام دانش آموزان و حتی معلم ها نیز دچار این بیماری میشوند. این نشانه بارزی از عدم امکانات بهداشتی در این مدرسه است.

مسئله دیگری که در این مدرسه وجود دارد تعداد زیاد دانش آموزان است. چون تعداد دانش آموزان زیاد است و مدرسه گنجایش این تعداد را ندارد عده ای از دانش آموزان را از مدرسه اخراج می کنند. و چون ۵ ماه از سال تحصیلی گذشته است مدارس دیگر نیز این بچه ها را نمی پذیرند. باین ترتیب زحمات خانواده این بچه ها برای تحصیل فرزندانشان یکباره از بین میرود. بطورکلی بیشتر فرزندان مردم زور آباد در مدارسی چون "جنیدی"، "تهرانی"، "دکتر خانلری" و "معلم" درس می خوانند. آری یک نمونه از وضع مدارسی است که در محله فقیرنشین و زحمتکش زور آباد وجود دارد.

حال کمی آنطرف تر رفته و بداخل شهر کرج میائیم و سری به مدرسه دانشکده بزنیم. این مدرسه محل تحصیل بچه هایی است که اکثر خانواده آنها در رفاه و آسایش هستند. بچه هایی با لباسهای گرم و تمیز و کفشهای براق و رنگارنگ. بچه هائی که با ماشین پدر و مادر به مدرسه رفت و آمد میکنند. این مدرسه از همه امکانات آموزشی و بهداشتی برخوردار است. در داخل حیاط سرسره، تاب و انواع وسایل بازی برای بچه ها وجود دارد. کلاسهای متعدد با پنجره های تمیز و میز و نیمکتهای خوب که آماده پذیرائی از دانش آموزان است و حتی این مدرسه اخیراً کلاسهای یادگیری موسیقی نیز گذاشته است. نه تنها بعلت کثرت جمعیت کسی را اخراج نمیکنند، بلکه در هر کلاس تعداد کمی دانش آموز مشغول به تحصیل هستند و با خیال راحت بدرس خواندن مشغولند. فارغ از اینکه در آنطرف شهر بچه های زحمتکشی وجود دارد که با کفشهای پاره و لباسهای ژنده با هزاران مشقت به مدرسه و بعد از تعطیل مدرسه بدنبال کار برای تأمین معاش خانواده به کارخانه، مزرعه ... رفته و شب خسته از تحصیل و کار به خانه آمده و با شکم نیمه سیر و اغلب گرسنه به خواب میروند تا فردا صبح دوباره کار خویش از سر گیرند (البته اخیراً بعلت فشار و اعتراض کارگران دانشکده فرزندان آنها نیز به تعداد محدود در این مدرسه پذیرفته اند. فرزندان استادان و افراد سرشناس اولویت دارند.) این نمونه کوچکی از جامعه سرمایه داری است جامعه طبقاتی که زهر خویش را بر هر چیز می کوبد، فرق نمیکند زن و مرد، پیر و جوان تازیانه ستم همیشه بر پیکر زحمتکشان می نشیند.

امروز ۱۰ ماه پس از قیام همچنان نظام گذشته ادامه می یابد هنوز همچنان دانش آموزان زحمتکش مجبورند برای ادامه تحصیل و سیر کردن شکم خود و خانواده خود تن بکار دهند، و هنوز آنها که بیش از همه مزه ستم سرمایه داری وابسته را چشیده بودند به مبارزه روی آورده بودند درگیر این مشکل هستند. حماسه نبرد این دانش آموزان صفحه درخشان جنبش دانش آموزی است. اگرچه اینها جوانان زحمتکش بودند که در سرنگونی رژیم سلطنت نقش عمده ای را داشتند ولی پس از قیام هیچ قدمی در جهت رفع مشکلات بیشمار آنها برداشته نشده. چرا؟ زیرا نظام اجتماعی کماکان سرمایه داری وابسته است. تا زمانی که این نظام باقیست حامی این نظام (هیئت حاکمه کنونی) از رشد آگاهی توده ها برای حفظ منافع خود، جلوگیری خواهند کرد (زیرا آگاهی نابود کننده ارتجاع است) و امکانات یکسانی برای تمام مدارس ایجاد نخواهد کرد. هیئت حاکمه کنونی قادر بحل این مسائل نبود. حل این مشکلات در گرو رهائی جامعه از وابستگی، یعنی برقراری جمهوری دمکراتیک به رهبری طبقه کارگر خواهد بود.

نقل از: نشریه موج (۲)
نشریه گروهی از دانش آموزان کرج



## مستحکم باد پیوند دانش آموزان با زحمتکشان!

# وقتی ارتجاع عقب نشینی می کند

"سپاه پاسداران طی پیامی اعلام کرده است که برادران کرد از امروز در دست پاسداران بیل و کلنگ خواهند دید." (پامداد ۲۹ آبان)

چگونه شده است که یکدفعه پاسداران میز و تفنگ خود را زمین میگذارند (البته در ظاهر) و از در آشتی بیرون میآیند؟ واقعیت از این قرار است که هیئت حاکمه بعد از سه ماه قشون کشی به کردستان موفق نشده بود که جنبش خلق کرد را سرکوب کند و آنان را وادار به عدول از خواستهای خود کند. سه ماهی که هر روزش عزای خلق کرد بود، عزای از دست رفتن عزیزانی که جان خود را در راه اهداف خلق خود باختند، سه ماهی که هر روزش بر قدرت خلق کرد افزوده شده و توده هرچه بیشتری را به صف مبارزین خلق کرد پیوند داد.

سه ماهی که پاسداران و ارتشیان به ماهیت این جنگ تحمیلی و مسببین این جنگ، آشنایی یافتند و دانستند که طرف مقابلشان خلق کرد است نه عوامل خارجی، سه ماهی که صف خلق و ضد خلق را بطور عینی به خلق ایران روشن ساخت. و نشان داد که دوستان خلقها کیانند (نیروهای م ـ ل واقعی که هر روز با پخش اطلاعیه افشاگری از مبارزات خلق کرد پشتیبانی کرده و مردم ایران را از آنچه که در کردستان می گذشت آگاه میکردند و یا خود با گرفتن سلاح، همراه با خلق کرد بر علیه ارتجاع میجنگیدند) و دشمنان خلق کیانند (هیئت حاکمه و نیروهای وابسته و سازشکار مانند حزب توده و سازمان انقلابی ...). در این سه ماه از خلق کرد به نام تجزیه طلب و ضد انقلاب نام برده شد و مبارزه با این نیرو را مساوی با کفار میدانستند. ولی بعد از اینکه در جنگ کردستان تعداد زیادی از ارتشیان از نبرد در کردستان دست کشیدند و فرار کردند و پاسداران نیز صدمات زیادی (چه جانی وچه نظامی) خوردند، زمانی که هیئت حاکمه دید نمیتواند با سلاح به جنگ خلق کرد برود، زمانی که نیروهای خلق کرد با قوای هرچه بیشتر به ارتش وسپاه پاسداران میتاختند، زمانی که کار مجلس خفتگان رو به اتمام بود و زمانی که ... هیئت حاکمه تصمیم میگیرد که به راه حل سیاسی تن در دهند و البته این راه حل سیاسی را بوسیله فروهر و صباغیانها که اعمال آنها در این ۹ ماه بعد از قیام ماهیتشان را هرچه بیشتر روشن نموده انجام میدهد. هیئت حاکمه تازه میخواهد بعد از این همه کشتار و قتل عام، با نمایندگان خلق کرد مذاکره کند تا شاید کمی آرام کند، قانون اساسی کذائیش را تصویب کند. همچنین هیئت حاکمه از تمایلات و شور ضد امپریالیستی خلق آگاهی دارد و میخواهد با این اقدام (راه حل سیاسی) موج بیشتری از خلق را در پشت سر خود داشته باشد (در رابطه با اشغال سفارت آمریکا) و قوانین ارتجاعی مجلس خفتگان را تصویب کند تا بتواند خلقها را در آینده هرچه بیشتر سرکوب کند. اینکه آیا واقعا هیئت حاکمه ضد امپریالیست است یا نه. ولگردهای دولت در این ۹ ماه اخیرشان داد / سازمانهای م ـ ل واقعی نیز پرده را برداشته اند ونیازی نمی بینیم در این مورد بیشتر توضیح دهیم) و آنچه مسلم است خلق کرد و تمام خلقهای ایران مبارزات ضد امپریالیستی ـ ضد ارتجاعی خود را ادامه داده تا سرانجام در جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر به خود مختاری واقعی و دیگر حقوق خود دست یابند.

خلق میرزمد ـ امپریالیسم و ارتجاع میلرزد!

برقرار باد اتحاد و همبستگی خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم وارتجاع!

هرچه پرتوانتر باد مبارزات ضد امپریالیستی خلق!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

**********************

نقل از: نبرد دانش آموز (٤)
نشریه گروهی از دانش آموزان مبارز هوادار آزادی طبقه کارگر آبادان (نیمه دوم آذر ۵۸)

# چگونه شوراها را به ابتذال می کشانند؟

دوستان دانش آموز آیا هیچوقت از خود سئوال کرده اید چرا شوراها را از مفهوم واقعی خود تهی کرده اند؟ چرا شورا در بیشتر مدارس چماق سرکوبی برای مخالفین شده است؟ چرا دانش آموزان به شورا که در مفهوم واقعی خود میتواند جوابگوی نیازهای مبرم آنان باشد دلخوشی ندارند؟ چرا دیگر جلسات شورا که باید به مسائل روزمره صنفی و سیاسی دانش آموزان رسیدگی کند ماهی یکبار نیز تشکیل نمیشود؟ و صدها چرای دیگر. برای روشن شدن این قضیه ابتدا باید بدانیم شورا چیست و آیا آن چیزی که با جمع شدن عده ای از نمایندگان دانش آموزان در مدارس وجود دارد شورا به مفهوم واقعی خود است؟

شورا ارگان حاکمیت توده هاست. توده های زحمتکش در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، که سالهای سال در زیر شدیدترین فشارها قرار دارند در مرحله ای از رشد مبارزات خود برای سرنگونی رژیمهای وابسته و نابودی امپریالیسم دست به ایجاد ارگانهایی برای اعمال حاکمیت خود میزنند، این ارگانها که در اعتلای انقلابی جنبش توده ها همزمان با سرنگونی رژیمهای وابسته تشکیل میگردد همان شوراست. اعمال حاکمیت چنین شوراهائی عبارت است از نفی هرگونه قانونی که سرمایه داران و امپریالیستها وبطورکلی رژیم های ارتجاعی برقرار می سازند. اما ببینیم هیئت حاکمه فعلی که ارگانی برای تثبیت مجدد قدرت امپریالیستها میباشد، چگونه شوراها را وسیله ای برای عوامفریبی توده ها میکند، شوراهایی که باید بدست خود آنها برای حاکمیت سیاسیشان بوجود آید. با توجه به مفهوم واقعی شورا برای ما مسلم است که هیئت حاکمه نیاز به شوراهای فرمایشی برای اعمال حاکمیت خود دارد وسعی میکند که با یک سرهم بندی دانش آموزان را بفریبد و آنها را از داشتن ارگان حاکمیت سیاسی خود بدور دارد. هیئت حاکمه با یک تیر دو نشان میزند، اول اینکه میتواند با این اصطلاح "شوراها" از یک طرف دانش آموزان را که از آگاهی برخوردار نیستند بفریبد و از طرف دیگر منافع خود را توسط دست نشاندگانش که همان مدیران و معلمان ارتجاعی هستند، برآورده سازد. بنابراین از چنین هیئت حاکمه ای خواستن شورایی به مفهوم واقعی دست بسوی رژیم سرمایه داری دراز کردن است. آن شورایی که بتواند منافع واقعی دانش آموزان و زحمتکشان را در خود منعکس کند تنها وتنها در حکومتی خلقی برهبری طبقه کارگر امکان پذیر است. ما به نوبه خود موظفیم برای به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی میهنمان در راه رسیدن به شوراهای واقعی حد اکثر کوشش خود را مبذول داریم و در عین حال هرفریب ونیرنگ هیئت حاکمه را با اسم ـ که در واقع کلاهی است که بسر مردم ایران می رود افشا کنیم. ما نباید بگذاریم کسانی در لباس شورا برای رسیدگی به مسائل دانش آموزان بتوانند افکار و تمایلات خائنانه خود را به دانش آموزان تحمیل نمایند. ما باید با نشان دادن مفهوم واقعی شورا چیزی را که اینان به اسم شورا می خواهند به دانش آموزان تحمیل کنند افشا نموده و دستان اینان را برای تمام دانش آموزان روکنیم.

خلاصه کلام ما باید بگوییم هیئت حاکمه بنا به ماهیت طبقاتی خود نمیتواند قدرت توده ها را ببیند، او از قدرت توده ها وحشت دارد وسعی در نابودی هر گونه ارگان مردمی که وسیله ای برای حاکمیت توده هاست، دارد.

نقل از: پیکار دانش آموز (۲)
نشریه دانش آموزی
دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
و (شیراز)

**رفقا!**

انتقادات و پیشنهادات خود را به آدرس خیابان ۱٦ آذر، تالار رجوی ـ جنب سلف سرویس مرکزی ـ دفتر دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بفرستید. علاوه برآن بشدت به کمک مالی شما نیازمندیم، بهر وسیله که میتوانید با ما در ادامه راهمان همکاری کنید.

**دانش آموز میرزمد. ارتجاع میلرزد!**

# هجوم هیئت حاکمه به مدارس

شماره ۱۵۴ م - ۲ - ۰ - ۰ به اداره آموزش و پرورش رامهرمز - از : فرمانداری رامهرمز [illegible]
طبق اطلاع واصله عده ای از عوامل ضد انقلاب و چپ گرا اخیرا از مناطق مختلف خصوصا کردستان به رامهرمز وارد و شروع به تحرکات و زمینه چینیهائی جهت ایجاد اغتشاش در این منطقه نموده اند . طبق همین اطلاع هدف خرابکار [illegible] با توجه به فصل کشاورزی در این شهرستان ... مزاحم کشاورزان خواهد بود و گفته شده که حتی درصورت لزوم از اسلحه گرم نیز استفاده گردد . علیهذا خواهشمند است دستور اکید صادر فرمایند با تمام هشیاری متوجه اوضاع بوده و هرگونه فعالیت مشکوک را سریعا به این فرمانداری کمیته پاسداران و [illegible] انتظامی اطلاع دهند . ضمنا شایسته است به منظور حفظ آرامش اهالی از نشر خبر جدا خودداری و چنانچه افراد ذیصلاح و مسئول آنهم بدون اطلاع از مرجع خبر دهنده در جریان امر قرار نگیرند . فرماندار [illegible]

۲۰۰۴۳ / ۱۳ ، ۹ ، ۵۸ رونوشت جهت اطلاع و هشیاری کامل به آموزشگاه ... ارسال میشود .
مسئول آموزش و پرورش رامهرمز - ... شهر ...

شماره : ۱۲۰۲/۱۰۲ - ۵۸/۸/۲۳ : اداره کل آموزش و پرورش استان :

۲۶۱۸۱ - ۵۸/۹/۱۲ بسمه تعالی دانش آموزان عزیز و انقلابی خوزستان

بی تردید میدانید که انقلاب شکوهمند ملت ما در چه مراحل حساسی است و میرود که دیو جهانخوار آمریکا را به زانو درآورد . خطر بزرگ انقلاب اسلامی ما ضد انقلاب توطئه گراست که همیشه در کمین است تا از هر فرصت مناسبی برای ایجاد آشوب استفاده نماید . در این لحظات حساس تحصن و راه پیمائیها اولا بهترین فرصت را به دشمن انقلاب میدهد تا وانمود کند که آرامشی در مملکت نیست تا خواسته ها و شعارها اگر حق باشد نیازی به تحصن و راه پیمائی نیست و اگر ناحق باشد که باطل را هرگز نمیتوان با تحصن و راه پیمائی حق جلوه داد . این خدمتگزار با توجه به اینکه همیشه قلم برای احقاق حق می طلبد و برای اینکه نقشه های شوم ضد انقلاب را خنثی کنم اعلام میکنم از این پس خواسته های شما با تحصن و راه پیمائی هرگز نمیتوانم ترتیب اثر بدهم . از شما میخواهم که بگذارید آرامش شهر بهم نخورد و نظم کارها از دست نرود و لازم است که سخن حق و خواسته خود را بدون تحصن و راه پیمائی با ما در میان بگذارید . مدیر کل آموزش و پرورش خوزستان - محمد کاوش

۲۰۷۷۱ / ۱۸ ، ۹ ، ۵۸ رونوشت جهت اطلاع دانش آموزان عزیز و انقلابی مدرسه ... مدرسه راهنمائی ...
ارسال میشود . مسئول آموزش و پرورش رامهرمز - فرهنگ

شماره : ۱۷۴۴۷/۲
تاریخ : ۶ / ۱۰ / ۵۸
پیوست :

**وزارت آموزش و پرورش**
اداره آموزش و پرورش شهرستان ...

دبیرستان ابن سینا

فعالیتهای غیر برنامه در دبیرستان باید از طریق (اداره مورد قانونی واقع شود و شورا ... نمیتوانند به فعالیتهای ... قرار گیرند و از طرفی طبق تصمیم شورای دبیرستان مسئول امور ... در شورا را خط ... حق رای دارد که این ... نمیتواند نظر اداره را ... کند ... من

مهرز ... رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱۹ تهران

۱۰۵ / ۱۰/۱۹

بسمه تعالی

۵۰۵۲۴ / ۵
۸ / ۲۱ / ۵۸

بخشنامه به کلیه واحدهای آموزشی

عطف بخشنامه شماره ۳۲۲۳۹/۵ - ۵۸/۶/۲۴ منظور آماده سازی محیط آموزشی و آماده شدن مدارس جهت تعلیم دانش آموزان مراتب زیر لازم الاجرا است .

۱- هیچ مدرسه ای نمی بایستی اطاق و یا اطاقهائی را در اختیار گروهائی قرار دهد .

۲- کلیه شعارهای الصاق شده جمع آوری و مدرسه پاکسازی شود .

۳- هر مدرسه میتوانند فقط یک اطاق را بعنوان نمازخانه اختصاص دهند . اجرای دقیق مراتب فوق بعهده شخص مدیر مدرسه بوده خواهشمند است نتیجه اقدامات را باین اداره گزارش نمائید . ۵۸ / ۸ / ۲۱

رئیس اداره آموزش و پرورش بابل محسن اکبری مزدک
از طرف

۱۲۱۰
۵۸ / ۹ / ۲۴

((بسمه تعالی))

شماره : ۵۹۸ ۱
تاریخ : ۵۸ ، ۸ ، ۲۴

همکار محترم رئیس مدرسه راهنمائی مهدی رضائی

درجلسه ای که در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ در دفتر آن مدرسه تشکیل گردید با همکاران محترم در آن شرکت داشتم ضمن مذاکرات و مباحثاتی که در آن جلسه شد روشن گردید که جریاناتی در آن واحد وجود دارد که کلا موجب تشنج و درگیری و احتمالا تبلیغات ضد انقلابی است و نتیجه بجای اینکه در این دوران سازندگی نیروی جمله ... صرف بالا بردن مراتب تحصیلی و انقلابی اسلامی گردد به درگیریهای فرسایشی انجامد . برای جلوگیری از هرگونه حادثه نامطلوب فکری و اقتصادی لازم است با رعایت بی طرفی کامل و با توجه به مسائله عدل و انسانیت موضوعات زیر را تحقیق و نتیجه را به این اداره ارسال دارید .

۱- وارونه جلوه دادن مسئله کردستان و ایجاد بدبینی در دانش آموزان .

۲- ایجاد شبکه جاسوسی .

۳- لیست کاملی از دبیرانی که غیر مسلمان بوده و در رابطه با اصول ( توحید / نبوت / امامت / عدل / معاد ) هستند ... فکر است . /

مسئول اداره آموزش و پرورش منطقه شوش ...

رونوشت جهت اطلاع به آموزشگاه ... ارسال میگردد . / ط

**هرچه گسترده‌تر باد مبارزات حق طلبانهٔ دانش آموزان**

## انتخابات ریاست جمهوری...

مخالف بودند ؟ همه اینها نامفهوم باقی مانده است. درحالی که می دانیم در انتخابات کنونی رئیس جمهوری که انتخاب می شود اگرموافق رأی فقیه ( خمینی ) نباشد تمام رأی های داده شده هم باطل خواهد بود ) سرانجام مسئله را با تناقضات دیگری به پایان می برد بدون نتیجه ( که ناشی ازهمان دو پهلوگویی ها و عدم نتیجه گیری چریکهای فدائی است ) مقاله را تمام می کند.

رفقای نویسنده " دانش آموز وانقلاب " تزرویزیونیستی ( گفته شده درفوق را ) به گونه ای واضحتربیان کرده می گویند : " درزیراسم انتخابات ریاست جمهوری یک مبارزه حاد طبقاتی درجریان است و این منجر به تسخیردژ حاکمیت توسط دو جناح درحال رشد و درحال زوال می باشد " . می بینیم که رفقا ازانتخابات چه انتظاری دارند . آنها می خواهند در اثر این انتخابات دژحاکمیت یا " قدرت سیاسی " بدست طبقات پیشرو ودرحال رشد بیافتد.

آری آنها می خواهند یک سیستم را با انتخابات عوض کنند . آنها می خواهند به جای انقلاب پیروزی درانتخابات قدرت سیاسی رابه چنگ آورند .

آیا پایان این مطالب جز این نیست که می توان قدرت سیاسی رانه ازطریق یک انقلاب قهری بلکه ازراه مسالمت آمیز ، ازراه شرکت دریک انتخابات ( زیرنظر بورژوازی ) وبراساس اکثریت آراء بدست آورد ؟

رفقا مقاله را باجمله ای مبهم ترازقبل به پایان می برند . " میتوان باتحریم یاتقبل شرکت درانتخابات نطفه " دمکراسی توده ای راکه درهرلحظه باجنبش براعتلای طبقه کارگرتکامل می یابد بارورساخت " . معلوم نیست که آخر با " تحریم " انتخابات می توان این کار راکرد یا با " تقبل آن "

درپایان لازم می بینیم که با مسئله ای که درد بیوست ۲ باآن برخورد می کنیم دائر برآنکه " عدم شرکت درانتخابات سبب می شود که یک گروه سیاسی منزوی شود " نیزبرخورد کنیم . البته این جمله " تازه ای " نیست . مگرهنگامی که رویزیونیستهای خائن حزب توده دردادن رای آری به جمهوری اسلامی شرکت می کردند چه دلیلی برای اینکارشان می آورند. آنها درنشریه " مردم " نوشتند : وقتی که کارگران همه دراین رفراندوم شرکت می کنند ماچگونه می توانیم چنین نکنیم ؟

رویزیونیستها همیشه می کوشند تابا " توده گرایی عوامفریبانه " سازش خائنانه شان باحکومتهای ارتجاعی رابپوشانند . انتقاداخیرنیزازجمله همین دلائل است . ما ( هرچند روزبروزشاهد درهم شکستن توهم توده ها نسبت به هیئت حاکمه بوده وهستیم ) اما بدلیل توهم توده ها وعدم آگاهی بخشی از آنان ازماهیت رژیم " چنین کاری نمی کنیم . فکرمی کنیم که غلط بودن این گونه توجیهات که ادامه همان توجیهات رویزیونیستهای خائن توده ای و " سه جهانی " است برای سایر رفقای دانش آموز آشکارباشد .

نکته دیگری نیز که باید به آن توجه داشت تفاوت بین شرکت درپارلمانها و مجالس دولتهای ضدخلقی است که کمونیستها ( حتی باوجود دولتهای ضد خلقی) درشرایط مشخص برای افشای خود دستگاههای حاکمه ( دولت ) بعنوان تریبونی برای افشاگری وامری درخدمت مبارزه طبقاتی که درسطح جامعه وجود دارد ازآن استفاده می کنند ، باشرکت درارگانهای اجرایی هیئت حاکمه یعنی کابینه های دولت ( هیئت وزرا یاریاست جمهور ) می باشد که دراینجا شخص درکنار دیگرمسئولین سیستم ضد خلقی بــه

چرخاندن سیستم وبرعلیه توده ها یاری می رساند ونسبت به مسئله درهم کوبیدن سیستم ودستگاه دولتی ودرذهن توده ها چنین وانمود می کند که سیستم ضد خلقی حاکم ... ان به ... انقلاب ... م بشکنند ازراه ... تف

## هجوم هیئت حاکمه به مدارس...

آگاهی دانش آموزان عرصه فعالیت رابرای گروههای انقلابی درمدرسه تنگ می کنند ، ولی باپامبارزه جدی وفعال دانش آموزان برای کسب حقوق خود برای انجام فعالیت های سیاسی روبروهستیم . وارتجاع باتمام کوششهای خود درمدارس نتوانسته است حاکمیت خود راتماما اعمال کند . البته قدرت هیئت حاکمه درمدارس مختلف نسبت به وضعیت گروههای انقلابی فعال درمدارس متفاوت است .

شوراهای دانش آموزان ( مجمع نمایندگان ) که درمدارس ازسال قبل شکل گرفته بود جائی بود که فعالیت صنفی - سیاسی دانش آموزان وتاحدودی اداره " امورمدرسه راکنترل می کرد وبرخی مدارس دست به انجام کارهای انقلابی ( اخراج معلمین ومدیران ساواکی و وابسته . . . ) زده بود هیئت حاکمه راازنقش خود باخبرساخت و بازهیئت حاکمه جاروجنجالها براه انداخت و طرحی که مزورانه درآن کوشیده بود نقش دانش آموزان راهرچه بیشتر درصحنه مدرسه محدود کند بیرون داد . ( که مادر شماره ۵ نشریه مان این طرح راشکافتیم ) .

زمانی دیگرشاهد سود جوئی هیئت حاکمه ازمسئله تعلیمات نظامی بودیم و اینکه درمدارس چگونه بااستفاده ازاین مسئله به تبلیغ برعلیه خلقهای ترک ، عرب وکرد می پرداختند ودرآخرنیزنقش خود راتکامل بخشیده از دانش آموزان برای مواقع ضروری تعهد مقابله باخلقهای ایران رامی گرفتند .

آموزش وپرورش بحث سیاسی و تبلیغ سیاسی رادرمدارس ممنوع می کند و درهمه مدارس دانش آموزان شاهد آن هستند که معلمین سرسپرده که به جای معلمین انقلابی اخراجی به مدارس گسیل شده اند چگونه به تبلیغ برعلیه خلق ها و انقلابیون دست می زنند . وبه تفتیش عقاید دانش آموزان می پردازند وچگونه درتمام مدارس گروههای مذهبی مرتجع چه آزادی عمل دارند وچه امکاناتی برای آنان فراهم می شود ولی به گروههای انقلابی حتی اجازه کوچکترین فعالیت نمی دهند(گرچه دانش آموزان درمدارس باپیگیری و مبارزه خود توانسته اند ، حقوقی رابدست آورند . )

دراین شرایط که هیئت حاکمه نمی تواند نقش خود رابا راحتی درمدارس بازی کند دست به حمله ای کهنه وقدیمی می زند : "تشکیل و بازسازی انجمن خانه ومدرسه " . هیئت حاکمه که درمقابل نیروی دانش آموزان پیشروی انها در یادگیری تئوری انقلابی و حرکات تعرضی آنان دراین چند ماه جوابی نداده ، دست به دامن خانواده های آنان شده و پدرومادران دانش آموزان رانصیحت می کنند که فرزندان خود رانصیحت کنند و ازانجام کارهای ضد انقلابی ( ! ! ) منع کنند وچون والدین دانش آموزان همیشه به درس فرزندانشان اهمیت بیشتری می دهند وبی کوشند پدر ومادر رابه سدی درمقابل حرکات انقلابی دانش آموزان بدل کنند . بله این است آخرین تیرهای هیئت حاکمه که برعلیه دانش آموزان می اندازد . اما هرآنچه هیئت حاکمه سعی دربستن پنجره هایی که به سوی آگاهی بازمی شود می کند دانش آموزان بیشتریاد می گیرند و تجربه می کنند . و راههای مبارزه باارتجاع رامی یابند . سیل خروارها دستورالعمل

چه ازطرف رئیس آموزش و پرورش وچه ازطرف دست نشاندگانش که سیاستهای آموزشی هیئت حاکمه رااجرامی کنند ، نشانه " وحشت روزافزون هیئت حاکمه ازفعالیت نیروهای انقلابی ورشد آگاهی دانش آموزان است . ○

## تبریز : دعوای لیبرالها و سربرآوردن...

واین سرمایه داران لیبرالی که امروز می خواهند بوسیله زدوبند باارتش و شهربانی وژاندارمری ضد خلقی درتبریز توده هارابه مسلخ بکشانند چگونه می توانند مردمی راکه برسینه شان زخم گلوله همین ارتش ضد خلقی است درکنارببگیرند .

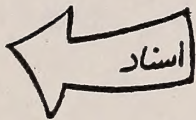
آری ، امروز درتبریز جریانات درجهتی دیگرپیش می رود و کسی که قادرنباشد لحظه به لحظه مبارزات توده هارادنبال کند ، به تغییرات آن بپاندیشد وبدرستی آن رابشناساند کسی که چشم به بالا بگیرد وفقط درون هیئت حاکمه راببیند هرگز قادرنخواهد بود ازمحتوای واقعی مبارزات باخبرشود ودرکنارتوده ها باستد وامروزازاین روست که می توان دیدد درمبارزات مردم تبریزشرکت کرد وضمن بسط خواستها وجنبه های اساسی ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی آن به افشای پیگیرانه لیبرالها پرداخت و حرکت مستقل توده ها و رهبری طبقه کارگرادرآن تعمیق نمود .

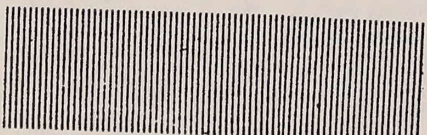
ازهمین روست که می تواند باید به توده ها نشان داد ، دنباله روی ازدعوای هیئت حاکمه ارتجاعی ولیبرالهای ضد انقلابی ، تنها نتیجه اش روی دست ماندن دهها وصدها شهید است وبراد رکشی است . وبه آنان گفت که باید تنها برای خواستهای واقعی خود مبارزه کنند .

ازهمین روست که می توان ضمن نشان دادن ماهیت پاسداران که چون ابزاری سرکوب گردردست هیئت حاکمه است ، از ماهیت کمیته چی های شریعتمداری که مردم یعنی کارگران ودهقانان و زحمتکشان باندازه کافی درکارخانه ها و روستاها وکوچه و خیابان چهره کثیف شان رادیده اند بیشتر پرده برداشت واجازه نداد مردم راگوشت دم توپ کنند .

باید وباید هزاران بارگفت که اصلاح این یاآن ماده قانون اساسی بنفع لیبرالها خواست توده ها رابسر آورده نمی کند واین قانون اساسی وحامیان آن کلا" علیه خلق و انقلاب عمل می کنند وخواهند کرد .

اینست وظایف ماد ربرابرخلق تبریزوهمه خلقهای میهن . و ازهمین جهت است که ما می اندیشیم مبارزات اخیرتوده ها بسیارمتفاوت بادعوای لیبرالها وهیئت حاکمه واختلاف برسراصل ولایت فقیه است ●



## تبریز: دعوای لیبرالها و سربرآوردن جنبش توده..... (بقیه)

مردم از محلات منجم، شاه آباد، شمس تبریزی انتهای طالقانی و دیگر محلات فقیرنشین تبریز همراه پاسداران در حالیکه فوش تهدید آمیز خود را علیه آیتالله زمانده سرمایه داری وابسته، علیه گرانی، علیه جیره خواران حکومت سر می دهند، بانکها این نشانه های ستم امپریالیستی را به آتش می کشند. مسلسل های آمریکائی بیرحمانه سینه توده های رنجدیده مارا می شکافند. شهر آشکارا میدان نبرد کسانی است که با فریادهایشان نشان می دهند که از نظم ضد خلقی کنونی بجان آمده اند وکسانی که از هیئت حاکمه کنونی این محافظان سیستم ضد خلقی دفاع می نمایند. درگیری چیزی جز صف بندی این دو نیرو را بازگو نمی کند.

آیا تصور می کنید ۲۹ بهمن ۵٦ تبریز را بیش چشمتان تصویر کرده ایم؟

آیا تصور می کنید روزهائی نه چندان دور، روزهای نبرد وجنبش و قیام شکوهمند سال گذشته را زنده نموده ایم؟

نـــــه!

اینست آنچه که در ۱۹ دیماه ۵۸ در تبریز اتفاق افتاد. مبارزاتی که بسیار متفاوت از جریانات اخیر ضد انقلابی که دعوای لیبرالها و هیئت حاکمه بر سر ولایت فقیه بود.

* * *

توده ها، چه کارگران، چه دهقانان و چه دیگر زحمتکشان شهری هنوز به مبارزه ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی خود به اشکال گوناگون ادامه می دهند. در این باره هیچ نیروی انقلابی نمی تواند تردیدی داشته باشد. همه می دانند که نبرد مسلحانه در سراسر کردستان چیزی نبود جز مبارزه برحق توده ها تحت ستمی که حاضر نیستند زیربار فریب هیئت حاکمه ای بروند که می خواهد سیستم گذشته را تماما بازسازی کند. همه می دانند ماهیگیران انزلی علیه اجحاف وستمگری دستگاه اداری و آلت سرکوب هیئت حاکمه کنونی و قوانین ضد خلقی گذشته که هنوز کماکان به همان شیوه برقرار بود بپاخاستند. همچنین اند کارگران شرکت نفت، با نیروی متحد خود علیرغم کوشش هیئت حاکمه برای حفظ روابط گذشته، شرکتهای نفتی را ملی اعلام کردند. همه می دانند، مردم مسجد سلیمان و باشندگان پاس بدفاع از خواستهای دمکراتیک معلمان و دانش آموزان مترقی دست به مبارزه زده اند و هنوز زحمتکشان کردستان، عشایر فارس، مردم تحت ستم خوزستان، دهقانان شمال به مبارزات خود که جز با تغییری بنیادی، جز با برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان نمی تواند عملی شود ادامه می دهند. آیا مبارزات ۱۹ دیماه تبریز هم اینچنین بوده است؟

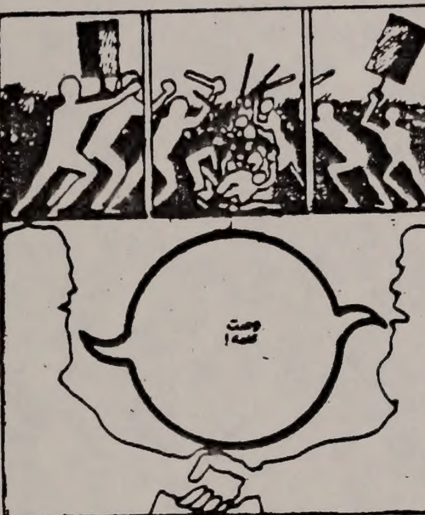
بنابه دلایل زیر پاسخ می دهیم آری!

مانیوش مردم بجان آمده تبریز از دستان گذشته بیزار علیرغم همه جنبه های خودبخودی آن بیاد داریم و بروشنی آنرا مبارزه ای انقلابی ارزیابی می کنیم.

ما اعتصابات، تظاهرات، یورش نیروهای سرکوب ارتجاع، به راهپیمائی های کارگران بیکار تبریز و اعتصابات کارگری را بیاد داریم و آن را مبارزه ای انقلابی ارزیابی می کنیم، چرا، بخاطر آنکه علیرغم همه اشتباهات، علیرغم آنکه این مبارزات عمدتا جنبه خودبخودی داشت و در اینجا با آنچه در جریان توجهیم می شد، مضمون آن کل نظام سرمایه داری وابسته را بزیر سئوال می کشید.

لیکن از طرف دیگر ما حوادثی را که در جریان رفراندوم قانون اساسی در چارچوب دعوای لیبرالها به رهبری افراد ضد انقلابی چون شریعتمداری و دار و دسته شناخته شده او، سرمایه داران و هیئت حاکمه ضد خلقی بر سر ولایت فقیه صورت گرفته بود. از این مبارزات جدا کرده و اعلام کرده بودیم که کشاندن توده ها به صحنهٔ دعوائی که اساسا مسئله آنان نیست نباید بحساب جنبش توده، بنفع توده ها و خواستهای توده گذاشته شود.

مسئله قانون اساسی و شریعتمداری و ولایت فقیه که به میانداری حزب جمهوری خلق مسلمان در تبریز منجربه تحریک توده ها و سوء استفاده از احساسات



مذهبی آنان و جنگ و خونریزی شد، چه بود؟ مگرنه آنکه، شریعتمداری این سلطنت طلب دیروز وظاهر مخالف امروز، با همه قانون اساسی ارتجاعی موافق بود وفقط می خواست در یک اصل (اصل ۱۱۰ مربوط به ولایت فقیه) طوری تغییر صورت گیرد که استخوانی هم به او برسد. مگر او یکی از همدستان سرمایه داران وابسته و چهره شناخته شده ضد انقلابی نبود، پس توده ها چه نقشی داشتند که برای اهداف او خود را به آب و آتش بزنند؟ نه! این جنبش توده نبود. توده ها ممکن است به اشتباه برای انجام خواستهای خود طی مبارزه زیر قبای این یا آن ضد انقلابی بروند لیکن هرگز خود لباس ضد انقلاب را نمی پوشند. این دعوا، جامعه ای برای توده ها فراهم نمی آورد. برای همین در آن موقع وظیفه ما نه دامن زدن به مبارزه ای بود که بخشی از مردم را بدل به سپاهی لشکر این ضد انقلابی و بخش دیگر را بدل به سپاهی لشکر آن ضد انقلابی دیگری نمود بلکه افشای واقعی این دعوا واختلاف بود.

ما تنها با نفی شرکت در مبارزه بنفع خمینی یا به نفع شریعتمداری، با نفی برادرکشی حاصل از این دعوای ضد انقلابی با بیرون کشاندن توده ها از این اختلاف و دعوا بود که می توانستیم واقعا جنبش توده را تقویت نمائیم.

اما امروز مسائل تغییر یافته است. چرا؟ چون مبارزات دهها هزار نفری ۱۹ دیماه با وجود پاره ای توهمات، با وجود پاره ای تشبثات نیروهای فرصت طلب با وجود آنکه پاره ای از عناصر شناخته در صدد برآمدند که از آب گل آلود ماهی بگیرند لیکن، از ریشه و اساس متفاوت با حرکتهای ضد انقلابی "بالائی ها" بود و در عوض یگانگی آشکاری با مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی داشت.

مبارزات ۱۹ دیماه ثابت نمود که حرکت توده ها نه با خواست لیبرالها مطابقت دارد، نه آنکه بنا بخواست آنان قابل کنترل است. با وجود صدور اطلاعیه و فرستادن فتوی توسط شریعتمداری که وحشت زده به عجز ولابه پرداخته و خطاب به توده تبریز می گفت تظاهرات نکنید و...

باز توده ها به خیابان ریختند. این بار توده ها نیامده بودند تا بگویند، چون آقا رای نداده ما هم رای خود را می خواهیم" و یا اینکه "آقا از تلویزیون صحبت کند تا ما بخانه هایمان برویم و..." اینبار آنان خروشان آمده بودند تا فساد و پوسیدگی سیستم وابسته را افشاء سازند. آنان آمده بودند تا فریاد بزنند "گوشت...، توهین نمیشه" آنان آمده بودند تا اشاره کنند به یکسان بودن محتوای "سلطنت" در درون لباس "جمهوری" و... هرچند که باز دار و دسته سرمایه داران لیبرال و ضد انقلابیون وعوامفریبان حزب جمهوری خلق مسلمان مثل کفتار بدنبال خلق بودند و می کوشیدند جریان را بنفع خود تمام کنند. غافل از اینکه این حرکت توده ها دارای عمق و ماهیت دیگری است.

براستی چرا لیبرالها ۱۸۰ درجه در مقابل جنبش ۱۹ دیماه قرار دارند.

برای آنکه اینبار توده ها برای خواستهای آنان سینه نمی زدند. سوزاندن بانکها بوسیله کارگران وزحمتکشان تبریز که بیانگر نفرت آنان علیه کل سیستم است با خواست سرمایه دارانی نظیر توکلی، خوئی و غیره که بدون بانکهای امپریالیستی نمی توانند بحیات ادامه دهند زمین تا آسمان فرق دارد این که گنده های حزب خلق مسلمان علیرغم اختلاف تودهها با هیئت حاکمه همچون او خواستار حفظ این نهادهای امپریالیستی هستند.

برای اینکه کارگران و زحمتکشانی که از گرانی فریادشان به هوا بلند بود جز با درهم ریختن سیستم سرمایه داری وابسته یعنی همان چیزی که توکلی ها، خوئی ها به همراه هیئت حاکمه کنونی خواستار حفظ آنست به هدفشان نمی رسند.

برای اینکه توده هائی که علیه پدیده های نظام وابسته می رزمند نمی توانند در کنار حافظان این نظام باشند. در کنار سرمایه دارانی باشند که در زمان شاه با توسل به ساواک و آژیر شکنجه وحشیانه، نظم را حفاظت می کردند بعد از قیام این سلطنت طلبان ضد انقلابی با کمیته های شریعتمداری به لیبن های حزب جمهوری خلق مسلمان که صدها هزار و صدها هزار تومان از طرف سرمایه داران تبریز کمک می شد در سرکوب توده ها شرکت می کردند. هرگز کمیته های شریعتمداری کمتر از کمیته های خمینی خواستار سرکوب توده ها نبوده است و این را توده های تبریز می دانند.

## برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

## فرهنگ استعماری....

جامعه و کشور، خفقان و دیکتاتوری، تظاهرات و اعتصابات، کشت و کشتار رژیم و ... همه صحبتی برخلاف کتاب تاریخ داشتند. کتابهای فیزیک و شیمی و جبر و هندسه و مکانیک و ... انباشته از فرمولهای خشک وجامدی که نهایتاً از دانش آموزان درسخوان مهندسینی می سازند که قادرند ماشینها و دستگاههای وابسته به امپریالیسم را بکار اندازند و اداره کنند، به جای آنکه توانائی ساختن دستگاههای لازم برای تولید مواد لازم بطور مستقل داشته باشند.

پس می بینید که هدفی را که رژیم از اشاعه فرهنگ استعماری در میان دانش آموزان داشت عبارت بود از آنکه دانش آموزان از دسترسی بفرهنگ انقلابی باز مانده و از پیوستن آنها به صفوف انقلاب جلوگیرد و از دانش آموزان برای خود خدمتگذارانی تربیت کند که بتوانند ماشینها وکارخانه های وابسته را بکار اندازند.

محتوای کتابها که استعماری باشد، هرچه حجمش بیشتر باشد نفع زیادتری به رژیم می رساند. به اینصورت که وقت دانش آموزان را بیشتر میگیرد و از دسترسی آنها به کتاب و فرهنگ انقلابی هرچه بیشتر میکاهد. "پس هرچه حجیم تر باد کتابهای استعماری!!" این شعار رژیم بود. اما بعلت بالا بودن پتانسیل جنبش خلقهایمان برخلاف خواسته رژیم نه تنها دانش آموزان در صفوف خلقها فعالانه شرکت جستند، بلکه با کمک به نیروی خلقها در از بین بردن رژیم وابسته به امپریالیسم کوشش وفداکاریها نمودند. اما بعلت نبودن رهبری طبقه کارگر، خیانت بورژوازی لیبرال و سازش خرده بورژوازی مرفه سنتی انقلاب به سرانجام نرسید. ما دانش آموزان نیز همراه با دیگر نیروها وطبقات انقلابی به خواسته های اساسیمان نرسیدیم. نابودی فرهنگ استعماری که یکی از خواسته های اساسی ما بود مسکوت گذارده شد.

هیئت حاکمه، ما را با قول و قرارهایی (که ما سال بعد سیستم را درست خواهیم کرد) و با کم کردن حجم کتابهای درسی (نه نابودی فرهنگ استعماری) روانه کلاسهای درس نمود. سال تحصیلی جدید را هم با همان کتابهایی که رژیم سابق (با حذفهایی که ذکر کردیم) تهیه دیده بود (البته ضمناً حذفهای پارسال و با حجمهای قبلی) آغاز نمود. دانش آموزان که از فرهنگ استعماری متنفر بودند، خواستار کم کردن حجم کتابهای درسی شدند. علت اینکه دانش آموزان این خواسته را طرح می سازند. از آنجا ناشی می شود که کتابهای درسی جوابگوی مسائل دانش آموزان نیست.

کتابهای درسی با زندگی توده های زحمتکش میهنمان پیوندی ندارد، بدرد حل مشکلات جامعه نمی خورد و ... وصرفاً برای این تهیه گردیده اند که از آگاه شدن دانش آموزان از مسائل جامعه وخودشان جلوگیری کنند. دانش آموزان نباید بدانند که حکومت در دست کیست و محکومین چه کسانیند، ضد انقلاب واقعی کیست، در کردستان و سیستان و آذربایجان و خوزستان چه می گذرد، کارگران بیکار را چرا سرکوب می کنند.

چرا هیئت حاکمه از فئودالها در مقابل دهقانان دفاع می کند، چرا خلقها سرکوب می گردند، چرا هیئت حاکمه قادر به حل بحران اقتصادی، سیاسی جامعه نیست؟ چرا اجناس مورد نیاز توده ها هر روز گرانتر و کمیابتر می گردد، چرا هیئت حاکمه از برآوردن کوچکترین خواست توده ها عاجز است، چرا ... چرا ... و هزاران چرای دیگر که آگاهی یافتن دانش آموزان از جواب این چراها صد درصد به نفع هیئت حاکمه نخواهد بود.

آری، این کتابها برای این بکار برده می شوند که دانش آموزان را از دست یابی به سئوالاتی نظیر سئوالات بالا باز دارند.

دانش آموزان از دیدن این کتابها (به علتهای ذکر شده) بیزارند، چه کتابها ۴۰۰ صفحه باشد چه ۲۰۰ صفحه، زیرا مسئله ای که برای آنها مطرح است محتویات کتابهاست، نه حجم آنها.

حالا چرا خواسته کم کردن حجم کتابها از طرف دانش آموزان طرح می گردد مشخص است که آنها خواهان این هستند که وقت بیشتری برای خواندن کتابها برای خواندن روزنامه ها و نشریه بدست آرند، و کمتر با فرهنگ استعماری درگیر باشند ومحتوای استعماری کتابها نمی تواند توجه دانش آموزان را بخود جلب کند. درصورتی که فرهنگ انقلابی که مسائلی را که دانش آموزان در جامعه با آن درگیرند توضیح دهد کاملاً مورد پذیرش دانش آموزان خواهد بود.

حالا اینکه چرا هیئت حاکمه می خواهد حجم کتابهای درسی را کم کند، جوابش را باید در بالا بودن جنبش دانش آموزی و جنبش خلقهایمان پیدا کرد. اکنون که موج اعتراضات دانش آموزان یکی پس از دیگری بالا می گیرد. هیئت حاکمه دست به کم کردن حجم کتابهای درسی، پایین آوردن پایه و سطح نمره برای قبولی و ارائه طرحهایی برای مبارزه با بیسوادی و ... می کند. درصورتیکه از نابودی فرهنگ استعماری سخنی به میان نمی آورد، زیرا اصلاً نمی تواند هم سخنی به میان آورد. رژیمی که در مقابل خلق قرار دارد وحتی همچنان که گفتیم از برآوردن کوچکترین خواست توده ها عاجز است، طبعاً خواستهای دانش آموزان را هم نمی تواند برآورده سازد.

دانش آموزان مبارز و انقلابی موظفند برای دیگر دانش آموزان توضیح دهند که فرهنگ استعماری چیست، وفرهنگ انقلابی کدام است. خواست اساسی دانش آموزان را توضیح داده و علت ناتوانی هیئت حاکمه را در برآوردن این خواست دانش آموزان شرح دهند.

## انتخابات ریاست جمهوری....

که انتخابات را برگزار می کند، تعیین می کند. گذشته از آنکه حتی ورود نماینده ای از طبقات خلقی در درون دولت و سیستمهای ضد خلقی منجر به تغییر سیستمهای ضد خلقی منجر به تغییر سیستم نخواهد شد و در نهایت آن شخص به مهره ای در خدمت سیستم درخواهد آمد. از همین روست که نمی توان با دل خوش کردن به انتخابات و به قصد انتخاب فردی که قصد خدمت به مردم دارد در انتخابات شرکت جست. البته در کشورهای وابسته ای مثل ما که دموکراسی بورژوائی (دمکراسی ظاهری که در کشورهای امپریالیستی وجود دارد) هم نمی تواند وجود داشته باشد می بینیم که حتی در ظاهر قضیه نیز مجبورند شرایط دیگری را اضافه کنند. از جمله اینکه شخص انتخاب شونده حتماً باید مسلمان باشد، ولایت فقیه را قبول داشته باشد و ...

همانطور که گفتیم کمونیستها در برخورد به مسئله انتخابات ریاست جمهوری وشرکت در دولتهای حاکم به مسئله ای که بیش از همه توجه می کنند ماهیت هیئت حاکمه است. زیرا با شرکت در حکومتهای ارتجاعی که بر سیستمی ضد خلقی حاکمند (مثل هیئت حاکمه ارتجاعی کنونی که برهمان نهادهای وابسته به امپریالیسم سابق (ارتش ضد خلقی ودیگر نهادهای اداری گذشته) که در دوران انقلاب ضربه خورده ولی نابود نشده اند تکیه دارد) تنها توهم توده ها را نسبت به این مسئله که از چه راهی می توان این حکومتها را سرنگون کرد (از راه انقلاب یا در انتخابات) دامن می زند.

اما برخورد نشریه "کار ارگان چریکهای فدائی به انتخابات کاملاً" از موضعی دیگر و از موضعی غلط بوده است. رفقا در مقاله "ما و انتخابات ریاست جمهوری" (کار شماره ۴۰) مقاله را نه بر اساس افشای انتخابات واینکه (اگر خود را نماینده طبقه کارگری دانند) طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قدرت سیاسی را از طریق انقلاب بدست می آورند ونه از راه انتخابات، بلکه اینکه چرا کمونیستها نمی توانند در این انتخابات شرکت کنند و قانون اساسی ارتجاعی از کمونیستها حق انتخاب شدن در انتخابات ریاست جمهوری سلب کرده است پرداخته اند.

رفقا به جای آنکه نشان دهند که هیئت حاکمه از برگزاری این انتخابات تنها قصد آنرا دارد که مبارزه طبقاتی موجود در جامعه را به مبارزه انتخاباتی کشانده و مسیر آنرا عوض کند خود به این توهمات خرده بورژوائی دچار گشته و می گویند:

"مبارزه ای که اکنون برای انتخاب ریاست جمهوری آغاز شده است یکی از اشکال مشخص مبارزه طبقاتی است."

مبارزه بین طبقات از راه انتخابات برای کسب قدرت سیاسی نمی تواند جریان یابد و تنها در صورتی چنین اتفاقی می افتد که نیروهای خلقی و دموکرات نتوانند مفهوم واقعی هیئت حاکمه و انتخاباتی را که وی برگزار می کند دریابند، تنها موقعی چنین اتفاقی می افتد که ارتجاع موفق شود نقش درونی از ماهیت واقعی انتخابات ترسیم کند ونیروهای دموکرات را بفریبد تا مبارزه طبقاتی را به مبارزه انتخاباتی تبدیل کنند. رفقا می خواهند از راه انتخابات نماینده ای برای تضعیف هیئت حاکمه، برای تغییر ماهیت حاکم بر جامعه بفرستند. رفقا مگر سیاست رویزیونیستی "از جمله حزب خائن توده" در برخورد به انتخابات و گرفتن قدرت از بالا چه بوده و چیست؟ مگر نه آنکه آنان می گویند که ما سعی می کنیم اکثریت مردم را به خود جلب کنیم و از این راه اکثریت آراء را بدست آورده و حکومت را در دست گیریم؟ البته پس از این همه کبری وصغری چیدنها برخوردهای غلط نشریه کار ـ بالطبع نظر صریحی درباره شرکت یا عدم شرکت نیز نمی شنویم.

برهمین اساس بود که "همین شیوه" تفکر است که نشریه دانش آموز و انقلاب (ارگان دانش آموزان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق) مقاله "ما و انتخابات ریاست جمهوری" را نوشته اند.

پس از جملات دوپهلو، گنگ ومبهم فراوانی از جمله اینکه دمکراسی "در شرایط حاضر می توانند تا حد دموکراسی! بورژوازی لیبرال سقوط کند!!" (یعنی اینکه می تواند تا این حد سقوط کند ولی ممکن است نکند. و آن وقت اگر تا حد دموکراسی بورژوازی لیبرال سقوط نکرد چی؟ تا چه حد می تواند اعتلا یابد؟ همه گنگ و مبهم است) و اینکه "انتخابات ریاست جمهوری و اختیارات آن در چهارچوب تنگ ولایت فقیه نمانده و سرانجام یکی با نفی دیگری تکامل می یابد" (که باز هم معلوم نیست یعنی چه؟ یعنی اینکه انتخابات ریاست جمهوری در تناقض با ولایت فقیه است؟ یعنی اینکه آنهایی که ولایت فقیه را عنوان می کردند با انتخابات ریاست جمهوری ـ

بقیه در ص ۴

ارگان دانش آموزی
# ۱۳ آبان
۸
سال اول / شماره ۸ / دوشنبه ۵۸/۱۱/۱ / قیمت ۵ ریال

## در صفحات دیگر می خوانید:

● تکیه هیئت حاکمه بر نیروهای سازشکار ، توطئه ای علیه خلق کرد .
● پرولتاریا و کمونیست ها ( کمونیستها چه کسانی ... )
● چگونه شوراها را به ابتذال می کشانند ؟ ● وقتی ارتجاع عقب نشینی می کند .
● مدیر کل باصطلاح انقلابی را بشناسیم ! ● شعر مقاومت .
● نامه ای از رفقای کانون متحصلین مریوان ● اخبار مبارزات دانش آموزی .

## از خلق کرد و تحصن مردم سنندج برای اخراج پاسداران حمایت کنیم !



## انتخابات ریاست جمهوری

### و دانش آموزان هوادار چریکهای فدایی خلق

مارکسیسم - لنینیسم به ما می آموزد که ضد خلق را نمی توان به زیر کشید ، قدرت سیاسی را نمی توان بدست آورد مگر با یک انقلاب . مارکسیسم - لنینیسم همیشه با این نظر رویزیونیستها ( بورژواهایی که لباس مارکسیسم بر تن کرده اند ) که می گفتند و می گویند که می توان بطور مسالمت آمیز و مثلاً در طی یک انتخابات قدرت سیاسی را کسب کرد مبارزه کرده اند . مارکس می گفت آزادی اینکه در انتخابات ریاست جمهوری به مردم داده می شود اینست که هر چند سال یکبار تعیین کنند که کدامیک از سرمایه داران بر آنها حکمروایی کند .

دولتهای ضد خلقی در برخورد با مسئله انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل دولت همیشه می کوشند تا به مردم چنین نشان دهند که مردم کاملاً آزاد هستند که بهترین فردی را که دلشان می خواهد انتخاب کرده و به آنها رأی دهند . کما اینکه در کشورهای امپریالیستی اکنون می بینیم که شرطی ( در ظاهر ) برای انتخاب کننده و انتخاب شونده وجود ندارد . اما کمونیستها می دانند که شرایط انتخابات نحوه آن و کسانی را که باید انتخاب بشوند و یا لااقل چند نفری که یکی از آنها باید انتخاب شود را هیئت حاکمه ای

بقیه در ص ۲

## هجوم هیئت حاکمه به مدارس

هیئت حاکمه ضد خلقی همیشه و هر جا بیشترین نیروی خود را برای جلوگیری از نفوذ افکار انقلابی در توده ها بکار می گیرد . مدارس بعلت خصوصیاتی از قبیل کمبود آگاهی ، تشکل و ... دارد باعث توجه هیئت حاکمه می شوند و همیشه هیئت حاکمه انگشت خود را روی آن می گذارد . مدارس شکلی از جامعه در بعد کوچکتر است که تغییر و تحولات درون جامعه روی مدارس تاثیر گذارده و در نتیجه مدارس با شدت ضعف بیشتر یا کمتر تحت تاثیر مسائل جامعه قرار می گیرد .

هیئت حاکمه با فرهنگ استعماری در یک دست با کارها و عملیات ارتجاعی در دست دیگر به مبارزه با آگاهی دانش آموزان می پردازد .

حجم زیاد کتابها و محتوی استعماری آن که نتوانسته بود دانش آموزان را از کسب آگاهی و افکار انقلابی دور کند به آن منجر شد که هیئت حاکمه دست به تصفیه معلمین انقلابی با نام ضد انقلاب و مارکسیستی از این دست بپردازد . به عنوان مثال تبعید و اخراج معلمین مبارز در مشهد و عباس که با اعتراض دانش آموزان و مردم اهالی و پیگیری آنان معلمین انقلابی آزاد شدند ، از طرف دیگر هجوم هیئت حاکمه برای اخراج دانش آموزان فعال و پیشرو به چشم می خورد و اینکه چگونه از ترس

بقیه در ص ۴

## مشکل چیست : حجم کتابهای درسی یا محتوای استعماری ؟

## فرهنگ استعماری

۱ - چرا دانش آموزان خواهان کم کردن حجم کتابهای درسی می باشند ؟
۲ - چرا هیئت حاکمه می خواهد از حجم کتابهای درسی کم کند ؟
۳ - در این بین دانش آموزان مبارز انقلابی چه باید بکنند ؟

در کشورهایی مانند کشور ما که دارای نظام سرمایه داری وابسته می باشند ، اکثر دانش آموزان متعلق به طبقات متوسط و زحمتکش جامعه می باشند . به همین خاطر بخش بزرگی از دانش آموزان نیروی عظیمی را که قادر است به انقلاب خدمات نسبتاً بزرگی انجام دهد ، تشکیل می دهند .

شرکت عظیم دانش آموزان انقلابی در صفوف انقلاب ، شرکت در تظاهرات مردم ، شرکت در اعتصابات دانش آموزی و شرکت در قیام اخیر خلقهایمان شرکت در تظاهرات و تحصن بعد از قیام ( بخصوص در کردستان و ... ) بخوبی نشاندهنده این واقعیت است .

یکی از خواستهای اساسی دانش آموزان در قیام اخیر نابودی فرهنگ استعماری ( که خود ناشی از وجود نظام سرمایه داری وابسته در کشورمان است ) و جایگزین ساختن فرهنگ انقلابی به جای آن بوده است .

دانش آموزان انقلابی می دیدند که درسی را که می خوانند جوابگوی مسائل خود و جامعه آنها نمی باشد . وقتی کتاب تاریخشان را باز می کردند و می خواندند سخن از مدح پادشاهان و وزرا و دربارها بود ، سخن از عدل انوشیروان و سخن از شجاعت آقا محمد خان قاجار بود ، اما در جامعه شان چیز دیگری می گذشت ، تضادهای طبقاتی ، عقب ماندگی

بقیه در ص ۳

## تبریز:
## از دعوای لیبرالها تا سر بر آوردن جنبش توده

مقاله در ص ۳

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران